



### فهرست

- ظرفیت کاربردی اسامی مصدر در زبان روسی و کاربرد آنها در جملات در ترکیب ساختارهای  
حرف اضافه‌ای 11 ایرینا ویکتورونا آرخیپووا
- تعدد مبانی در ادبیات کلاسیک روسیه 29 ولادیمیر الکسیویچ کاتلنیکوف
- اصطلاحات ضرب‌المثلی (پارم‌ها) در دوران کرونا 49 سوتلانا ویکتورونا شوستووا
- آموزه‌های بلاغی م.و. لامانوسف درباره ترتیب کلام 65 ولادیمیر آناتولیویچ بورتسف
- تصویر درویش در اشعار ایوان بونین و آندری بئلی 83 یلنا نیکالایونا یلتسووا /  
سنیه بنت علی الحاج سالم
- ویژگی‌های مکالمات روزمره 103 اولگا نیکالایونا پوتینا
- طنز به‌عنوان شیوه تصویرگری در آثار داستایفسکی 125 یلنا ولادیمیراونا استپانیا
- کاخانفسکایا (ن.س. ساخانسکایا): چهره تاریخی و ادبی 143 اولگا لئانیداونا فتیسسکا
- اسناد بایگانی جدید درباره خانواده گومیلیوف-سورچکوف از مجموعه اسناد موزه مدرسه امپراتوری  
تزار نیکالای در تسارسکویه سیلو (پوشکین) 161 تاتیانا یوریونا براوکینا
- خدمات ایثارگرانه خانواده لوکنتسکی 177 اولگا لئانیداونا مدودکا
- پیشنهاد راهکاری برای رفع چندمعنایی واژگان در ترجمه قرآن (مطالعه موردی سه واژه «الطامه»،  
«ساهره» و «دحا» در ترجمه‌های روسی کراچکوفسکی و زینالف) شهرام همت‌زاده /  
زهرا حیدری آبروان 193

# پژوهشنامه زبان و ادبیات روسی میر انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی (دوفصلنامه علمی)

## اعضای هیأت تحریریه

روسلان احمدشین، دانشیار زبان و ادبیات روسی دانشگاه دولتی مسکو (ام.گ.او)، روسیه  
میریلا احمدی، دانشیار زبان و ادبیات روسی دانشگاه تربیت مدرس، ایران  
یلنا زاویالووا، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه دولتی آستراخان، روسیه  
سوتلانا شوستووا، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه دولتی تحقیقات ملی پرم، روسیه  
حسین غلامی، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه تهران، ایران  
المیرا قاضی‌یوا، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه دولتی پیتری گورسک، روسیه  
ولادیمیر کاتلنیکوف، استاد زبان و ادبیات روسی انستیتو ادبیات روسی «خانه پوشکین»  
آکادمی علوم روسیه، بخش ادبیات نوین روسی. سن پترزبورگ، روسیه.  
جان‌اله کریمی مطهر، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه تهران، ایران  
والینتین گالاوین، استاد زبان و ادبیات روسی انستیتو ادبیات روسی «خانه پوشکین»  
آکادمی علوم روسیه، سن پترزبورگ، روسیه.  
محمدرضا محمدی، دانشیار زبان و ادبیات روسی دانشگاه تربیت مدرس، ایران  
مرضیه یحیی‌پور، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه تهران، ایران  
تامارا یروفی‌یوا، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه دولتی تحقیقات ملی پرم، روسیه

مدیر مسئول: جان‌اله کریمی مطهر

سردبیر: مرضیه یحیی‌پور

مدیر داخلی: مهدی محمدبیگی

مدیر اجرایی: پروین عزیززاده

ویراستار علمی روسی: سوتلانا شوستووا

ویراستار فارسی: مه‌بود فاضلی

صاحب امتیاز: انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی

چاپ و صحافی: انتشارات دانشگاه تهران

آدرس: دانشگاه تهران، دانشکده زبانها و ادبیات خارجی، اتاق 235

تلفن: 021-61119120؛ فاکس: 021-22143859

شاپا چاپی: 2345-2498

شاپا الکترونیکی: 2476-3500

بها: 20000 تومان

تهران - ایران

وبسایت: <http://www.journaliarll.ir>

### اعضای مشورتی هیأت تحریریه (بین‌المللی):

استیفان آلو، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه ورونا (ورونا، ایتالیا)

ماری آن برودا، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه لودز (لودز، لهستان)

کادزوهیکو ساوادا، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه دولتی سایتاما (سایتاما، ژاپن)

تاتیانا آلکساندرنا کاشمچوک، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه کشاورزی سن‌پترزبورگ  
(سن‌پترزبورگ، روسیه)

والری ولادیمیرویچ لپاخین، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه سگد (سگد، مجارستان)

یوردان دیمیتروف لوتسکانف، دانشیار زبان و ادبیات روسی انستیتو ادبیات آکادمی علوم  
بلغارستان (صوفیه، بلغارستان)

آلکساندر واسیلیویچ ماتورین، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه دولتی یارسلاو مودری  
نیژنی نوگروود (نیژنی نوگروود، روسیه)

ایرین یگوروننا مادابادزه، استاد پژوهشی زبان و ادبیات روسی انستیتو ادبیات گرجی شوتا  
روستاوولی (تفلیس، گرجستان)

فیروزه عبدالله‌یونا ملویل، استاد زبان و ادبیات فارسی، مدیر بخش پژوهش‌های ایران‌شناسی  
دانشگاه کمبریج (کمبریج، انگلستان)

آنجلیکا مولنار، دانشیار زبان و ادبیات روسی دانشگاه مجارستان غربی (سمباتهی، مجارستان)

مهرالنساء نغریبیکووا، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه ملی تاجیکستان (دوشنبه،  
تاجیکستان)

میشل نیک‌یو، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه کان، نورماندی (کان، فرانسه)

ناتالیا پترونا ویدماروویچ، استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه زاگرب (زاگرب، کرواسی)

### پژوهشنامه زبان و ادبیات روسی

پژوهشنامه زبان و ادبیات روسی با هدف انتشار پژوهش‌های اصیل با موضوعات مرتبط با زبان و ادبیات روسی در ایران منتشر می‌گردد و با توجه به عنوان نشریه در حوزه‌های مربوط به زبان روسی، ادبیات روسی، ادبیات تطبیقی، زبانشناسی همگانی، زبانشناسی تطبیقی، آموزش زبان روسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی زبان روسی، ترجمه و..... مقاله می‌پذیرد.

### راهنمای نگارش و شرایط پذیرش مقاله

- مقالات ارسالی به مجله باید حاصل تحقیق و پژوهش نویسنده یا نویسندگان مقاله باشد.
- زبان مجله روسی است.
- مقاله در مجله دیگری چاپ نشده باشد و همزمان برای مجلات داخلی و خارجی ارسال نشده باشد. مجله از پذیرش مقالات رد شده در مجلات دیگر معذور است.
- ساختار مقاله شامل عنوان؛ چکیده «120 تا 140 کلمه» و واژگان کلیدی «5 تا 7 کلمه» (عنوان، چکیده و واژگان کلیدی به زبان‌های روسی، فارسی، انگلیسی)؛ مقدمه؛ متن اصلی؛ نتیجه‌گیری و فهرست منابع (به زبان‌های روسی و انگلیسی) ارجاع داده شده در متن مقاله، باشد. متن اصلی نباید کمتر از 3000 و بیش از 4000 واژه باشد.
- صفحه عنوان مقاله دارای عنوان کامل مقاله، نام و نام خانوادگی، دانشگاه و مرتبه علمی، تلفن و نشانی پست الکترونیکی (دانشگاهی) نویسنده (یا نویسندگان) باشد.
- ارجاعات در متن مقاله در میان دو کمان (،) شامل نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار منبع و شماره صفحه باشد (ایوانوف 2013. 92).
- منابع مورد استفاده در متن به ترتیب الفبایی نام خانوادگی پدیدآورندگان، به شکل زیر تنظیم شود:
- کتاب: نام خانوادگی، نام؛ تاریخ انتشار (داخل پرانتز)؛ عنوان اثر اصلی و فرعی با خط کج (ایتالیک)؛ محل نشر؛ ناشر.
- مقاله: نام خانوادگی، نام و تاریخ انتشار داخل پرانتز؛ عنوان مقاله؛ نام مجله یا مجموعه مقالات ایتالیک؛ دوره یا سال و شماره برای مجله، محل نشر و ناشر برای مجموعه مقالات صفحه شروع و پایان مقاله.
- منابع اینترنتی: نام خانوادگی، نام؛ عنوان اثر؛ نشانی کامل پایگاه اینترنتی، تاریخ مراجعه به سایت.
- مجله حق رد، چاپ و ویرایش مقالات را برای خود محفوظ دانسته و از برگرداندن مقالات دریافتی معذور است.
- مقاله ارسالی با برنامه "Word 1997-2003" و قلم Times New Roman، اندازه حروف 14 با فاصله 1/5 بین سطور، فاصله بالا و پایین صفحه 2/5 سانت، فاصله چپ 3 سانت، فاصله راست 1/5 سانت و فاصله برای شروع پاراگراف 1/25 سانت باشد.
- مقاله به صورت فایل ضمیمه (Word 1997-2003) همزمان به پایگاه نشریه و به آدرس سردبیر myahya@ut.ac.ir ارسال شود.
- برای اطلاعات بیشتر به صفحه نشریه به آدرس <http://www.journaliarll.ir> مراجعه فرمایید.

بر اساس نامه شماره 1392/6/16 مورخ 3/18/87564 مورخ 1392/6/16 مدیرکل محترم دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در جلسه مورخ 1392/5/30 کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور به «پژوهشنامه زبان و ادبیات روسی» نشریه انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی از شماره یک اعتبار علمی - پژوهشی اعطا شده است.

\*\*\*\*\*

«پژوهشنامه زبان و ادبیات روسی» در پایگاه‌های ISC (پایگاه استنادی علوم جهان اسلام)، SID (پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی)، پرتال جامع علوم انسانی، سیویلیکا و ResearchBib نمایه می‌شود و مقالات آن قابل دسترسی است.

«پژوهشنامه زبان و ادبیات روسی» از تاریخ 26 ژانویه 2016 در پایگاه استنادی علوم روسیه (رینتس؛ elibrary.ru) با شماره 01/2016-18 نمایه شده است و در آدرس زیر قابل مشاهده است.

[http://elibrary.ru/title\\_about.asp?id=56226](http://elibrary.ru/title_about.asp?id=56226)

## برگ درخواست اشتراک

حق اشتراک سالانه: 40000 تومان

لطفا وجه مورد نظر را به شماره کارت 5859837000116257 یا حساب جاری فراگیر: 0212115525 بانک تجارت، شعبه کوی دانشگاه 2120، مؤسسه انجمن علمی ایرانی زبان و ادبیات روسی واریز و اسکن اصل فیش را به آدرس پست الکترونیک سردبیر مجله ارسال فرمایید:  
myahya@ut.ac.ir

-----

	<b>برگ درخواست اشتراک</b>
نام و نام خانوادگی / مؤسسه:	.....
شغل / نوع فعالیت:	..... میزان تحصیلات: .....
نشانی:	.....
تلفن:	.....
کد پستی:	..... صندوق پستی: .....
شماره‌های درخواستی از شماره:	..... تا شماره ..... تعداد
درخواستی از هر شماره:	..... تاریخ: .....
امضاء	

## **Functional Potential of Deverbatives of the Russian Language and Its Actualization in Statements with Prepositional Constructions**

**Arkhipova Irina Viktorovna<sup>1\*</sup>**

Professor, Novosibirsk State Pedagogical University,  
Novosibirsk, Russia.

(date of receiving: March, 2021; date of acceptance: January, 2022)

### **Abstract**

This article considers the functional potential of Russian deverbatives in sentences with prepositional constructions. The functional potential of deverbatives of the Russian language should be understood as their taxis functions-potencies, allowing them to actualize taxis meanings of simultaneity and a synchronicity in statements with taxis-forming prepositions of various semantics. The article describes various variants of primary-taxis and secondary-taxis in categorical situations of simultaneity, precedence and following in statements with prepositional deverbatives in Russian. Deverbatives with temporal-taxis prepositions actualize primary-taxis categorical situations of simultaneity, precedence, and following. Deverbatives with heterogeneous taxis prepositions of adverbial semantics actualize various secondary-taxis categorical situations of simultaneity.

**Keywords:** Deverbative, Prepositional Deverbative, Taxis Actualizer, Simultaneity, A synchronicity, Pimary-Taxis Categorical Situations, Secondary-Taxis Categorical Situations.

---

1. Email: irarch@yandex.ru; ORCID: 0000-0002-0685-335X \* Corresponding author

## **Функциональный потенциал девербативов русского языка и его актуализация в высказываниях с предложными конструкциями**

**Архипова Ирина Викторовна<sup>1</sup>**

Профессор, Новосибирский государственный педагогический университет,  
Новосибирск, Россия.

(дата получения: март 2021 г.; дата принятия: январь 2022 г.)

### **Аннотация**

Настоящая статья рассмотрению функционального потенциала русских девербативов в высказываниях с предложными конструкциями. Под функциональным потенциалом девербативов русского языка следует понимать их таксисные функции-потенции, позволяющие им актуализировать таксисные значения одновременности и разновременности в высказываниях с таксисообразующими предлогами различной семантики. В статье описываются различные варианты примарно-таксисных и секундарно-таксисных категориальных ситуаций одновременности, предшествования и следования в высказываниях с предложными девербативами в русском языке. Девербативы с темпорально-таксисными предлогами актуализируют примарно-таксисные категориальные ситуации одновременности, предшествования и следования. Девербативы с гетерогенно-таксисными предлогами обстоятельственной семантики актуализируют различные секундарно-таксисные категориальные ситуации одновременности.

**Ключевые слова:** Девербативы, Предложные Девербативы, Таксисные Актуализаторы, Одновременность, Разновременность, Примарно-Таксисные Категориальные Ситуации, Секундарно-Таксисные Категориальные Ситуации.

---

1. Email: irarch@yandex.ru; ORCID: 0000-0002-0685-335X \* Ответственный автор

## **Введение**

Исследовательский интерес представляет рассмотрение функционального таксисного потенциала предложных девербативов современного русского языка в составе высказываний с таксисными предложениями темпоральной и обстоятельственной семантики.

Под термином «функциональный потенциал» мы понимаем вслед за А.В. Бондарко «комплекс функций-потенций, возможных реализуемых для данной языковой единицы и определяющих ... ее поведение в высказывании и в речи в целом» (Бондарко 2002. 352).

Функциональный таксисный потенциал девербативов русского языка мы определяем как некоторый «комплекс таксисных функций-потенций», реализуемых ими в высказываниях примарного и секундарного типа с таксисными предложениями темпоральной и обстоятельственной семантики (Архипова 2019. 21-26, 2020. 20-29).

## **Основная часть**

Девербативы трактуются в работах отечественных исследователей как: «номинализации», «пропозитивные имена», «отглагольные имена существительные», «имена действия», «абстрактные имена существительные» и др.

Ряд отечественных лингвистов рассматривает девербативы русского языка в лексическом, словообразовательном и аспектуальном аспектах. Так, например, Е.Э. Пчелинцева анализирует аспектуальную семантику отглагольных имен действия, выделяя различные факторы формирования аспектуальности имени действия (предельность/непредельность производящего глагола, семантический тип его видовой коррелятивности, семантический признак кратности, а также генетические видовые глагольные аффиксы и транспозиционные именные суффиксы и др. С точки зрения

итеративной семантики исследователь выделяет девербативы мультипликативной кратности, дистрибутивной и итеративной кратности (*взвизгивания, разбрызгивание, обход, объезд, израсходование, взмах/взмахивание, глот ание/глот ок*) (Пчелинцева 2016. 108-119).

Е.Н. Егорова определяет следующие деривационные модели русских девербативов: на *-ние, -к, -о* (*совершенство, запрещение, появление, обвинение, посещение, прибыт ие, спасение, охлаждение, жужжание, прилет, взлет, приезд*) (Егорова 2009. 14-16).

Н.Г. Долженко анализирует девербативы на *-ние/-ение, -к(а), -т ие/т ёё, -б(а), -от(а), -аж, -т в(а)*, а также безаффиксные и некоторые сложные имена с глагольным корнем (*размещение, говорение, доставка, разминка, пробежка, развит ие, прибыт ие, взят ие, всплыт ие, мыт ёё, вывоз, перехват, розыск, разгром, пересмотр р, ст рельба, учеба, шантаж, молит ва, сердцебиение, кораблекрушение, чаепит ие*) (Долженко 2005. 105).

Д.Г. Миронов исследует имена со следующими деривационными суффиксами: (1) *-ние/-ение, -т ие/-ие* (*рисование, содействие, отплыт ие, ношение*); (2) *-к(а)/-овк(а)/-ёжк(а)* (*резка, ст рижка*); (3) *-ация* (*реализация, ст илизация*); (4) *-ств(о)/-еств(о)/-тельств(о)* (*баловств во, вмешательств во, бродяжничеств во*); (5) *-аж (-яж)* (*массаж, инструктаж, монтаж*); (6) *-ёж* (*платеж, грабеж*); (7) *-н(я) /-отн(я)* (*хлопотня, суетня, грызня, резня*); (8) *-от(а)* (*дремота, зевота, ломота, хрипота*); (9) *-б(а)* (*борьба, ст рельба, ходьба*); (10) *-ч(а)* (*добыча, выдача*); (11) *-ыш* (*проигрыш, розыгрыш*); (12) *-к(и)/-лк(и)* (*нападки, поминки, догонялки, прятки*); (13) *-ок* (*кивок, бросок*). Кроме того, к девербативам с семантикой действия Д.Г. Миронов относит безаффиксные имена типа *рост, осмотр, зарплата, помощь* и т.д. (Миронов 2008. 44-45).

В качестве таксисных актуализаторов могут выступать следующие русские девербативы: на *-ние/-ение, -т ие/-ие* (*пробуждение, прощание, расставание, награждение, появление, исчезновение, спасение, пожимание, кивание,*

*взмахивание, глотание, жужжание, шевеление, бормотание, гудение, расспрашивание*); -к(а)/-овк(а)/-ёжк(а) (*резка, доставка*); -ация (*реализация, модернизация*); -ч(а) (*добыча, выдача, от дача, вст реча*); -б(а) (*ст рельба, ходьба*); -ок (*кивок, т олчок*) и безаффиксные имена (*приезд, отъезд, прилет, отлет, приход, обход, осмотр, просмотр, вывоз, досмотр, стук, крик, развод*).  
Например:

Капитан сборной России пропустил первую тренировку *после прилета в Сочи* [НКРЯ].

Чартерные программы завершатся *после вывоза всех российских туристов из страны* ... [НКРЯ].

Маиса *перед приходом Ноа* мучительно сомневалась, куда же положить его в своей квартире на ночь [НКРЯ].

*До отплытия* оставалось полчаса, досиживали последние минуты [НКРЯ].

*Во время вст речи в Сочи* в центре Минска также прошла массовая акция против интеграции с Россией [НКРЯ].

*Во время осмотра машины* человек меняет оригинал ключа на дубликат или просто ворует его [НКРЯ].

*В течение полета* пассажир вел себя неадекватно (предположительно, находился в состоянии сильного алкогольного опьянения) ... [НКРЯ].

В приведенных выше высказываниях с предложными deverbatивами *после прилета в Сочи, после вывоза всех российских туристов из страны, перед приходом Ноа, до отплытия, во время вст речи в Сочи, во время осмотра машины, в течение полета* актуализируются примарно-таксисные категориальные ситуации следования, предшествования и одновременности. В качестве маркеров примарно-таксисной категориальной семантики следования, предшествования и одновременности выступают темпорально-таксисные или монотаксисные предлоги темпоральной семантики *после, перед, до, во время, в течение*.

При наличии в высказываниях девербативов с семантикой словообразовательной и генетической мультипликативности или итеративности (*шевеление, вздрагивание, вздрагивания, глот ание, бормот ание, дрож ание, ж уж ж ание, гудение, ворчание, шуршание, шевеление, подмигивание, подмигивания*) и дистрибутивности (*обход, объезд, осмот р, пересмот р*) возможна актуализация мультипликативно-таксисных, итеративно-таксисных или дистрибутивно-таксисных категориальных ситуаций одновременности/разновременности (вторичного/первичного характера). Например:

Кроме того, она испытывала затруднения *при глот ании* [НКРЯ].

Во время остановки робот записывает окружающие его звуки, а *при шевелении* передает их собеседнику [НКРЯ].

Но как только собаке перестали давать бромистые соли, у нее снова «потекли слюнки» *при гудении т елфона*, стуке маятника, вспышке лампочки [НКРЯ].

В приведенных выше высказываниях первичного типа с предложными девербативами мультипликативной кратности и политаксисным предложом темпоральной семантики *при* актуализируются сопряженные мультипликативно-первично-таксисные категориальные ситуации одновременности (см. предложные девербативы *при глот ании, при шевелении, при гудении т елфона*). Вышеназванные предложные девербативы выступают в качестве актуализаторов категориальной семантики мультипликативно-первичного таксиса одновременности. Мультипликативно-первичный таксис одновременности мы рассматриваем как одну из диффузных или гибридных разновидностей первичного таксиса (наряду с двумя другими диффузными разновидностями первичного таксиса – дистрибутивно-первичным и итеративно-первичным). Актуализация категориальной семантики данной разновидности первичного таксиса одновременности детерминирована наличием мультипликативных девербативов русского языка.

В высказываниях вторичного типа, содержащих предложные девербативы мультипликативной кратности с монотаксисным предложением каузальной семантики *от*, актуализируются сопряженные мультипликативно-каузально-таксисные категориальные ситуации одновременности (см. предложные девербативы *от жужжания дрели, от гудения*), ср.:

Но соседи тоже люди, и проспать за пару часов до будильника *от жужжания дрели* в вашей квартире им не светит [НКРЯ].

Всю ночь глаз не сомкнула, шутка ли! Проснулась *от гудения* [НКРЯ].

Предложные девербативы *от жужжания дрели, от гудения* выступают в качестве актуализаторов мультипликативно-каузального таксиса одновременности как одного из вариантов мультипликативно-вторичного таксиса.

В высказываниях с предложными девербативами дистрибутивной кратности с политаксисным предложением *при* и монотаксисным предложением *во время* в темпоральном значении актуализируются дистрибутивно-первично-таксисные категориальные ситуации одновременности (см. предложные девербативы *при обходе плат формы* и *во время объезда*), ср.:

*При обходе плат формы* полицейскими был обнаружен бесхозный пакет [НКРЯ].

*Во время объезда* я впервые узнал, что такое «упорствующие» [НКРЯ].

Актуализация дистрибутивно-первично-таксисных значений одновременности в приведенных выше высказываниях русского языка детерминирована наличием девербативов дистрибутивной семантики (*обход, объезд*) и таксисных предлогов темпоральной семантики: политаксисного предлога *при* и монотаксисного предлога *во время*.

Предложные девербативы *при обходе плат формы* и *во время объезда* выступают в функции актуализаторов категориальной семантики дистрибутивно-первичного таксиса одновременности.

При наличии в обследованных русских высказываниях итеративных квантификаторов, а именно: итеративных адвербиалов и атрибутов (*каждые сутки, каждый раз, каждый день, часто, регулярно, постоянно, иногда, редко, изредка, всегда, обычно, несколько раз* и др.) актуализируются итеративно-таксисные значения одновременности и разновременности (примарного и секундарного характера). Например:

*При прощании* еще *несколько раз* повторил, что меня очень любит, что был уверен, что я пошла на разрыв с ним [НКРЯ].

... *иногда* он убегал *при появлении случайных прохожих*, и даже завидев свет фар проезжавшей мимо машины [НКРЯ].

*При исчезновении основного симптома глухонемого* обычно исчезало и состояние ступора ... [НКРЯ].

В вышеприведенных высказываниях с предложными девербативами *при прощании, при появлении случайных прохожих, при исчезновении основного симптома глухонемого* в силу темпоральной семантики политаксисного предлога *при*, а также наличия итеративного сочетания *несколько раз* и итеративных адвербиалов *иногда, обычно* актуализируются сопряженные итеративно-примарно-таксисные категориальные ситуации одновременности.

Вышеназванные предложные девербативы *при прощании, при появлении случайных прохожих, при исчезновении основного симптома глухонемого* выступают в роли актуализаторов итеративно-примарного таксиса одновременности как одной из диффузных разновидностей примарного таксиса.

Девербативы с темпорально-таксисными предлогами *во время, в течение, после, перед, до, накануне, с, при* выступают в роли актуализаторов примарно-таксисных значений одновременности, предшествования и следования. Монотаксисные предлоги темпоральной семантики *во время, в течение, после, перед, до, накануне, с*, а также политаксисный предлог *при* в темпоральном

значении выступают в функции соответствующих таксисных маркеров одновременности, предшествования и следования.

Категориальная семантика примарного таксиса одновременности, предшествования и следования актуализируется в следующих примарно-таксисных категориальных ситуациях:

(1) в примарно-таксисных категориальных ситуациях одновременности (см. высказывания с темпорально-таксисными, в частности, монотаксисными предложениями *во время*, *в течение*, *с* и политаксисным предложением *при*), например:

*Во время отъезда губернатор на пожар канатного завода Болотникова из квартиры губернатора, с письменного стола, исчез портсигар [НКРЯ].*

То есть он по сути не на отдых туда отправился, а на работу: *во время исчезновения* Василий находился при служебных обязанностях [НКРЯ].

*С приходом же его лихорадка моя достигла предела [НКРЯ].*

*При появлении Крыси он отсутствующе улыбнулся, но занятия своего не бросил [НКРЯ].*

*При заявлении о государственной регистрации права, ограничения (обременения) права или сделки с объектом недвижимости в графу «Особые отметки» Единого государственного реестра прав вносится запись о данном заявлении ... [НКРЯ].*

(2) в примарно-таксисных категориальных ситуациях следования (см. высказывания с монотаксисным предложением следования *после*), например:

*После прибытия во Флориду Кун отобрал у нее чемодан и исчез [НКРЯ].*

*После прощания на вокзале в Москве, я сидела в ожидании поезда и плакала ... от счастья ... [НКРЯ].*

*После расставания она решила запугать мужчину, угрожая ему [НКРЯ].*

(3) в примарно-таксисных категориальных ситуациях предшествования (см. высказывания с монотаксисными темпоральными предложениями предшествования *до*, *перед*, *накануне*), например:

*Перед приездом* он сиял, как рыжий ангел [НКРЯ].

*Перед разводом* американские актеры Брэд Питт и Анджелина Джоли сделали татуировки, призванные защитить их брак [НКРЯ].

Сам Меркушкин *накануне прибытия в Самарскую область* сказал следующее ... [НКРЯ].

До будущего, *до прощания с Вале́й* было гораздо ближе, но Тарас вернулся мыслями назад, к их первой встрече [НКРЯ].

Но еще *до расставания с домом на берегу*, наши чемпионки успели потолкаться в тесном коридорчике с великим коллегой, Сергеем Бубкой, которого на базу доставил лично глава «Русского дома» [НКРЯ].

При актуализации примарно-таксисных категориальных ситуаций следования и предшествования могут употребляться различные темпорально-аспектуально-таксисные квантификаторы (адвербиалы и атрибуты с темпоральной, аспектуальной или таксисной семантикой *сразу, вскоре, незадолго, задолго, недавно, через несколько минут, через пять минут, через час, через полчаса* и др.). Они выполняют функции темпоральных делимитаторов и лексико-семантических экпликаторов разновременности и маркируют примарно-таксисную категориальную семантику следования или предшествования (см. темпоральные делимитаторы *сразу, незадолго, задолго, через час, через несколько минут, через полчаса*). Ср.:

Физические его последствия я устранил *сразу после пробуждения* [НКРЯ].

*Через полчаса после прощания с ним* раздался стук в дверь моей квартиры [НКРЯ].

На берег сошли почти *через час после прибытия* [НКРЯ].

*Через несколько минут после отъезда Путина* станцию открыли для всехжелающих [НКРЯ].

*Незадолго до расставания* позволила обнимать себя и целовать ... [НКРЯ].

... мой разговор оборвался *задолго до расставания* [НКРЯ].

В русских высказываниях с девербативами с моноксисными и политаксисными предложениями обстоятельственной семантики актуализируются шесть разновидностей категориальных ситуаций вторичного таксиса одновременности: модально-таксисные, условно-таксисные, каузально-таксисные, концессивно-таксисные, консекутивно-таксисные и финально-таксисные. В качестве маркера того или иного варианта вторично-таксисной категориальной ситуации одновременности в приведенных ниже примерах выступает таксисный предложение обстоятельственной семантики (*под, при, благодаря, в силу, из-за, вслед за, вопреки, несмотря на, для*). Следующие вторично-таксисные категориальные ситуации одновременности:

(1) Модально-таксисные категориальные ситуации:

Проснулся *под бормотание дождя* [НКРЯ].

... вскинул руку, после чего *под возмущение участников митинга* удалился [НКРЯ].

(2) Условно-таксисные категориальные ситуации:

Сциентизм, *при ближайшем рассмотрении*, оказывается очевидно ошибочным [НКРЯ].

*Только при тщательном рассмотрении всех их позиций* мы принимаем решение о госпитализации [НКРЯ].

*А при раздумывании* получалось вот что ... [НКРЯ].

(3) Каузально-таксисные категориальные ситуации:

*Благодаря применению таких приборов* по Москве экономится 100 тыс. руб. в год за счет снижения потерь электроэнергии [НКРЯ].

Еще один легкоатлет из РФ дисквалифицирован *из-за применения запрещенного препарата* а ... [НКРЯ].

(4) Концессивно-таксисные категориальные ситуации:

*Несмотря на использование анонимных приложений*, его сумели выследить через Apple ID [НКРЯ].

*Несмотря на применение тяжелой вооружения, бои под Авдеевкой* [НКРЯ].

Бородачи в опасности, ибо, *несмотря на уничтожение грузовика*, пилот не унимается [НКРЯ].

(5) Консекутивно-таксисные категориальные ситуации:

*Вследствие применения акта об амнистии* он освобожден от наказания [НКРЯ].

Происходит это *вследствие увеличения числа носителей*, в поверхностном слое [НКРЯ].

*Вследствие сокращения производства* падает и экспорт золота [НКРЯ].

(6) Финально-таксисные категориальные ситуации:

Государство создает все условия для плодотворной деятельности ученых, *для процветания науки* [НКРЯ].

Россия пригласила экспертов из Малайзии *для изучения данных по крушению МН17* [НКРЯ].

Материалы уголовного дела направлены в суд *для рассмотрения по существу* [НКРЯ].

*Для поиска их тел* была организована поисковая операция, в которой участвовали несколько отрядов спасателей с собаками [НКРЯ].

При актуализации модально-таксисных категориальных ситуаций в высказываниях с предложением *под* предложные девербативы *под бормотание, под возмущение участников митинга* выступают в качестве языковых репрезентантов и актуализаторов модального таксиса одновременности.

При языковой репрезентации кондиционально-таксисных категориальных ситуаций одновременности предложные девербативы *при ближайшем рассмотрении, только при тщательном рассмотрении всех их позиций, при продумывании* выступают в качестве актуализаторов кондиционального таксиса одновременности.

При репрезентации concessивно-таксисных категориальных ситуаций одновременности предложные deverбативы *несмотря на использование анонимных приложений, несмотря на применение таящего вооружения, несмотря на уничтожение грузовика* выполняют функцию актуализаторов concessивного таксиса одновременности.

Предложные deverбативы *благодаря применению таких приборов, из-за применения запрещенного препарата* являются актуализаторами каузального таксиса одновременности. Тип каузально-таксисной категориальной ситуации детерминирован каузальной семантикой моонтаксисных предлогов *благодаря, из-за*.

Предложные deverбативы *вследствие применения акта об амнистии, вследствие увеличения числа носителей, вследствие сокращения производства* актуализируют категориальную семантику консекутивного таксиса одновременности.

При актуализации финально-таксисных категориальных ситуаций предложные deverбативы *для процветания наук, для изучения данных по крушению МН17, для рассмотрения по существу, для поиска их тел* выступают в функции языковых репрезентантов и актуализаторов финального таксиса одновременности в русском языке.

Семантический потенциал таксисных предлогов имеет релевантное значение при маркировании определенного варианта примарного таксиса или секундарного таксиса одновременности (модального, кондиционального, финального, каузального, concessивного, консекутивного).

### **Заключение**

Функциональный потенциал русских deverбативов в сочетании с моонтаксисными и политаксисными предлогами темпоральной и обстоятельственной семантики детерминирует актуализацию примарно-

таксисных категориальных ситуаций одновременности, предшествования, следования и различных секундарно-таксисных категориальных ситуаций одновременности (модальных, каузальных, кондициональных, concessивных и др.).

В высказываниях с предложными девербативами, содержащих таксисные предлоги темпоральной семантики, актуализируются примарно-таксисные значения одновременности, предшествования и следования. В высказываниях с девербативы в сочетании с таксисными предлогами обстоятельственной семантики актуализируются секундарно-таксисные категориальные ситуации одновременности, в частности, модально-таксисные, кондиционально-таксисные, каузально-таксисные, concessивно-таксисные, консекутивно-таксисные и финально-таксисные. Предложные девербативы выступают в роли различных таксисных актуализаторов одновременности, предшествования или следования. Таксисные предлоги темпоральной семантики маркируют примарно-таксисные категориальные ситуации одновременности и разновременности. Таксисные предлоги обстоятельственной семантики являются маркерами различных секундарно-таксисных категориальных ситуаций одновременности. Семантический потенциал таксисных предлогов играет решающую роль при экспликации того иного варианта секундарного таксиса одновременности (модального, кондиционального, финального, каузального и др.).

При наличии итеративных девербативов и квантификаторов возможна актуализация сопряженных итеративно-примарно-таксисных или итеративно-секундарно-таксисных категориальных ситуаций (в частности, мультипликативно-примарно-таксисных, дистрибутивно-примарно-таксисных и др.).

### Литература

- 1- Архипова И.В. (2019). *Предложные deverбативы как средство выражения зависимого т аксиса* // Евразийский гуманитарный журнал. № 4. С. 21-26.
- 2- Архипова И.В. (2020). *Функциональный потенциал deverбативов в аспекте акта уализации т аксисных от ношений* // Научный результат. Вопросы теоретической и прикладной лингвистики. Т.6. № 1. С. 20-29.
- 3- Бондарко А.В. (2002). *Теория значения в аспекте функциональной грамматики: На материале русского языка* / Рос. академия наук. Ин-т лингвистических исследований. М.: Языки славянской культуры. 736с.
- 4- Долженко Н.Г. (2005). *Имя действия в системе событийной лексики: пересеканность глагольной и именной лексики* // Вестник Южно-Уральского государственного университета. Серия: Лингвистика. 2005. Вып.2. № 11. С. 105-111.
- 5- Егорова Е.Н. (2009). *Deverbative как субстантивные формы глагола*: автореферат дис. ... кандидата филологических наук. Тамбов. 23 с.
- 6- Миронов Д.Г. (2008). *Глагольность в сфере имен: к проблеме семантического описания deverбативов* (на материале русского языка): дис. доктора философ. наук. Таллин, 2008. 98с.
- 7- Пчелинцева Е.Э. (2016). *Аспекты уральных признаков в русских отглагольных именах действия: подходы и классификации* // Вестник Северо-Восточного федерального университета им. М.К. Аммосова. № 1(51). С. 108-119.
- 8- НКРЯ – Национальный корпус русского языка [Электронный ресурс]. – Режим доступа: URL: <http://www.ruscorpora.ru/> (дата обращения: 14.06.2020).

### Bibliography

- 1- Arhipova I.V. (2019). *Predlozhnye deverbativey kak sredstvo vyrazhenija zavisimogo taksisa* // Evrazijskij gumanitarnyj zhurnal. № 4. S. 21-26.
- 2- Arhipova I.V. (2020). *Funkcional'nyj potencial deverbativov v aspekte aktualizacii taksisnyh otoshenij* // Nauchnyj rezul'tat. Voprosy teoreticheskoy i prikladnoj lingvistiki. T.6. № 1. S. 20-29.
- 3- Bondarko A.V. (2002). *Teorija znachenija v aspekte funkcional'noj grammatiki: Na materiale russkogo jazyka* / Ros. akademija nauk. In-t lingvisticheskikh issledovanij. M.: Jazyki slavjanskoj kul'tury. 736s.
- 4- Dolzhenko N.G. (2005). *Imja dejstvija v sisteme sobytijnoj leksiki: peresekaemost' glagol'noj i imennoj leksiki* // Vestnik Juzhno-Ural'skogo gosudarstvennogo universiteta. Serija: Lingvistika. 2005. Vyp.2. № 11. S. 105-111.
- 5- Egorova E.N. (2009). *Deverbativey kak substantivnye formy glagola*: avtoreferat dis. ... kandidata filologicheskikh nauk. Tambov. 23 s.

- 6- Mironov D.G. (2008). *Glagol'nost' v sfere imen: k probleme semanticheskogo opisaniya deverbativov* (na materiale russkogo jazyka): dis. doktora filosof. nauk. Tallin, 2008. 98s.
- 7- Pchelinceva E.Je. (2016). *Aspektual'nye priznaki v russkih otglagol'nyh imenah dejstvija: podhody i klassifikacii*// *Vestnik Severo-Vostochnogo federal'nogo universiteta im. M.K. Ammosova*. № 1(51). S. 108-119.
- 8- *NKRJa – Nacional'nyj korpus russkogo jazyka* [Elektronnyj resurs]. – Rezhim dostupa: URL: <http://www.ruscorpora.ru/> (data obrashhenija: 14.06.2020).

**HOW TO CITE THIS ARTICLE**

Arkhipova, I. (2022). Functional Potential of Deverbatives of the Russian Language and Its Actualization in Statements with Prepositional Constructions. *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literatury*, 10(1), 11–27.

**DOI:** <https://doi.org/10.61186/iarll.19.11>

**URL:** <https://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/123>



## ظرفیت کاربردی اسامی مصدر در زبان روسی و کاربرد آنها در جملات در ترکیب ساختارهای حرف اضافه‌ای

ایرینا ویکتورنا آرخیپووا<sup>1\*</sup>

استاد دانشگاه دولتی تربیت معلم ناواسیبیرسک،  
ناواسیبیرسک، روسیه.

(تاریخ دریافت: مارس 2021؛ تاریخ پذیرش: ژانویه 2022)

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی ظرفیت کاربردی اسامی مصدر در زبان روسی و کاربرد آنها در جملات در ترکیب ساختارهای حرف اضافه‌ای اختصاص دارد. منظور از ظرفیت کاربردی اسامی مصدر در زبان روسی، توانایی آنها در انتقال مفاهیم همزمانی و غیرهمزمانی در جملاتی است که در ساختار آنها از حروف اضافه با مفاهیم مختلف تاکسیس (روابط زمانی) استفاده شده است. مقاله حاضر به بررسی انواع مختلفی از دسته‌بندی روابط تاکسیس اولیه و روابط تاکسیس ثانویه شامل روابط همزمانی، روابط تقدم و روابط تأخر در موقعیت‌های مختلف در جملات زبان روسی در ترکیب ساختارهای حرف اضافه‌ای می‌پردازد. اسامی مصدر در ترکیب با حروف اضافه با مفهوم زمانی، شامل موقعیت‌های تاکسیس اولیه اعم از همزمانی، تقدم و تأخر می‌شوند. اسامی مصدر در ترکیب با حروف اضافه تاکسیس دوگانه که مفهوم متمم قیدی دارند، موقعیت‌های تاکسیس ثانویه همزمانی مختلف را شامل می‌شوند.

**واژگان کلیدی:** اسامی مصدر، اسامی مصدر در ترکیب با حرف اضافه، ابزارهای زبانی بالفعل‌کننده روابط (تاکسیس)، همزمانی، غیرهمزمانی، موقعیت‌های دسته‌بندی تاکسیس‌های اولیه، موقعیت‌های دسته‌بندی تاکسیس‌های اولیه.

1. E-mail: irarch@yandex.ru; ORCID: 0000-0002-0685-335X

نوع مقاله: علمی - پژوهشی \* نویسنده مسئول



## The Multiplicity of the Foundations of Russian Classical Literature

**Kotelnikov Vladimir Alekseevitch**<sup>1\*</sup>

Professor, Institute of Russian Literature  
(Pushkinskij Dom) of the Russian Academy of Sciences,  
Saint-Petersburg, Russia.

(date of receiving: November, 2021; date of acceptance: January, 2022)

### Abstract

The article examines a number of ideological, social, ethical, aesthetic foundations on which the phenomena of Russian classical literature arose. Such foundations determined the content and form of literary phenomena. The work of Karamzin, Pushkin, and writers close to them developed on the basis of assimilation of European and Russian material, which took the form of cultural personalism. Subsequently, there was a change of fundamentals. The tendencies of criticism, social problemativeness, negativism have become predominant. Lermontov abolished Pushkin's measure of man and moved on to the hyperpolarization of personality in the poet's self-consciousness and in the lyrical "I". Gogol's work was governed by socio-anthropological criticism. In the era of crises, ideological struggle, Leskov did not find solid foundations for his worldview and creativity. The trends of the 1860s - 1870s led Dostoevsky to a deeply ethical and philosophical problematization of man. Chekhov's work reflects the tendencies of negativism of the late nineteenth century.

**Keywords:** Russian Literature, Fundamentals of Literary Phenomena, Karamzin, Pushkin, Russian Classical Literature.

---

1. E-mail: vladiko@VK9485.spb.edu; ORCID: 0000-0002-5135-6782 \* Corresponding author

## МНОЖЕСТВЕННОСТЬ ОСНОВ РУССКОЙ КЛАССИЧЕСКОЙ ЛИТЕРАТУРЫ

**Котельников Владимир Алексеевич<sup>1\*</sup>**

Профессор, Институт русской литературы  
(Пушкинского Дома) Российской Академии наук,  
Санкт-Петербург, Россия.

(дата получения: ноябрь 2021 г.; дата принятия: январь 2022 г.)

### **Аннотация**

В статье рассматривается ряд идейных, социальных, этических, эстетических основ, на которых возникали явления русской классической литературы. Такие основы детерминировали содержание и форму литературных явлений. Творчество Карамзина, Пушкина, близких к ним писателей развивалось на основе усвоения европейского и русского материала, что получило форму культурного персонализма. Впоследствии произошла смена основ. Тенденции критицизма, социальной проблемности, негативизма стали преобладающими. Лермонтов отменил пушкинскую меру человека и перешел к гиперболизации личности в самосознании поэта и в лирическом «я». Творчество Гоголя управлялось социально-антропологическим критицизмом. Лесков в эпоху кризисов, идейной борьбы не нашел твердых основ для своего мировоззрения и творчества. Тенденции 1860-х – 1870-х годов привели Достоевского к глубокой этической и философской проблематизации человека. В творчестве Чехова нашли отражение тенденции негативизма конца девятнадцатого века.

**Ключевые слова:** Русская Литература, Основы Литературных Явлений, Карамзин, Пушкин, Русская Классическая Литература.

---

1. E-mail: vladiko@VK9485.spb.edu; ORCID: 0000-0002-5135-6782 \* Ответственный автор

## Введение

Историкам русской литературы давно следует поставить вопрос: в чем едины и в чем разнятся духовные, этические и эстетические основы русской классики девятнадцатого века и на какой глубине творческого процесса мы их обнаруживаем? Я сейчас намерен заняться второй частью вопроса.

Несомненно, под всем массивом русской литературы лежало общее христианское основание с его вероисповеданием, литургической и молитвенной жизнью, нравственным законом, священным и церковным преданием. Однако с конца средневековья на этом основании уже интенсивно формировались социокультурные слои. В них сохранялись христианские элементы, но со временем прямые связи с первоосновой становились слабее. Образовывались новые пласты, становившиеся основами для нового мирозерцания и нового творчества. Образно говоря, можно представить себе карту литературы нового времени с орографией ее сложного аксиологического рельефа и с археологическими раскопками ее подпочвенных слоев.

## Основная часть

На чём и как сложилась *карамзинско-пушкинская* горная страна? В ее основании залег огромный европейский материал от античности до Гете в русской интерпретации и материал собственно русской жизни, по степени его нравственной и общественной значимости, очищенный от случайного, нехарактерного. Формой его освоения и выражения был *культ урный персонализм*. Пушкин поднял на ступень безусловного «величия» «самостоянье человека» (Пушкин 1957. 468), каким тот вырос и установился на этой основе (первая редакция стихотворения «Два чувства дивно близки нам...», 1830). Все вещи мира захватывались чувством и умом свободной личности писателя и получали от нее эстетическое оформление. Здесь видны ренессансные черты. Достоевский именно это назвал «всемирной

отзывчивостью», что отнести можно не только к Пушкину. Созидающая личность не растворялась в мире, но и не заменяла его собой, она спокойно стояла в центре мира. Гуманистический антропоцентризм был главным принципом мировосприятия и творчества. Поэты пушкинской поры, появившиеся тогда в небывалом ни до, ни после количестве, творили на этом едином основании, охваченные общим энтузиазмом нового стихотворения на новом языке, создания новой личной словесности, при всей тематической и стилевой дифференциации.

Проникали ли к ним сквозь эту секуляризованную основу, сквозь «парнасский афеизм» и арзамасский либертинаж токи христианства? Да, отдельными, разреженными струями проникали религиозный опыт, духовные созерцания, язык славянского Писания. Находим их в пушкинском «Пророке» (1826), представляющем собой транспонирование профетической темы в светскую поэзию, находим в его переложении молитвы преподобного Ефрема Сирина в «Отцах пустынных...» (1836), находим в «Монастыре на Казбеке» (1829), наконец, в поразительной аскетической метанойе «Воспоминания» (1828). Такие токи вливались в открытую личность Жуковского, преобразовываясь в его индивидуальное мистико-пиетическое исповедание, которым окрашены некоторые стихи.

На той же основе происходило умственное и поэтическое становление Е.А. Боратынского. Как у многих поэтов 1800–1810-х годов, его лирическая жизнь поначалу протекает в русле солитаризма, в чем он следовал популярной тогда позднегорианской традиции, хотя и вносил в нее эпикурейские оттенки. Однако вскоре он обнаруживает в той основе возможность и *необходимость* движения в еще одном интеллектуальном и творческом направлении. Содержанием лирики становится его внутренний экзистенциальный опыт, скорби «мыслящей твари», по его выражению, сопровождаемые глубоко драматизированной рефлексией морального и философского порядка. Он

провозгласил неизбежным в этой жизни «любить и лелеять недуг бытия», говоря его же словами. Отделяло ли это Боратынского от карамзинско-пушкинской литературы? Нет, это расширяло ее идейный состав, ее топику и поэтику, доводило до крайних, но все-таки *еще ее границ*. Боратынский в той области «последний поэт», как он назвал свое стихотворение 1835 года, и знаменательно название его программного стихотворения «Последняя смерть» (1828).

Другой «последний поэт», выросший на той же основе, так же подошедший к границе, почти перешагнувший через нее, – Ф.И. Тютчев. Среди прекрасных дневных пейзажей он вдруг приоткрыл пушкинскому человеку ночной мир и в нем «древний хаос», возбудил, испытав ее сам, жажду с «беспредельным слиться» («О чем ты воешь, ветер ночной?», 1836). У Пушкина мысль подходила и остановилась у «бездны мрачной на краю» – Тютчев договорил все о «бездне роковой», влекущей к беспредельному («Смотри, как на речном просторе...», 1851). Тютчев уже открывает в этой «бездне» пугающее и одновременно неудержимо влекущее инобытие, путь к которому также начинается с реальных природных явлений – со звуков ночного ветра. «Всеобъемлющее море» (во втором из названных стихотворений) было лишь прообразом того «Беспредельного», к которому сейчас устремляются мысль и чувство поэта и которое когда-то предстало умозрению Фалеса и наследовавшего ему Анаксимандра в виде идеи-мифа о Беспредельном (Αλεξίρων). Неверно видеть у Тютчева книжно-поэтическую обработку идей великих милетцев – слишком остро и интимно переживается им разверзшаяся глубь вселенной. Это уже не ломоносовская «открылась бездна звезд полна» и не космологическая абстракция чистой метафизики. Здесь подлинный страх («страшные песни») и любовь («повесть любимая») перед лицом «хаоса родимого» – вот что испытывает поэт и заставляет нас на миг вернуться к древнему, но основополагающему для всей последующей культуры миропредставлению.

На описанной основе возникли близкие друг другу возвышенности и вершины словесности 1800-х – 1830-х годов. В основании карамзинско-пушкинской эпохи заложены положительные ценности, утверждение бытия в целом и жизни во всех, приемлемых тем человеком ее проявлениях, именно в ней открываются возможности смысловых и языковых гармоний.

Продолжалось ли на той же основе, так сказать, литературное горообразование в позднейшие периоды? Нет. В частности, у Пушкина не было и не могло быть наследников по существу его деятельности, хотя его мотивами, речепозитическими оборотами пользовались, и весьма удачно, Лермонтов, Алексей Толстой и другие, к Пушкину апеллировали поэты «чистого искусства». Пушкинская литература вместе с ее культурной основой оказалась для позднейших литераторов даже не завершившимся историческим периодом, она канула в область предания. Знаменитый Пушкинский праздник 1880 года создал на несколько дней патетическую иллюзию согласия литературных сил. Но иллюзия быстро разрушилась; еще до того Лев Толстой резко отказался участвовать в празднике, и давние рознь и противоборство не прекращались.

Образовывались другие основы, на которых зарождалось и развивалось творчество Лермонтова, Гоголя, Некрасова, Льва Толстого, Лескова, Гончарова, Достоевского, Тургенева, Салтыкова-Щедрина, Чехова. В них откладывался и накопленный к тому времени, и злободневный идейный, художественный материал, эмпирическое знание о человеке и обществе. На первый же план в этих основах выдвинулись *критицизм, негативизм, социальная проблемность*, что, разумеется, не исключало утверждения определенных ценностей, но ценностей во многом иного рода, чем те, что лежали в основе карамзинско-пушкинской литературы.

Лермонтову указано место в романтическом русле литературы, что верно и достаточно хорошо объясняет особенности его творчества в контексте

европейского и русского романтизма. У нас были романтики чисто литературные, вполне умеренного склада. Вопрос в том, что способствовало появлению поэта огромного дарования со столь резко выделяющими его, зачастую вызывающими чертами – в творчестве и в поведении? Мятежный вызов он бросал и всему творению. Для этого нужно было стоять уже на совсем другом основании. Для этого нужно было воплотиться в исключительной личности, в герое и даже в сверхгерое, который должен быть демонического происхождения. Сюда влилась струя мизантропического индивидуализма, которым помечено английское мироотношение в творчестве Кристофера Марло, Свифта, конечно, Байрона. У Лермонтова, впрочем, байронизм сыграл не главную роль, поэтому действительно «Нет я не Байрон», а «еще неведомый избранник» (Лермонтов 1961. 361). Произошла относительно пушкинской эпохи первая у нас антропологическая метаморфоза. По воле Лермонтова, отменившего пушкинскую меру, «самостоянье человека» перешло в гиперболизацию личности – и в самосознании поэта, и в его лирическом «Я». Такая личность уже не созерцала мир Божий, пребывая в центре его, а зачастую заслоняла и замещала его. Разумеется, далеко не вся лермонтовская поэзия есть ее выражение, но присутствие ее в творчестве ощутимо, это тенденция. Вместе с прочими влияниями проникла из Франции подпольно действовавшая в русской культуре традиция либертинизма, она определяла поведение и рефлексию Печорина в сюжете с княжной Мери.

«Пушкин и Гоголь – контраст поразительный» (Волинский 1892. 132) – изумлялся Аким Волинский. Контраст состоял уже в том, что, в отличие от цельной основы карамзинско-пушкинской литературы, основа творчества Гоголя составила из двух частей. Одна часть образовалась в результате распространившегося в 1820-е годы в Европе (напомню «Гузлу» П. Мериме, 1827) и в России интереса к национальной экзотике, к романтической

народности (фольклоризм гейдельбержцев), к так называемому «местному колориту». Пушкин откликнулся легкими прикосновениями к кавказской, крымско-татарской темам, поддался мистификации Мериме. Под творчеством Гоголя 1829–1835 годов залегает массив малороссийского материала (к нему обращался и В.Т. Нарезный), бытового, легендарного, фольклорного, который в его обработке был замечательно поэтизирован, приобретая иногда черты мягкого юмора, стилевую и речевую музыкальность. «Вечера на хуторе близ Диканьки», «Старосветские помещики», «Вий» порождены любовью автора к родной ему жизни. Но уже в миргородской повести о двух Иванах совершается переход на другую основу, на ней вырастают петербургские повести и «Мертвые души». Что позвало туда Гоголя? С одной стороны, прирожденный смеховой талант (с ранних лет «охота шутить», «уменье замечать» мелкое и смешное, как признавался он в «Авторской исповеди»). С другой же стороны, это было стремление вершить суд над людскими пороками и уродствами. Начальный дар любящего свою натуру малороссийского живописца уступил другим свойствам писателя. Гоголю стало тесно на прежней основе, он хотел развернуться на широком общественном поле (ранее мечта о служебной на нем деятельности). Такое поле Гоголь нашел в России с изобильным материалом характеров, сюжетов, нравственных и психологических коллизий. Найденного им человека Гоголь не любил, другого человека он не знал. Суду и смеху его подверглись не только человек общественный, но сама человеческая природа. Здесь его творчеством (за исключением «Портрета») управлял *социально-антропологический крит ицизм*. Для положительного утверждения реальных ценностей жизни и бытия на этом основании не оставалось места. Закономерно, что в Гоголе увидели родоначальника «отрицательного направления», в котором работали многие писатели 1840-х – 1860-х годов. Радикально-демократическая журналистика и критика довели направление до последних пределов:

отрицание религии, отрицание общественного уклада и морали, отрицание эстетики.

Трагический для Гоголя момент на пути отрицания наступил тогда, когда он принял решение отречься от «смеха», от своего художественного творчества и обратиться к делу, не оправданному ни талантом его, ни положением. Он принял на себя долг нравственно-религиозного учительства и обратился со своими требованиями и наставлениями к современникам. Роковое значение этого поворота для писателя точно указал поклонник гоголевского дарования К.С. Аксаков.

Происходившие в Гоголе перемены стали настораживать Аксакова в середине 1840-х годов. Опасения вскоре перешли в уверенность, что Гоголь впадает в ложь, – «не в смысле *обмана* и не в смысле *ошибки* – нет, а в смысле *неискренности* и прежде всего. Это внутренняя неправда человека с самим собою» (Переписка 1988. 95). После выхода «Выбранных мест из переписки с друзьями», в майском письме 1848 г., Аксаков подвел итог настроениям и поведению Гоголя в последние годы. «Ваши важные и еще более важничавшие письма, с их глубокомыслием, часто наружным, часто ложным, ваши благотворительные поручения с их неискреннею тайной, ваше возмутительное предисловие ко второму изданию “Мертвых душ”, наконец, ваша книга, повершившая все, далеко оттолкнули меня от вас» (Переписка 1988. 95).

Негодование Аксакова иногда превращается в остро-афористическое суждение: «Ложь лжет истиной, а гордость рядится смирением. Затронуты нравственные глубины, и оба зла совпадают» (Переписка 1988. 96). Иногда Аксаков создает образ адресата, поражающий его в самую сердцевину личности: «К вам привилось внутреннее зеркало, сопровождающее вас всюду и в движениях внутренних души; вы уже успели вмиг посмотретья в зеркало. Вы лежите в прахе и видите себя, как вы лежите в прахе» (Переписка 1988. 96).

Таков был конечный результат сдвига писательской деятельности Гоголя с положительных мировоззренческих основ в сторону основ отрицательных.

Тогда же под лозунгом Белинского «Социальность или смерть!» выдвигалось требование «социальной правды», пресловутого изображения «жизни как она есть». Ценностью объявлялась «правда» сама по себе – вне связи с другими ценностями и без определения гносеологической сущности этого понятия в данном его употреблении, именно – применительно к искусству. «Правда», ориентированная не на высшие представления о мире и человеке, а на ближайшую действительность, воспринимаемую как единственно ценное в бытии. Требовалось знание и изображение низа и изнанки жизни, что одновременно было борьбой с мировоззренческой и эстетической основой карамзинско-пушкинской литературы. В нее пустил полемическую стрелу и Гоголь, говоря (привожу известные его слова из начала 7 главы «Мертвых душ») о «счастливом писателе», который на «вершине своей» изображает характеры, «являющие высокое достоинство человека» (Гоголь 1994. 123). На данной основе строились идеология и литературная практика «натуральной школы» и в значительной своей части литература «критического реализма». О нем К.Н. Леонтьев с присущей ему категоричностью писал, что «нынешний объективный, безличный всеобщий реализм» вырождается в «реализм простой наблюдательности», который, сравнительно с предшествующим периодом, «уже потому беднее, проще, что в нем уже нет автора, нет личности, вдохновения, поэтому он пошлее, демократичнее, достопнее всякому бездарному человеку и пишущему, и читающему» (Леонтьев 2005. 380–381).

В условиях расшатывания традиционных устоев общества в 1850-е – 1870-е годы, в эпоху религиозного кризиса, смуты и борьбы в области идей и в литературе Н.С. Лесков не нашел твердых основ для своего мировоззрения и творчества. Он являет собой пример крупного дарования, уже не имевшего связей с карамзинско-пушкинской традицией; ему было не на что опереться,

он оказался в слишком сильной зависимости от текущих событий, от разнородных влияний и жизненных обстоятельств. Его, можно сказать, несло в бурном потоке действительности, и он одновременно вершил самочинный литературный суд и расправу над нею. Его позиции в отношении социальных явлений неустойчивы, его стиль – при резко выраженной оригинальности – страдает языковой неуравновешенностью. Уже в те годы, признавая дарование и достижения Лескова, критика отмечает глубокие диссонансы его личности, драматизм положения и деятельности, обнаруживает тяжелую внутреннюю и внешнюю конфликтность, которая зачастую не находила ни нравственного, ни творческого разрешения.

Как пример художественного провала, скрытого под покровом авантюрной сюжетности и стилевых изысков, можно указать на образ Ивана Северьяновича Флягина в повести «Очарованный странник». Причина – в отсутствии полноценного фундамента для этой работы. Лесков предьявлял своего героя как тип русской богатырской природы. Но основание его было не жизненное, а потому и построение искусственное. Это персонаж, *сочиненный* ради красного словца. С него не может быть спроса, он ни за что не отвечает ни перед людьми, ни перед Богом, потому что он не развит писателем до полночеловеческого состояния, хотя отправлен в странствие, которое такого состояния требует.

Нескончаемое *рассказывание* о приключениях – вот настоящая суть и цель этой «идейно туманной повести», и автор заставляет своего сказителя быть безмерно щедрым на вымысел, подробности и пестрые краски, по-лесковски безоглядно отдается любимому делу – литературному наборному ремеслу и в фабуле, и в бытописании, и в речи. И, уж конечно, его не может смущать приделанная к татарской экзотике для эффекта «водевильная, лубочная 9-я глава» и прочее «шутовство самого дурного тона», как то определял критик А. А. Измайлов.

Закономерно, что если не большинство, то по крайней мере значительная часть произведений Лескова подавала повод к суровым критическим приговорам. Так, А.И. Богданович вынес свой окончательный вердикт: «Писатель, одаренный талантом и наблюдательностью, но без Бога в душе. Циник по складу ума и сластолюбец по темпераменту, он лицемер, прикрывающийся высокими словами, в святость которых не верит. Он многое видел, много наблюдал, но не осмыслил виденного и слышанного и потому дал ряд искаженных, затейливых узоров и ничего правдивого» (Богданович 1897. 11).

Лесков, в сущности, отказался от традиционных форм вероисповедания, что сказалось на его духовной жизни и на творчестве. Он выбирал из христианства только доступные и пригодные ему для литературных и моральных нужд элементы, не принимал и не продумывал ни полной догматики, ни полного церковного Предания – но и не давал также полной, последовательной критики их. Лесков всегда стремился к самочинному вероисповеданию и религиозной самодеятельности, и именно их «защитником и пропагандистом» выступал в литературе.

И позднейшая критика, отдавая должное Лескову в его колоритной художественной разработке многообразных сюжетов и типов русской жизни, в поэтизации подвижников веры и добра, показывала писателя в его внутренней конфликтности, в упадке его авторской личности там, где он расходился с живыми интересами общественного развития, с эстетической традицией, где он вел разрушительную работу в области стиля и литературного языка.

Творчество Достоевского в зрелый период установилось на выступившей в середине девятнадцатого века на первый план основе – *проблематизации* человека как субъекта бытия и субъекта социально-исторических процессов. Она сказалась в общественном сознании, в этической и философской мысли, в литературе. Остановлюсь на одном из важнейших у Достоевского аспектов такой проблематизации: человек как субъект преступления.

Опыт каторжных лет заставил писателя задуматься о «философии преступления». Он обратился к наиболее тяжкому в моральном и юридическом плане преступному деянию – убийству, именно оно занимает важнейшее место среди поступков героев и событий в четырех главных романах Достоевского.

В тех условиях, в которые поставлен автором Раскольников, истонные свойства человеческой природы и исторические прецеденты диктуют ему – как единственное необходимое орудие – насилие. Вслед за чем с той же необходимостью перед героем ставится вопрос о способности совершить его, что требует испытания в конкретном акте насилия – в убийстве. Но он не просто убивает выбранную для его частной цели частную жертву, не просто осуществляет свою личную волю к преступлению – в своем деянии он актуализирует извечную *необходимость убийства* как действия, могущего радикально *изменить* закостеневшее наличное существование и высвободить его из исторической рутины для дальнейшего развития. (Ср. подобную функцию восьми убийств в «Гамлете», служащих расчистке жизненного поля для действия новых сил) Концептуальную необходимость убийства автор объясняет в последней главе, где герой говорит, что без этого преступления «он бы не обрел в себе *таких* вопросов, желаний, чувств, потребностей, стремлений и развития» (Достоевский 1973а. 140). В переводе на язык новейшей философской антропологии (М.Бланшо, Ж.Батай, М.Фуко) это означает, что персонажу для обнаружения и опознания собственной реальности как субъекта бытия необходим был трансгрессивный «опыт предела», «жгучий опыт», который обретается в «акте эксцесса» – в данном случае в убийстве.

В следующих романах Достоевский переводит преступление из сугубо персоналогического плана в другие, более широкие содержательные планы, насыщенные сложной проблематикой, уходящей к дальним философско-

этическим горизонтам. В «Идиоте» убийство Настасьи Филипповны необходимо как завершение губительного действия стихийных сил в женской природе героини действием таких же сил в Рогожине: они исчерпываются смертью первой и навсегда умирятся во втором – так требует телеология романа. Убийство не изображено, даны только его последствие и предвиденье в письме Настасьи: «...я уже почти не существую и знаю это; Бог знает, что вместо меня живет во мне. <...> Я бы его убила со страху... Но он меня убьет прежде...» (Достоевский 1973б. 380). В «Бесах» преступления необходимы в предпринимаемом разрушении, чтобы пролитой кровью была упоена земля, на которой будет продолжено одержимыми наследниками Каина его братоубийственное дело. В «Братьях Карамазовых» убийство отца, будучи частным преступлением, в своих исторических и метафизических проекциях отсылает к мировому событию борьбы и смены бытийных фазисов, к смерти-рождению, и содержание романа разворачивается в отношениях к отцеубийству других персонажей: Дмитрия, приведенного страстями к покушению, Ивана, подготовившего убийство и полагавшего, что допустимо убивать отцов, но недопустимо – детей, и, наконец, Смердякова, осуществившего желания сыновей. В названных романах имплицитно присутствуют входящие в «Преступление и наказание» и частично вскрытые там смыслы убийства; кроме того, сюжет Раскольникова преломляется в сюжете «таинственного посетителя» старца Зосимы в последнем романе.

Минуя по необходимости рассмотрение прочих литературных явлений и их основ, обращаюсь в заключение к Чехову.

Бесспорно, что областью критических, в пределе – негативистских суждений (имеющих в повествовании многообразное выражение) у него выступает феноменология русского социума. Здесь происходит у Чехова художественная тематизация и парцелляция русской действительности, порождающие все дробное множество типично «чеховских» фигур, ситуаций,

бытовых подробностей, негативистское освещение которых зачастую зависит не столько от их собственных качеств, сколько от свойств чеховского мировосприятия.

Под чеховским «искусством» лежало основание преимущественно отрицательного свойства. У Чехова отсутствовали продуктивные отношения с большими философскими и эстетическими традициями, ему неоткуда и незачем было наследовать монистическое представление о бытии. Он создал необходимое и достаточное основание для своего писательства из подручного материала жизненного опыта, медицинского образования, литературного чтения. Он оказался во власти эмпирического структурно-смыслового отрицания мира, который его взору представал состоящим из разнородных и разрозненных фрагментов. В каждом из них могла быть своя частица добра, правды, красоты, но все вместе не складывалось в положительную картину мира. Отсюда проистекает у Чехова и *познавательное отрицание*, выступающее – в противовес идеалистическому *пониманию* – как фатальное «непонимание» жизни. Концептуальны тон и значение итоговой реплики героя-рассказчика в «Огнях» (1888): «Ничего не разберешь на этом свете!» (Чехов 1977а. 140). «Наша жизнь и загробный мир одинаково непонятны и страшны», – говорит Силин в рассказе «Страх» (1892) (Чехов 1977б. 130).

Можно было бы поверить Чехову, что он всего лишь «беспристрастный свидетель» и простой пересказчик подобных «мнений». Но ведь он сам тут же присоединяется к ним и прямо требует от художника: «Пора уже сознаться, что на этом свете ничего не разберешь, как когда-то сознался Сократ и как сознавался Вольтер» (Чехов 1975. 280–281).

Истина недоступна – этот постулат устанавливает пределы кругозора героев, их интеллектуальной и жизненно-практической компетенции. В «Дуэли» (1891) два врага – фон Корен и Лаевский – в конце концов сводятся автором на том, что «никто не знает настоящей правды» (Чехов 1977а. 453). Из

этого следует, что ничьи убеждения не могут быть истинными; поведение – если не проистекает непосредственно из природных потребностей – не определяется разумной волей; человек действует вслепую или под влиянием случайных обстоятельств, и жизнь его оказывается лишенной смысла. Все это в значительной степени определяет у Чехова изображение человека, подробности и обстановку его существования, сюжетику и стилистику повествования.

### **Заключение**

Рассмотренный материал позволяет выявить образование различных идейных, социально-этических, эстетических основ, которые определяли содержание возникавших на них литературных явлений. Основа, сложившаяся в конце XVIII – первой трети XIX века нашла выражение в культурном персонализме карамзинско-пушкинской литературной эпохи, что ярко сказалось в поэзии поэтов той поры, в том числе Боратынского, Тютчева. На иной основе развивалась поэзия Лермонтова с ее гиперболизацией личности в самосознании поэта и в его лирическом «я». В следующих основах преобладают тенденции критицизма, социальной проблемности, негативизма, обнаруживающиеся в творчестве Гоголя, Лескова, Чехова. В основе романов Достоевского лежит глубокая этическая и философская проблематизация человека.

### **Литература**

- 1- Богданович А.И. (1897). *А. Б. [Богданович А. И.] Критические заметки* // Мир Божий. 1897. № 1. Отдел II.
- 2- Волынский А. (1892). *Волынский А. Литературные заметки* // Северный вестник. 1892. № 10.
- 3- Гоголь Н.В. (1994). *Гоголь Н.В. Собрание сочинений: В 9 т., Т. 5*. М.: Русская книга.

- 4- Достоевский Ф.М. (1973а). *Достоевский Ф.М. Полное собрание сочинений: В 30 т., Т. 7.* Л.: Наука.
- 5- Достоевский Ф.М. (1973б). *Достоевский Ф.М. Полное собрание сочинений: В 30 т., Т. 8.* Л.: Наука.
- 6- Леонтьев К.Н. (2005). *Визант изм и Славянст во* // Леонтьев К.Н. Полное собрание сочинений и писем: В 12 т., Т. 7. Кн. 1. СПб.: Владимир Даль.
- 7- Лермонтов М.Ю. (1961). *Лермонтов М.Ю.: Нет, я не Байрон, я другой...* // Лермонтов М.Ю. Собрание сочинений: В 4 т., Т. 1. М.-Л.: Академии наук СССР.
- 8- Переписка (1988). *Переписка Н.В. Гоголя: В 2 т., Т. 2.* М.: Художественная литература.
- 9- Пушкин А.С. (1957). *Пушкин А.С. Два чувств ва дивно близки нам...* // Пушкин А.С. Полное собрание сочинений: В 10 т., Т. 3. М.: Академии наук СССР.
- 10- Чехов А.П. (1975). *Чехов А.П. Письмо к А.С. Суворину от 30 мая 1888 г.* // Чехов А. П. Полное собрание сочинений и писем: В 30 т. Письма: В 12 т. Т. 2. М.: Наука.
- 11- Чехов А.П. (1977а) *Чехов А.П. Огни* // Чехов А.П. Полное собрание сочинений и писем: В 30 т. Сочинения: В 18 т. Т. 7. М.: Наука.
- 12- Чехов А.П. (1977а) *Чехов А.П. Дуэль* // Чехов А.П. Полное собрание сочинений и писем: В 30 т. Сочинения: В 18 т., Т. 7. М.: Наука.
- 13- Чехов А.П. (1977б) *Чехов А.П. Страх* // Чехов А.П. Полное собрание сочинений и писем: В 30 т. Сочинения: В 18 т., Т. 8. М.: Наука.

### Bibliography

- 1- Bogdanovich A.I. (1897). *A. B. [Bogdanovich A. I.] Kriticheskie zametki* // Mir Bozhij. 1897. № 1. Otdel II.
- 2- Volynskij A. (1892). *Volynskij A. Literaturnye zametki* // Severnyj vestnik. 1892. № 10.
- 3- Gogol' N.V. (1994). *Gogol' N.V. Sobraanie sochinenij: V 9 t., Т. 5.* М.: Russkaja kniga.
- 4- Dostoevskij F.M. (1973а). *Dostoevskij F.M. Polnoe sobranie sochinenij: V 30 t., Т. 7.* Л.: Nauka.
- 5- Dostoevskij F.M. (1973b). *Dostoevskij F.M. Polnoe sobranie sochinenij: V 30 t., Т. 8.* Л.: Nauka.
- 6- Leont'ev K.N. (2005). *Vizantizm i Slavjanstvo* // Leont'ev K.N. Polnoe sobranie sochinenij i pisem: V 12 t., Т. 7. Кн. 1. SPb.: Vladimir Dal'.

- 7- Lermontov M.Ju. (1961). *Lermontov M.Ju.: Net, ja ne Bajron, ja drugoj...* // Lermontov M.Ju. *Sobranie sochinenij*: V 4 t., T. 1. M.- L.: Akademii nauk SSSR.
- 8- Perepiska (1988). *Perepiska N.V. Gogolja: V 2 t., T. 2.* M.: Hudozhestvennaja literatura.
- 9- Pushkin A.S. (1957). *Pushkin A.S. Dva chuvstva divno blizki nam...* // Pushkin A.S. *Polnoe sobranie sochinenij*: V 10 t., T. 3. M.: Akademii nauk SSSR.
- 10- Chehov A.P. (1975). *Chehov A.P. Pis'mo k A.S. Suvorinu ot 30 maja 1888 g.* // Chehov A. P. *Polnoe sobranie sochinenij i pisem*: V 30 t. Pis'ma: V 12 t. T. 2. M.: Nauka.
- 11- Chehov A.P. (1977a) *Chehov A.P. Ogni* // Chehov A.P. *Polnoe sobranie sochinenij i pisem*: V 30 t. *Sochinenija*: V 18 t. T. 7. M.: Nauka.
- 12- Chehov A .P. (1977a) *Chehov A.P. Dujel'* // Chehov A.P. *Polnoe sobranie sochinenij i pisem*: V 30 t. *Sochinenija*: V 18 t., T. 7. M.: Nauka.
- 13- Chehov A.P. (1977b) *Chehov A.P. Strah* // Chehov A.P. *Polnoe sobranie sochinenij i pisem*: V 30 t. *Sochinenija*: V 18 t., T. 8. M.: Nauka.

**HOW TO CITE THIS ARTICLE**

Котельников, В. (2022). The Multiplicity of the Foundations of Russian Classical Literature. *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literatury*, 10(1), 29–47.

**DOI:** <https://doi.org/10.61186/iarll.19.29>

**URL:** <https://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/221>



## تعدد مبانی در ادبیات کلاسیک روسیه

ولادیمیر الکسیویچ کاتلنیکوف<sup>1\*</sup>

استاد، انستیتو ادبیات روسی (خانه پوشکین) وابسته به فرهنگستان علوم روسیه،  
سن پترزبورگ، روسیه.

(تاریخ دریافت: نوامبر 2021؛ تاریخ پذیرش: ژانویه 2022)

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی و مطالعه برخی از مبانی ایدئولوژیک و پایه‌های اجتماعی، اخلاقی و زیبایی‌شناختی که پدیده‌های ادبیات کلاسیک روسیه بر اساس آنها پدید آمدند می‌پردازد. چنین مبانی‌ای، محتوا و شکل پدیده‌های ادبی را تشکیل می‌دهند. آثار کارامزین، پوشکین و نویسندگان نزدیک به آنها بر پایه آثار ادبی اروپایی و روسی که شکل شخصی‌گرایی فرهنگی به خود گرفتند، خلق شدند و در پی آن، مبانی و پایه‌ها تغییر کردند. گرایش‌های انتقادی، مشکلات اجتماعی، منفی‌گرایی غالب گشته‌اند. لرمانتوف ملاک و معیار پوشکین از انسان را کنار گذاشت و به بزرگ‌نمایی شخصیت در خویشتن‌آگاهی شاعر و در «من» شاعرانه پرداخت. آثار گوگول بر نگاه نقد اجتماعی و انسان‌شناختی استوار بودند. لسکوف در دوران بحران‌ها و مبارزات ایدئولوژیک، بنیان محکمی برای بینش و آثار خود نیافت. جریان‌ات و گرایش‌های فکری دهه‌های 1860 و 1870 داستایفسکی را به سمت نقد اساسی اخلاقی و فلسفی نسبت به موضوع انسان سوق داد. گرایش‌های منفی‌گرایی اواخر سده نوزدهم را نیز می‌توان در آثار چخوف یافت.

**واژگان کلیدی:** ادبیات روسی، پایه‌های پدیده‌های ادبی، کارامزین، پوشکین، ادبیات کلاسیک روسیه.

1. Email: vladiko@VK9485.spb.edu; ORCID: 0000-0002-5135-6782

نوع مقاله: علمی - پژوهشی، \* نویسنده مسئول



## Paremia Transformants of the Coronavirus Era

Shustova Svetlana Viktorovna<sup>1\*</sup>

Professor, Perm State National Research University,  
Perm, Russia.

(date of receiving: January 2022; date of acceptance: February, 2022)

### Abstract

The article deals with issues related to the structural and semantic organization of paremic transformants of the coronavirus era. Paremiias have a relative independence of meanings from the context of use and are able to maintain the "transparency" of the internal form of utterance in conditions of different event backgrounds; in paremiias there is no specific person, the action being performed, and an indication of the time of this action; paremiias act as a means in the language game. The paremic transformants of the coronavirus era are contextually conditioned, since the modification is actualized in a certain context, at a certain time, they act as one of the means in the language game. Transformations of paremiias are caused by their active use by native speakers. In the coronavirus discourse, the choice of paremia is conditioned by a pragmalinguistic task: 1) modeling of a unique situation, on the one hand, and a typical one (since it extends to everything and everyone), on the other; 2) selection of appropriate language units, modifications of which will most adequately reflect discursive practice; 3) solving the set communicative task in order to adapt to the conditions of the pandemic; 4) nomination of participants, events, phenomena, processes of the coronavirus era; 5) expression of assessment to the factors of coronavirus discourse; 6) identification and description of acute discursive topics. Modification of paremiias determines the formation of new relevant meanings characterized by imaginative, vivid, emotional and expressive character.

**Keywords:** Paremia, Paremic Transformant, Structure, Semantics, Modification, Coronavirus Era, Pragmatic Attitude.

---

1. E-mail: lanaschust@mail.ru; ORCID:0000-0002-8318-7864 \* Corresponding author

## ПАРЕМИЙНЫЕ ТРАНСФОРМАНТЫ КОРОНАВИРУСНОЙ ЭПОХИ

Шустова Светлана Викторовна<sup>1\*</sup>

Профессор,

Пермский государственный национальный исследовательский университет,  
Пермь, Россия.

(дата получения: январь 2022 г.; дата принятия: февраль 2022 г.)

### Аннотация

В статье рассматриваются вопросы, касающиеся структурно-семантической организации паремийных трансформантов коронавирусной эпохи. Паремии имеют относительную независимость значений от контекста употребления и способны сохранять «прозрачность» внутренней формы высказывания в условиях разных событийных фонов; в паремиях отсутствуют конкретное лицо, осуществляемое действие, указание на время этого действия; паремии выступают в качестве средств в языковой игре. Паремийные трансформанты коронавирусной эпохи контекстуально обусловлены, поскольку модификация актуализируется в определенном контексте, определенное время. Трансформации паремий обусловлены их активным употреблением носителями языка. В коронавирусном дискурсе выбор паремии обусловлен прагмалингвистической задачей: 1) моделирование уникальной ситуации, с одной стороны, и типовой (так как распространяется на все и на всех), с другой; 2) выбор соответствующих языковых единиц, модификации которых наиболее адекватно будут отражать дискурсивную практику; 3) решение поставленной коммуникативной задачи в целях адаптации к условиям пандемии; 4) номинация участников, событий, явлений, процессов, феноменов коронавирусной эпохи; 5) выражение оценки к факторам коронавирусного дискурса; 6) выявление и описание актуальных дискурсивных топиков. Модификация паремий обуславливает формирование новых актуальных смыслов, характеризующихся образным, ярким, эмоциональным и экспрессивным характером.

**Ключевые слова:** Паремия, Паремийный Трансформант, Структура, Семантика, Модификация, Коронавирусная Эпоха, Прагматическая Установка.

---

1. E-mail: lanaschust@mail.ru; ORCID:0000-0002-8318-7864 \* Ответственный автор

**Введение**

Паремийный фонд представляет собой совокупность различных по времени происхождения и различных по степени востребованности в современной речевой практике народных изречений, различающихся структурными и семантическими особенностями и объединенных рядом специфических признаков (естественность происхождения, устойчивость в воспроизведении в речи в тот или иной исторический период) (Ажеж 2008. 244). Текст паремии фиксирует достаточно сложную форму человеческого мышления <...>, где предстают в образно-символическом моделировании и оценочном комментарии типическая жизненная ситуация или сущностные отношения между людьми (Подюков 1999. 152).

Паремии: 1) связаны с народным миропониманием и мировидением; в этой связи гносеологический смысл выступает ведущим свойством; 2) вторичный языковой знак; 3) замкнутая устойчивая фраза; 4) маркер прототипической ситуации; 5) лаконичное, метафорическое выражение исходного знания (Воропаева 2007. 24; Подюков 1999. 152). Паремии имеют относительную независимость значений от контекста употребления и способны сохранять «прозрачность» внутренней формы высказывания в условиях разных событийных фонов; в паремиях отсутствуют конкретное лицо, осуществляемое действие, указание на время этого действия; паремии выступают в качестве средств в языковой игре (Алефиренко, Семененко 2009; Бутакова 2011; Горбань 2010). Ярким примером модификации кода являются паремийные трансформанты [в разной терминологии представлены в работах: (Антонова 2012; Береговская 1996; Вальтер, Мокиенко 2005; Гнедаш 2005; Савина 1984; Mieder 2000, 2014).

В настоящее время сложилась уникальная языковая ситуация, возникшая в коронавирусный период. Уникальность ситуации определяется не только обилием неологизмов в словарном составе, но и скоростью их появления. Это касается модификации значений, развития полисемии, синонимии, языковой

игры. Это подтверждает социальную и психологическую природу языка и языкового развития, а также общую социальную тенденцию глобализации (СКЭ 2021. 4) (СКЭ – здесь и далее Словарь коронавирусной эпохи). Коронавирусная эпоха обозначается как «коронавирусный режим»; социальный контекст диктует сегодня формирование новых дискурсивных практик, в частности, коронавирусный дискурс (Северская, Селезнева. 2021).

Исследователями изучаются структурные модификации паремий о COVID-19 (Васильева 2021), особенности перевода фразеологизмов в коронавирусную эпоху (Боброва 2021), рефрейминг идиом и паремий в коронавирусную эпоху (Северская, Селезнева 2021), особенности заголовков в коронавирусный период (Русина 2021): *«Корона» Британской империи: справятся ли с вирусом-мутантом вакцины* (КП, 22.12.2020). Данный заголовок является трансформацией названия советского художественного фильма *«Корона Российской империи»* с заменой компонента; *И работники здоровы, и босс не разорен: эксперты дали семь советов по профилактике COVID-19 на работе* (КП, 12.12.2020). Заголовок является трансформацией пословицы *И овцы целы, и волки сыты*, которая означает: ‘удобно, выгодно для обеих сторон (о положении, которое создается в результате стремления угодить людям с различными взглядами и т.п.).

### **Основная часть**

В паремийных трансформантах фиксируются разноуровневые модификации, которые могут быть обозначены как семантический рефрейминг, под которым понимается переосмысление и перестройка механизмов восприятия действительности в определенных контекстных актуальных условиях, например:

**Смысловая модификация (замена или подстановка лексических элементов):**

*Не было заботы – купила баба летучую мышь (на уханьском рынке) (СКЭ)* (← *Не знала баба горя (забот, хлопот), [так (да)] купила порося; не было у бабы хлопот, так купила порося (поросенка)*). Когда у людей все хорошо, они сами находят себе хлопоты. Говорится (иногда с недовольством, осуждением) о себе или о ком-л. в связи с появлением новых, часто неожиданных, или не совсем приятных забот, затруднений от сделанных приобретений, добровольно принятых на себе дел и обязанностей (СКЭ. 437).

*Вот тебе, бабушка, и коронавирус: Вот тебе, бабушка, и короновирусов день* (СКЭ. 440). (← *Вот тебе, бабушка, и Юрьев день*). О неожиданно не сбывшихся надеждах, внезапных переменах к худшему, резком ограничении свободы действий (СКЭ. 440).

*Кто рано встает, тому Бог пропуск дает* (← *Кто рано встает, тому Бог подает*). Кто рано начинает день, тот много успевает сделать, тому сопутствует удача. Используется в качестве совета или как объединение причины раннего пробуждения, подъема (там же).

*Вируса бояться – на пробежку не ходить. Ковид бояться – в подъезд не входит* (← *Волков (волка) бояться – в лес не ходить*). Если опасаться предстоящих трудностей и препятствий, не стоит и браться за сложное или рискованное предприятие (СКЭ. 444).

*Незванный гость – хуже инфицированного*. Напоминание о тяжелых для Древней Руси временах монголо-татарского ига (там же).

*Переболела – гуляй смело! Сделал дело – гуляй на балконе смело* (← *Кончил (сделал) дело, гуляй смело*). Говорится по окончании работы или как совет сначала завершить дела, а затем уж развлекаться и отдыхать (СКЭ. 445).

*Больной лечит ся, а самоизолированный бесит ся* (← *Больной лечит ся, здоровый бесит ся*).

*Зараженный – лечись, а вернувшийся из Уханя – берегись* (← *Болен – лечись, а здоров – берегись*). О необходимости беречь свое здоровье (СКЭ).

442).

*С инфицированным жить – в карантине выжить* (← *С волками жить – по волчьему выжить*). В своих действиях, образе жизни часто приходится руководствоваться жесткими, внешними условиями, а не собственными принципами (СКЭ. 443).

*Не имей сто рублей, а имей сто знакомых* (Теория и практика изучения русской фразеологии. Ходякова Л., Рамазанов О. 2018. Ngram).

*... не имей сто друзей, а имей парочку хороших соседей* (Габриелян В. Американская беседа. 2014. Ngram).

*Не имей сто рублей, а имей восемь подруг* (Сальвани Т. Права и счастлива. 2019. Ngram).

**Смысловая модификация + синтаксическое расширение:**

*Глаза боятся – руки без перчаток, лицо без маски, впереди патруль* (← *Глаза боятся, [а] руки делают*). Любое дело с первого взгляда кажется сложным, пока за него не возьмешься (СКЭ. 444).

*Не все дома – это оскорбление, это статья УК РФ, в условиях карантина* (← *Не все дома*). О человеке со странностями, глуповатом, придурковатом. В коронавирусном дискурсе фиксируется значение нарушения правил самоизоляции (СКЭ. 449).

*Так что политик ... можно было описать фразой: не имей сто рублей, не имей сто друзей, а имей наглухо морду* (Михеев М. Изгнанники, 2018. Ngram).

**Синтаксическое расширение:**

*Однажды коронавирус, обитавший в Китае, узнал, что все дороги ведут в Рим* (← *Все дороги ведут в Рим*). Множество способов ведет к достижению единой цели; достижение результата при соответствующих усилиях неизбежно (СКЭ. 448).

*Семь пятниц на неделе, когда работаешь из дома* (← *Семь пятниц на неделе*). О непостоянном, часто меняющем свои взгляды, намерения человеке

(СКЭ. 469).

*Не имей ст о рублей, а имей ст о друзей, у кот орых ест ь ст о рублей*  
(Дубинин И. Цезарь в тесте. 2018. Ngram).

Паремический аспект языковой картины мира – результат самопроекции человека на реальный и вымышленный пласты бытия, облеченный в отточенную афористическую форму, которая должна производить эффект авторитетного совета, регламентации, поучения (Семененко 2020. 5). В паремиях наблюдается безотносительность хронотопа текста (время – «всегда», пространство – «езде», объект / субъект – «любой») (за исключением паремийных трансформантов). Синтаксическая структура паремии соответствует его основной модальной функции – трансляции аксиомы (там же). Паремия выступает как «профессиональная» мудрость: *В долг дават ь – друж бу т ерят ь; Долги помнит не т от , кт о берет , а кт о дает ; Кт о не слушает совет ов, т ому нечем помочь; Чего не поищешь, т ого не сыщешь; Не судись: лапот ь дорож е сапога ст анет .*

Совет: *Где родился – т ам и сиди на карант ине; На карант ин надейся, а сам не плошай; Бойся кит айцев, дары приносящих.*

Предостережение: *С кем ковиднешься, от т ого и наберешься; В магазин поспешишь – людей заразишь; С кем подцепишь, с т ем и помрешь.*

Паремии и паремийные трансформанты соотносятся с определенной сферой культуры человека: бытовой: *Друг познает ся на социальной дист анции; Карант ин на месяц, а гречи бери на год;* религиозной: *На Бога надейся, а руки помой; На Бога надейся, а сам маску надень; Кт о рано вст ает , т ому Бог пропуск дает (СКЭ); На Бога надейся, а к берегу плыви* (Уваров Н. Энциклопедия народной мудрости. 2011. Ngram); *На Бога надейся, а сам не – ну т ак и не будь* (Адам М. Дочка. 2018. Ngram); *На Бога надейся, а сам гляди, поглядывай* (Жданов Л. Грозное время. 2015. Ngram); *На Бога надейся, а ишака привязывай* (Терехин К. Уличное каратэ. 2018. Ngram).

В паремиях фиксируется однозначность прагматической установки (предостережение, совет, рекомендация, предписание, гортатив, квеситив, менасив, директив) (Шустова 2020. 107–137). Прагматическая установка фиксируется и в паремийных трансформантах.

*Чт о т ебе Меласипп? – Даму на короля положит ь надо. – Послушай, любезный, кт о из нас пасьянс раскладывает ? – Вы, Ваше превосходит ельст во. – Пот ому т ы и не суй свой нос в чуж ой пасьянс* (Северный И. Лики неповторимой России, 1939. Ngram).

*Ест ь т акие дела, где, как ни верт ись, а компании не минуешь* (Замайский П. Соседи, 1934. Ngram).

*Россия – ст рана земледельческая ... эт о хот ь уж е ст аро, но вмест е с т ем и всегда ново, пот ому Россия, дейст вит ельно, ст рана земледельческая, ст ало быт ь, как ни верт ись, а эт ой т емы не минешь* (Салтыков-Щедрин М.Е. Убежище Монрепо. Круглый год. Рассказы, очерки, 1936. Ngram).

*Ибо, как ни верт ись, а факт ост ает ся факт ом: мнение какого-т о, вероят но, не очень извест ного ценит еля искуст ва, принимавшего декадент ов за хвост ат ых людей <...> оказывает ся более хорошо извест ным ...* (Литературный критик, 1939. Ngram).

*Я-ж разумеет ся, от вас не от ст ану и, как говорит ся, «Долг плат еж ом красен», буду вам писат ь т аким же т оном. Когда уж е пошло на половицы, т ак скаж у: «Вперед бат ьки в пет лю не суйся»* (Соболев Ю.В. Новый Чехов, 1925. Ngram).

Все представленные модификации ориентированы на актуализацию авторской позиции и используются в качестве паремийных трансформантов для выражения интенции, сопровождаемой дополнительным значением. Разумеется, это тесно связано со способностью создать такого рода трансформанты, с восприятием структурных и смысловых модификаций. В этой связи необходимо учитывать «гибкость языка», его возможности

допускать креативность. Живое употребление языковых единиц стимулирует их варьированность. Все единицы языка представлены в виде множества вариантов, это обусловлено присущим им свойством «экземплярности». Каждая единица существует в виде множества экземпляров, оставаясь при этом собой. Само бытие отдельной единицы языка есть её варьирование, сосуществование множества ее вариантов (Языкознание 1998. 81). К. Ажеж указывает на необходимость учета вариативного потенциала языковых единиц в разных языках. Следует иметь в виду существование вариантов, форма, значение и функции которых идентичны паремии-прототипу (см., например, Ырмак 2014. 29). Ср.:

В аспекте смысловой модификации наблюдается вариативность в области синонимических отношений.

*На Бога надейся, а руки помой!*

*На Бога надейся, а руки-т о помой!*

*На Бога надейся, а маску надень.*

*На маску надейся, а сам не плошай.*

*На карант ин надейся, а сам не плошай.*

(← *На Бога надейся, а сам не плошай*). Исход дела решаешь ты сам. Говорится в качестве совета не рассчитывать на везение или на чью-л. помощь, а действовать самому (СКЭ. 441).

*У семи докт оров пациент без маски.*

*У семи нянек – дит я без маски.*

(← *У семи нянек дит я без глазу (без глаза)*). Дело страдает, хотя за него отвечает несколько человек (СКЭ. 463).

*С кем ковиднешься, от т ого и наберешься.*

*С кем поведешься, от т ого и заразишься.*

*С кем поведешься, от т ого и ковиднешься.*

*С кем подцепишь, с тем и помрешь*

(← *С кем поведешься, от того и наберешься*). От человека, с которым общаешься, дружишь, с которым часто встречаешься, невольно перенимаешь его взгляды, привычки, начинаешь подражать ему в чем-либо) (СКЭ. 467).

*Мал вирус, да вреден.*

*Мал санит айзер, да дорог.*

(← *Мал золот ник, да дорог*). Говорится, чтобы подчеркнуть достоинства чего-л. маленького по размеру, кажущегося незначительным, но важным по существу, или кого-л. молодого и перспективного (СКЭ. 445).

*Где родился – там и сиди на карант ине.*

*Где прописан – там и карант ин.*

(← *Где кто (Кто где) родился (родит ся), там и годит ся (пригодился, пригодит ся)*). Человеку привычнее жить и проще найти свое место в жизни на своей родине (о тесной связи человека с родным краем) (СКЭ. 470).

*Любишь кат ать – люби и масочки носишь.*

*Любишь кат ать – люби и пропуск не забывай.*

(← *Любишь кат ать, люби и саночки возишь*). Нужно расплачиваться за полученное удовольствие, пользу, выгоду (СКЭ. 472).

### **Заключение**

Паремийные трансформанты функционируют в своеобразных контекстуальных условиях и выступают как эксплицитное средство языковой игры. В коронавирусном дискурсе выбор паремии обусловлен прагмалингвистической задачей: 1) моделирование уникальной ситуации, с одной стороны, и типовой (так как распространяется на все и на всех), с другой; 2) выбор соответствующих языковых единиц, модификации которых наиболее адекватно будут отражать дискурсивную практику; 3) решение поставленной

коммуникативной задачи в целях адаптации к условиям пандемии; 4) номинация участников, событий, явлений, процессов, феноменов коронавирусной эпохи; 5) выражение оценки к факторам коронавирусного дискурса; 6) выявление и описание актуальных дискурсивных топиков. Модификация паремий обуславливает формирование новых актуальных смыслов, характеризующихся образным, ярким, эмоциональным и экспрессивным характером.

### Литература

- 1- Ажеж К. (2008). *Человек говорящий. Вклад лингвистики в гуманитарные науки* / Пер. с франц. Изд. 2-е, стереот. Москва: Едиториал УРСС, 304 с.
- 2- Алефиренко Н.А. (2009). *Семенов Н.Н. Фразеология и паремиология*. Уч. пос. Москва: Флинта: Наука, 344 с.
- 3- Антонова О.Н. (2012). *Функциональные свойства паремий – трансформов в англоязычном публицистическом дискурсе: автореф. ... к. филол. н., Москва, 27 с.*
- 4- Береговская Э.М. (1996). *Молодежный слэнг: формирование и функционирование* // Вопросы языкознания. № 3, С. 32–41.
- 5- Боброва Н.В. (2012). *Особенности перевода фразеологических единиц в эпоху коронавируса* // Молодой ученый. № 2(344). С. 67–69.
- 6- Бутакова А.Д. (2014). *Семантические парадоксы в условиях языковой игры*. Дисс. ... к. филол. н. Волгоград, 171 с.
- 7- Вальтер Х., (2005). *Мокиенко В.М. Афоризмы русского народа*. Санкт-Петербург: Нева, 576 с.
- 8- Васильева К.Н. (2021). *Русские афоризмы о COVID-19 в виртуальном пространстве: приемы стилистических окказиональных преобразований* // Современная наука: актуальные проблемы теории и практики. Серия: Гуманитарные науки. № 4. С. 123–126.
- 9- Воропаева В.А. (2007). *Сопоставительная характеристика английских, немецких и русских паремий и фразеологизмов, выражающих толерантность*. Дисс. ... к. филол. н., Тамбов, 168 с.
- 10- Гнедаш С.И. (2005). *Провербальные трансформанты в функциональном стиле прессы и публицистики (на материале немецкой прессы ФРГ)*. Дисс. ... к. филол. н. Москва, 189 с.

- 11- Горбань И.В. (2010). *Роль паремий в речевых актах* (на материале языка русской художественной литературы). Автореф. ... к. филол. н. Саратов, 26 с.
- 12- Подюков И.А. (1999). *Семиотический аспект текста паремии* // Лингвистические и эстетические аспекты анализа текста. Соликамск: Соликамский государственный педагогический институт, С. 152–158.
- 13- Русина Ю.Н. (2021). *Особенности и прецедентных текстов в заголовках газетных статей на тему коронавируса* // Вестник Минского государственного лингвистического университета. Серия 1: Филология. № 2 (111). С. 125–132.
- 14- Савина Е.Н. (1984). *О трансформации клишированных выражений в речи* // Паремнологические исследования. М.: Наука, С. 200–222.
- 15- Савенкова Л.Б. (2002). *Русские паремии как функционирующая система*. Автореф. ... д. филол. н., Ростов-на-Дону, 46 с.
- 16- Северская О.И., Селезнева Л.В. (2021). *Рефрейминг идиом и паремий в коронавирусном дискурсе* // Слово ру: балтийский акцент. Т. 12. № 1. С. 96–109.
- 17- Семененко Н.Н. (2020). *Аксиология паремий в фокусе проблемы когнитивно-дискурсивного моделирования семантики русских пословиц* // Вестник Российского университета дружбы народов. Серия: Теория языка. Семиотика. Семантика. Т. 11. № 2. С. 213–232.
- 18- *СКЭ – Словарь русского языка коронавирусной эпохи*. (2021). Сост. Х. Вальтер, Е.С. Громенок, А.Ю. Кожевников, Н.В. Козловская, Н.А. Козулина, С.Д. Левина, В.М. Мокиенко, А.С. Павлова, М.Н. Приемышева, Ю.С. Ридецкая / Ред. коллегия Е.С. Громенко, А.С. Павлова, М.Н. Приемышева (отв. ред.), Ю.С. Ридецкая. Санкт-Петербург: Институт лингвистических исследований РАН, 550 с.
- 19- Шустова С.В. (2020). *Лингвистические и прагматические свойства паремийных трансформантов* // Фразеологизмы и паремии: лингвистические и прагматические аспекты функционирования / W. Mieder, С.В. Шустова, Н.Н. Меньшакова, С. Цзоу, М.П. Завгороднева. Пермь: Пермский институт экономики и финансов. 188 с.
- 20- *Языкознание. Большой энциклопедический словарь* (1998). Гл. ред. В.Н. Ярцева. 2-е изд. Москва: «Большая Российская энциклопедия». 685 с.
- 21- *Google Books Ngram Viewer*. URL: <https://books.google.com/ngrams> (дата обращения: январь 2022.)
- 22- *Čermak F. Proverbs: Their Lexical and Semantic Features*. Burlington, Vermont: “Proverbium”, the University of Vermont. In cooperation with the Institute of the Czech National Corpus. Edited by W. Mieder. Volum 36, 2014. 234 p.

- 23- Mieder W. (2000). *Sprichwörter sind die Überbleibsel verschollener Aphoristiker* // Слово во времени и пространстве. Санкт-Петербург: Фолио-Пресс, С. 468–487.
- 24- Mieder W. (2014). “*Wer andern eine Grube gräbt ...*”. Sprichwörtliches aus der Bibel in moderner Literatur, Medien und Karikaturen. Mit 128 Abbildungen. Wien: Praesens Verlag, 458 S.

### Bibliography

- 1- Azhezh K. (2008). *Chelovek govorjashhij. Vklad lingvistiki v gumanitarnye nauki* / Per. s franc. Izd. 2-e, stereot. Moskva: Editorial URSS, 304 s.
- 2- Alefirenko N.A. (2009). *Semenenko N.N. Frazeologija i paremiologija*. Uch. pos. Moskva: Flinta: Nauka, 344 s.
- 3- Antonova O.N. (2012). *Funkcional'nye svojstva paremij – transformov v anglojazychnom publicisticheskom diskurse: avtoref. ... k. filol. n., Moskva, 27 s.*
- 4- Beregovskaja Je.M. (1996). *Molodezhnyj sljeng: formirovanie i funkcionirovanie* // Voprosy jazykoznanija. № 3, S. 32–41.
- 5- Bobrova N.V. (2012). *Osobennosti perevoda frazeologicheskikh edinic v jepohu koronavirusa* // Molodoj uchenyj. № 2(344). S. 67–69.
- 6- Butakova A.D. (2014). *Semanticheskie paradoksy v uslovijah jazykovej igry*. Diss.... k. filol. n. Volgograd, 171 s.
- 7- Val'ter H., (2005). *Mokienko V.M. Antiposlovicy russkogo naroda*. Sankt-Peterburg: Neva, 576 s.
- 8- Vasil'eva K.N. (2021). *Russkie antiposlovicy o COVID-19 v virtual'nom prostranstve: priemy strukturnyh okkazional'nyh preobrazovanij* // Sovremennaja nauka: aktual'nye problemy teorii i praktiki. Serija: Gumanitarnye nauki. № 4. S. 123–126.
- 9- Voropaeva V.A. (2007). *Sopostavitel'naja karakteristika anglijskih, nemeckih i russkih paremij i frazeologizmov, vyrzhajushhij tolerantnost'*. Diss. ... k. filol. n., Tambov, 168 s.
- 10- Gnedash S.I. (2005). *Proverbial'nye transformanty v funkcional'nom stile pressy i publicistike* (na materiale nemeckoj pressy FRG). Diss ... k. filol. n. Moskva, 189 s.
- 11- Gorban' I.V. (2010). *Rol' paremij v rechevyh aktah* (na materiale jazyka russkoj hudozhestvennoj literatury). Avtoref. ... k. filol. n. Saratov, 26 s.
- 12- Podjukov I.A. (1999). *Semioticheskij aspekt teksta paremii* // Lingvisticheskie i jesteticheskie aspekty analiza teksta. Solikamsk: Solikamskij gosudarstvennyj pedagogicheskij institut, S. 152–158.

- 13- Rusina Ju.N. (2021). *Osobennosti precedentnyh tekstov v zagolovkah gazetnyh statej na temu koronavirusa* // Vestnik Minskogo gosudarstvennogo lingvisticheskogo universiteta. Serija 1: Filologija. № 2 (111). S. 125–132.
- 14- Savina E.N. (1984). *O transformacii klishirovannyh vyrazhenij v rechi* // Paremiologicheskie issledovanija. M.: Nauka, S. 200–222.
- 15- Savenkova L.B. (2002). *Russkie paremii kak funkcionirujushhaja sistema*. Avtoref. ... d. filol. n., Rostov-na-Donu, 46 s.
- 16- Severskaja O.I., Selezneva L.V. (2021). *Refrejming idiom i paremij v koronavirusnom diskurse* // Slovo ru: baltijskij akcent. T. 12. № 1. S. 96–109.
- 17- Semenenko N.N. (2020). *Aksiologija paremij v fokuse problemy kognitivno-diskursivnogo modelirovanija semantiki russkih poslovič* // Vestnik Rossijskogo universiteta družby narodov. Serija: Teorija jazyka. Semiotika. Semantika. T. 11. № 2. S. 213–232.
- 18- *SKJe – Slovar' russkogo jazyka koronavirusnoj jepohi*. (2021). Sost. H. Val'ter, E.S. Gromenok, A.Ju. Kozhevnikov, N.V. Kozlovskaja, N.A. Kozulina, S.D. Levina, V.M. Mokenko, A.S. Pavlova, M.N.Priemysheva, Ju.S. Rideckaja / Red. kolegija E.S. Gromenok, A.S. Pavlova, M.N. Priemysheva (otv. red.), Ju.S. Rideckaja. Sankt-Peterburg: Institut lingvisticheskikh issledovanij RAN, 550 s.
- 19- Shustova S.V. (2020). *Lingvisticheskie i pragmaticheskie svojstva paremiynyh transformantov* // Frazeologizmy i paremii: lingvisticheskie i pragmaticheskie aspekty funkcionirovanija / W. Mieder, S.V. Shustova, N.N. Men'shakova, C. Czou, M.P. Zavgorodneva. Perm': Permskij institut jekonomiki i finansov. 188 s.
- 20- *Jazykoznanie. Bol'shoj jenciklopedicheskij slovar'* (1998). Gl. red. V.N. Jarceva. 2-e izd. Moskva: «Bol'shaja Rossijskaja jenciklopedija». 685 s.
- 21- *Google Books Ngram Viewer*. URL: <https://books.google.com/ngrams> (data obrashhenija: janvar' 2022.)
- 22- Čermak F. Proverbs: Their Lexical and Semantik Features. Burlington, Vermont: “Proverbium”, the University of Vermont. In cooperation with the Institute of the Czech National Corpus. Edited by W. Mieder. Volum 36, 2014. 234 p.
- 23- Mieder W. (2000). *Sprichwörter sind die Überbleibsel verschollener Aphoristiker* // Slovo vo vremeni i prostranstve. Sankt-Peterburg: Folio-Press, S. 468–487.
- 24- Mieder W. (2014). “*Wer andern eine Grube gräbt ...*”. Sprichwörtliches aus der Bibel in moderner Literatur, Medien und Karikaturen. Mit 128 Abbildungen. Wien: Praesens Verlag. 458 S.

**HOW TO CITE THIS ARTICLE**

Shustova. S. (2022). *Paremia Transformants of the Coronavirus Era*. *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literatury*, 10(1), 49–63.

**DOI:** <https://doi.org/10.61186/iarll.19.49>

**URL:** <https://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/141>



## اصطلاحات ضرب‌المثلی (پارم‌ها) در دوران کرونا

سوتلانا ویکتورونا شوستووا<sup>1\*</sup>

استاد زبان و ادبیات روسی دانشگاه دولتی تحقیقات ملی پرم،

پرم، روسیه.

(تاریخ دریافت: ژانویه 2022؛ تاریخ پذیرش: فوریه 2022)

## چکیده

این مقاله مسائل مربوط به سازماندهی ساختاری و معنایی اصطلاحات ضرب‌المثلی تغییر یافته دوران کرونا را مورد بحث قرار می‌دهد. ضرب‌المثل‌ها استقلال نسبی معنا از زمینه کاربرد دارند و می‌توانند «شفافیت» شکل درونی گفته را در زمینه‌های مختلف رویداد حفظ کنند. در ضرب‌المثل‌ها شخص خاصی، عمل انجام شده، یا اشاره‌ای به زمان این عمل وجود ندارد. ضرب‌المثل‌ها به عنوان ابزار در بازی زبان عمل می‌کنند. اصطلاحات ضرب‌المثلی تغییر یافته دوران کرونا به صورت زمینه‌ای تعیین می‌شوند، زیرا اصطلاحات در یک زمینه خاص، در زمان مشخصی انجام می‌شود. دگرگونی ضرب‌المثل‌ها به دلیل استفاده فعال آنها توسط زبان مادری است. در گفتمان کرونا، انتخاب پارم‌ها با یک کار عملی زبانی تعیین می‌شود: (1) مدل‌سازی یک موقعیت منحصربه‌فرد، از یک سو، و یک موقعیت معمولی (از آنجایی که برای همه چیز و همه افراد صدق می‌کند)، از سوی دیگر؛ (2) انتخاب واحدهای زبانی مناسب که اصطلاحات آنها به اندازه کافی منعکس کننده عملکرد گفتمانی باشد. (3) حل تکلیف ارتباطی به منظور انطباق با شرایط بیماری همه‌گیر؛ (4) نامزدی شرکت کنندگان، رویدادها، پدیده‌ها، فرآیندها، پدیده‌های دوران کرونا؛ (5) بیان ارزیابی عوامل گفتمان کرونا. (6) شناسایی و شرح موضوعات گفتمانی جاری. اصلاح ضرب‌المثل‌ها شکل‌گیری معانی واقعی جدید را تعیین می‌کند که با شخصیت مجازی، واضح، عاطفی و بیانی مشخص می‌شود.

این مقاله به موضوع تغییرات ساختاری و معنایی اصطلاحات ضرب‌المثلی در دوران کرونا می‌پردازد. اصطلاحات ضرب‌المثلی (پارم‌ها) به لحاظ معنایی از بافت متنی که در آن به کار می‌روند نسبتاً مستقل هستند و می‌توانند «شفافیت» فرم درونی جملات را در پس‌زمینه‌های متنی در موقعیت‌های گفتاری گوناگون حفظ کنند. این نوع اصطلاحات و تعبیرات به شخصی که عمل

1. E-mail: lanaschust@mail.ru; ORCID:0000-0002-8318-7864

نوع مقاله: علمی - پژوهشی، \* نویسنده مسئول

را انجام می‌دهد و زمان وقوع آن اشاره نمی‌کنند. از اصطلاحات ضرب‌المثلی به‌عنوان بازی کلامی و زبانی استفاده می‌شود. اصطلاحات ضرب‌المثلی در دوران کرونا در بافت‌های متنی مختلف تغییر می‌یابند، زیرا معنای آنها در بافت متنی و در زمان‌های مختلف نیز تغییر می‌کند و در این صورت است که آنها قابلیت استعمال به‌عنوان ابزار زبانی برای بازی کلامی را پیدا می‌کنند. دگرگونی و تغییرات در اصطلاحات ضرب‌المثلی معلول استعمال زیاد از آنها توسط افراد اهل زبان است. در گفتمان مربوط به دوران کرونا، ملاک و معیار انتخاب یک اصطلاح ضرب‌المثلی را اهداف زبان‌شناسی کاربردی تعیین می‌کنند: (1) مدل‌سازی یک موقعیت گفتاری منحصر به فرد، از یک سو، و یک موقعیت عادی (از آنجایی که برای همه چیز و همه افراد صدق می‌کند و قابل تعمیم است)، از سوی دیگر؛ (2) انتخاب واحدهای زبانی مناسب که تغییرات آنها به‌درستی منعکس‌کننده عملکرد گفتمانی باشد. (3) حل مسئله برقراری ارتباط کلامی تعیین شده در راستای سازگاری با شرایط همه‌گیری؛ (4) نامیدن شرکت‌کنندگان، رویدادها، پدیده‌ها، فرایندها، و فنون‌های دوران کرونا؛ (5) بیان ارزیابی عوامل گفتمان کرونا؛ (6) شناسایی و توصیف مهمترین موضوعات گفتمانی. تغییرات اصطلاحات ضرب‌المثلی باعث ایجاد و شکل‌گیری مفاهیم جدیدی می‌گردد که دارای ویژگی‌هایی چون مجاز بودن، واضح بودن، بیان عواطف و احساسات است.

**واژگان کلیدی:** اصطلاحات ضرب‌المثلی، اصطلاحات ضرب‌المثلی تغییر یافته، ساختار، معنا و مفهوم، تغییرات، دوران کرونایی، مؤلفه کاربردی.

## M.V. Lomonosov's Rhetorical Teaching on the Order of Words

**Burtsev Vladimir Anatolyevich<sup>1\*</sup>**

Associate Professor, I.A. Bunin Yelets State University,  
Yelets, Russia.

(date of receiving: January, 2022; date of acceptance: February, 2022)

### **Abstract**

This article examines the role of Lomonosov rhetoric in the history of language, in particular, in the normalization of the Russian literary language of the first half of the XVIII century. This question is examined in the light of M.V. Lomonosov's rhetorical teaching on the order of words, set forth in both his textbooks of rhetoric: "A Brief Guide to Rhetoric" (1744) and "A Brief Guide to Eloquence" (1748). Lomonosov's theory of word order is considered in comparison with the concepts of word order in Russian grammatical works of the late XVIII - early XIX century. On this basis, the factors characteristic of each epoch for assessing the order of words in the linguistic structure of the Russian language and in its use are identified. It is concluded that M.V. Lomonosov's concept of word order is not grammatical, but rhetorical and stylistic, due primarily to the tasks of rethinking the linguistic structure of artistic speech when it is used for rhetorical purposes.

**Keywords:** M.V. Lomonosov, Word Order, History of the Russian Language, Rhetoric, Oratorical Speech.

---

1. E-mail: ivburcev@yandex.ru; ORCID: 0000-0001-7987-8518 \* Corresponding author

## **Риторическое учение М.В. Ломоносова о порядке слов**

**Бурцев Владимир Анатольевич<sup>1\*</sup>**

Доцент, Елецкий государственный университет им. И.А. Бунина,  
Елец, Россия.

(дата получения: январь 2022 г.; дата принятия: февраль 2022 г.)

### **Аннотация**

В данной статье рассматривается вопрос о роли ломоносовской риторики в истории языка, в частности, в нормировании русского литературного языка первой половины XVIII в. Данный вопрос разбирается в свете риторического учения М.В. Ломоносова о порядке слов, изложенном в обоих его учебниках риторики: «Кратком руководстве к риторике» (1744 г.) и «Кратком руководстве к красноречию» (1748 г.). Ломоносовская теория порядка слов рассматривается в сопоставлении концепциями порядка слов в русских грамматических трудах конца XVIII – начала XIX в. На этой основе выявляются характерные для каждой эпохи факторы оценки порядка слов в языковой структуре русского языка и при его употреблении. Делается вывод, что концепция М.В. Ломоносова о порядке слов является не грамматической, а риторико-стилистической, обусловленной, прежде всего, задачами переосмысления языковой структуры художественной речи, когда она используется в риторических целях.

**Ключевые слова:** М.В. Ломоносов, Порядок Слов, История Русского Языка, Риторика, Ораторская Речь.

---

1. E-mail: ivburcev@yandex.ru; ORCID: 0000-0001-7987-8518 \* Ответственный автор

## **Введение**

В последнее время усилился интерес к филологическому наследию М.В. Ломоносова (М.В. Ломоносов в истории 2011; Филологическое наследие 2013; Патроева 2017), прежде всего, к его риторической теории (Алексеев 2011; Филиппов 2017; Макарова 2014; Патроева 2020; Риторика 2017). Особое внимание обращается на современные задачи освоения риторических сочинений М.В. Ломоносова (Аннушкин 2011); кроме того, исследователей по-прежнему интересует проблема соответствия риторических взглядов М.В. Ломоносова его литературной практике (Сиротинина 1969; Тынянов 1927; Акимова 2012; Ковалевская 2012; Бурцев 1993; Риторика 2017). В данной статье рассматривается вопрос о роли ломоносовской риторики в нормировании русского литературного языка первой половины XVIII в. Это определяет актуальность работы. Данный вопрос разбирается в свете риторического учения М.В. Ломоносова о порядке слов. Оно изложено в обоих его учебниках риторики (далее – Риторика): «Кратком руководстве к риторике» (1744 г.) и «Кратком руководстве к красноречию» (1748 г.).

Ломоносовская теория порядка слов рассматривается в сопоставлении с концепциями порядка слов в русских грамматических трудах конца XVIII – начала XIX в. Анализируя ломоносовский материал в сопоставлении с последующим, можно выявить характерные для каждой эпохи факторы оценки порядка слов в языковой структуре русского языка и при его употреблении.

## **Основная часть**

**1. Вопрос о порядке слов в русских грамматических трудах 18-начала 19 в.** В центре внимания исследователей этого периода находятся в том числе вопросы, которые касаются норм словорасположения в русском литературном языке, их описания и кодификации в грамматиках. Эти ракурсы изучения порядка слов актуализированы в связи с общим состоянием синтаксической

системы русского языка, которая на данном этапе уже сформировалась в своих основных чертах (Ковалевская 2012. 199).

Проблеме порядка слов в русском языке было посвящено несколько работ (Давыдов 1816; Барсов 1981; Востоков 1835; Греч 1840; Курганов 1769; Сырейщиков 1787; Светов 1790). Пафосом большинства указанных исследований является идея о зависимости порядка слов от логических закономерностей мышления. «Русский язык в размещении слов следует законам логики: выражает сначала действующий предмет, потом действие, вслед за этим дальнейшие обстоятельства... Слова определительные располагаются вблизи определяемых, дополнения следуют непосредственно за дополняемыми частями; все это сообразуется со свойством и требованием смысла в предложении» (Греч 1840. 346).

Чрезвычайно характерна также критическая позиция авторов этих работ по отношению к предшествующей языковой практике в области порядка слов. В частности, И. Давыдов и Н.И. Греч полагали, что синтаксические конструкции, заимствованные из латинского и немецкого языков, характерные для текстов произведений русских писателей-классицистов середины XVIII в., не отвечают специфике синтаксической системы русского языка, поскольку, как пишет И. Давыдов, «язык, как выражение души, должен иметь те же правила, которыми руководствуются душевные способности ... Всякий народ имеет свой порядок в понятиях, и всякий язык должен иметь свой порядок слов» (Давыдов 1816. 114).

Н.И. Греч в связи с этим называет имя Ломоносова и характеризует его языковую практику следующим образом: «Слог, или склад, у Ломоносова в просторечии, т.е. в письмах и учебных сочинениях, был немецкий; в торжественных речах и истории, подражание латинскому» (Греч 1840. 110).

Признавая известную свободу словорасположения в русском языке, ученые считали необходимым различать «естественный» порядок слов, который, как

уже говорилось, объявлялся необходимым следствием законов логики и свойств родного языка, и «измененный», «особенный». Использование измененного порядка слов, по мысли русских грамматистов, мотивировано следующими причинами: «когда нужно придать какому-либо слову большую выразительность» (Греч 1840. 336), а также различными «движениями души говорящего. Н.М. Карамзин по этому поводу писал: «Мне кажется, что для перестановок в русском языке есть закон: каждая дает фразе особый смысл, и где надобно сказать – солнце плодотворит землю, там – землю плодотворит солнце или плодотворит солнце землю – будет ошибкой» (Карамзин 1814. 128).

Одно из основных требований, выдвигаемых учеными при нормализации словорасположения, – учет синтаксической функции компонента предложения, которая, по мысли авторов грамматик, в значительной мере определяет порядок следования слов в пределах групп подлежащего и сказуемого. А.Х. Востоков, считая нормой препозицию определения, замечает, однако, что «порядок сей изменяется», «когда прилагательное на вопрос КАКОЙ? с существительным своим составляет сказуемое или служит дополнением к сказуемому; напр. Это дело доброе» (Востоков 1835. 345).

Другое, не менее важное требование, – учет факторов коммуникативной структуры, то есть предложение должно иметь тот порядок слов, который отражает намерения говорящего в его интенции выделить определенную актуальную информацию. Признавая такой порядок слов измененным, грамматики не квалифицируют его как отступление от нормы. Например, А.Х. Востоковым показаны типы словорасположения в различных по цели высказывания предложениях, где местоположение слов определяет актуальное членение. Так, в «вопросительных предложениях, – пишет А.Х. Востоков, – слова, выражающие предмет и обстоятельство, могут предшествовать вопросительному слову, когда наперед нужно приготовить слушающего

наименованием предметов и изложением обстоятельств; напр. Сегодня придете ли к нам?» (Востоков 1835. 338).

В этой связи показательны рассуждения А.А. Барсова о «выражении грамматическом», в которых, по существу, представлен опыт интерпретации порядка слов в понятиях актуального членения предложения. «Выражение грамматическое», в понимании А.А. Барсова, есть следствие коммуникативного намерения говорящего выделить в предложении актуальную информацию. «Намерение же вообще состоит в старании отдалить противную (особливо) одному известному из тех речей мысль, и через то самое изъявить иногда такую страсть или движение сердца» (Барсов 1981. 164). Формами выражения, «изъявления», актуальной информации А.А. Барсов признает логическое ударение и порядок слов. Следует отметить, что, кроме термина «выражение грамматическое», А.А. Барсов использует термин «выражение риторическое», обозначающего такие случаи изменения нормального словоупорядка, в которых трансформация синтаксических конструкций обусловлена не коммуникативными, а художественными намерениями говорящего.

Показательны в этом отношении и другие грамматические руководства, где измененный порядок слов представляется как отражение коммуникативной установки говорящего. Причем в качестве постулируемого общего принципа объяснения причин измененного порядка слов выступает идея авторов грамматик о дискретной структуре смыслового содержания предложения, компонентами которой являются общее вещественное содержание и актуальная информация. Н.И. Греч, анализируя порядок слов в повествовательных предложениях, пишет: «Повествовательное предложение располагается в естественном порядке следующим образом: подлежащее, связка, сказуемое ... Этот порядок изменяется, когда мы хотим обратить внимание на какую-либо часть предложения в особенности; например: Велик

Бог. Здесь мы хотим определять качества божии а высказываем одно то, что в сию минуту более других для нас важно» (Греч 1840. 346).

Представляется актуальной выбранная авторами грамматических сочинений XIX в. методика описания порядка слов, ставшая нормой в современных исследованиях. Как правило, ученые XIX столетия отдельно рассматривают порядок слов в предложении и словосочетании, связывая принципы словорасположения в первом случае с коммуникативным устройством предложения, а во втором – с характеристиками слова как единицы-лексемы. Впервые эту методику описания порядка слов применил, по-видимому, А.Х. Востоков. Его «Правила о размещении слов» организованы следующим образом: 1) о порядке главных частей предложения и 2) о размещении слов определительных и дополнительных.

Таким образом, в рассуждениях о порядке слов в русских грамматических трудах XVIII – начала XIX в. можно увидеть первичное оформление тех разнообразных взглядов на это явление, которые развиваются в современных исследованиях. Однако надо отметить также то, что всесторонний подход к рассмотрению внутренних качеств предложения – с логической, структурно-грамматической, интонационно-смысловой и экспрессивной точек зрения – основан здесь все же на логико-формальных критериях. Это позволяет говорить о принципиальном отличии интерпретаций порядка слов в данных грамматических трудах по сравнению с концепцией М.В. Ломоносова, об известном отрицании стилистического плана в истолковании различных схем словорасположения или проявлении того, что всегда было скрыто в учении Ломоносова за ярко выраженной стилистической точкой зрения на основные вопросы и проблемы синтаксиса.

**2. Учение Ломоносова о порядке слов.** Учение Ломоносова о порядке слов было предметом специального изучения И.И. Ковтуновой (Ковтунова 1969), которая исследовала этот вопрос в рамках широкого исторического

контекста, призванного показать пути становления синтаксических норм порядка слов в русском языке. Согласно (Ковтунова 1969), распространенные в лингвистической литературе общие выводы о проблемах словорасположения в XVIII в. и вместе с тем о негативной роли Ломоносова в их решении должны получить существенные коррективы. И.И. Ковтунова пишет: «Проблема нормализации порядка слов не могла быть даже поставлена Ломоносовым. Ведь нормализация словорасположения – при его значительной свободе – должна была заключаться в ограничении этой свободы, т.е. она могла протекать единственно возможным путем – путем установления в качестве нормы одних вариантов и устранения других. Но варианты порядка слов различались стилистически. А это было как раз то, что требовалось для теории трех стилей – не стилистическая нивелировка, а максимальная стилистическая разграниченность языка» (Ковтунова 1969. 122-123).

Таким образом, И.И.Ковтунова считает, что Ломоносов в изложении теории порядка слов, несмотря на кажущуюся необходимость реформ в области словорасположения, не мог допустить нормализацию, подобную той, которая была проведена в конце XVIII – начале XIX в., с присущей ей градацией на нормативные и ненормативные варианты, установкой на императивную реализацию только каких-то одних доминирующих структур в языковой системе в целом, так как в его учении шла речь о трех разновидностях русского литературного языка и особом порядке слов лишь в произведениях высокого стиля.

Это наводит на мысль о том, что Ломоносов находится в рамках проблематики риторики и сознательно снимает проблему порядка слов как общеграмматическую. Исходя из представления о необходимости учитывать стилистическую окраску любой языковой единицы, в том числе синтаксических конструкций, Ломоносов стремился в своей филологической деятельности «обострить намечавшуюся стилистическую дифференциацию,

привести в соответствие употребление определенным образом окрашенных средств с определенными видами и жанрами письменности» (Ковтунова 1969. 123).

Наш материал подтверждает рассуждения И.И. Ковтуновой о том, что учение Ломоносова о порядке слов получило, прежде всего, стилистическую интерпретацию, имевшую своей целью подчеркнуть наметившуюся в первой половине XVIII в. стилистическую дифференциацию различных схем и вариантов словорасположения. Косвенным аргументом в пользу подобного вывода служит факт отсутствия специального анализа порядка слов в «Российской грамматике» и перенос его в «Риторику», то есть теорию украшенного слога. Представляется, что это свидетельствует о специфичности ломоносовского учения, связанного лишь с особенностями художественной и ораторской речи.

В «Российской грамматике» о порядке слов сказано кратко: «Вещь иметь должна прежде свое бытие, потом деяние. Того ради между речениями, речь составляющими, первое место иметь должно имя, вещь значащая, потом глагол, изъясляющий оные вещи деяние» (Ломоносов. Российская грамматика. § 81). В другом параграфе Ломоносов отмечает возможность и обратного порядка слов: «Сей порядок речений и их полность хотя с чином природы сходятся, однако вольность человеческих мыслей превращает порядок оных и выключает из речи то, чему бы по природе быть должно было. Пример первого: тучнеет от росы земля вместо: земля тучнеет от росы. Пример второго: земля тучна от росы; разумеется выключенный глагол «бывает». Первая вольность называется перенос, вторая – опущение» (Ломоносов. Российская грамматика. § 84).

В этом рассуждении любопытно не только указание на актуализацию порядка слов в соответствии с коммуникативными намерениями говорящего, но и представление нормы словорасположения, ясно свидетельствующей о

своем современном характере. Другими словами, для порядка слов в грамматической теории Ломоносова и его бытовой литературной практики заложены совсем другие основы. По работе (Сиротинина 1969), в «Российской грамматике» Ломоносова нормы словорасположения, описаны с учетом основной функции порядка слов в русском языке – обозначать актуальное членение предложения (Сиротинина 1969. 208).

В «Риторике» вопросы словорасположения неотделимы от понимания эстетических свойств таких единиц текста, как период и строфа. Поскольку период представлял собой законченный по содержанию отрезок речи и, как правило, был объемным, Ломоносов утверждал необходимость разнообразия в нем порядка слов, устанавливая тем самым соотносительность не только сложных синтаксических целых, но и их структуру с формами ораторского построения и, в частности, с интонационным рисунком текста, курсивами которого являлись определенные схемы порядка слов.

«Что до переносу членов частей периода надлежит, то надобно смотреть, чтобы подлежащее не всегда было пред сказуемым, или, ежели подлежащих и сказуемых много, то нехудо их разнести так, что когда сказуемое одно, то одно подлежащее поставить наперед, а другое после оно, или когда подлежащее одно, то поставить оное среди сказуемых; равным образом стараться о таких отменах и в других или подобных случаях» (Ломоносов. Риторика 1748. §178).

Не случайно одним из исходных пунктов ломоносовской теории порядка слов, несомненно, является принцип благозвучия речи, ее ритмико-организационная организация, самым непосредственным образом связанная со словорасположением. «Простые идеи ли слова располагаются по произношению, в котором надлежит остерегаться стеснения подобных литер и непроизвольного расположения ударений» (Ломоносов. Риторика 1744. § 113).

В качестве другого принципа Ломоносов называет принцип приоритета, регулирующий порядок слов на основе сравнительной значимости объектов, их понятийной аксиологии в сознании говорящего или их детерминированности порядком следования явлений действительности. Так, Ломоносов указывает, что слова можно расположить «1) по их важности и низкости, то есть когда случится несколько имен разного качества, то приличнее наперед положить важные, а потом прочие, которые не столь высокие вещи значат, н.п.: солнце, луна и звезды хвалят своего зиждителя; 2) по времени, то есть когда слова в рассуждении времени разнствуют, то должно их расположить так, как одно другому последует, н.п.: он утро, день вечер и ночь в роскошах препровождает» (Ломоносов. Риторика 1744. §113).

В своих замечаниях Ломоносов совершенно осознанно не затрагивает проблему, которая к концу XVIII – началу XIX вв. стала одной из самых важных в грамматических трудах, а именно – выявление и кодификацию синтаксических конструкций, связанных с понятием о норме в области порядка слов. Наоборот, Ломоносов специально ориентирует на те схемы расположения слов, которые отступают от принятого употребления в живой разговорной речи. «Нередко и с немалым украшением и силою начинаются периоды с тех членов, которые обыкновенно последние бывают, например: не сказал бы ты ни единого слова, если бы ты знал, что тебе ответственать будут. Вместо: если бы ты знал, что тебе ответственать будут, то не сказал бы ты ни единого слова» (Ломоносов. Риторика 1748. § 323).

Из возможных вариантов словорасположения Ломоносов считает нужным указать только на наиболее экспрессивные и стилистически значимые, регулирующие не обыденное строение речи, а ее риторическую патетику, то есть те формы, которые создавали оригинальные конструкции, являвшиеся источником эстетического наслаждения, вызываемого риторическим произведением. «Предлогами соединяемые приложения, место, время или что

иное значащее, в начале, в середине и в конце главных предложений вложены бывают. Однако, где слово устремить и возвысить должно, тут нередко бывает пристойнее вложить оные наперед, например:

*В т оливои горест ной печали*

*Сомненный их шат ался пут ь»*

(Ломоносов. Риторика 1748. § 321).

Показателен здесь стихотворный пример Ломоносова, отражающий потребность «высоких» стихов в эффектном порядке слов, который в поэтическом стиле поэта выражается с помощью разнообразных форм инверсий и дислокаций.

Представляется интересным указание Ломоносова на связь между такими понятиями, как порядок слов, стилистическое качество речи и тип текста. Одна из рекомендаций ученого формулируется следующим образом: «Периоды сильно и великолепно начинаются с косвенных падежей имен, важные вещи значащих» (Ломоносов. Риторика 1748. § 324). С точки зрения Ломоносова, порядок слов в предложении зависит и от принадлежности слова к определенной части речи. «Деепричастия, – пишет он, – с своими падежами полагаются приличнее наперед, например:

*Взирая на дела Пет ровы*

*На град, на флот и на полки*

*И купно на свои оковы,*

*На сильну власт ь чуж ой руки,*

*Россия ревност но вздыхала»*

(Ломоносов. Риторика 1748. § 319).

«Предложения возносительными местоимениями и наречиями присоединяемые, полагаются в середине главного предложения или после него:

*В лугах, исполненных плодами,  
Где Волга, Днепр, Двина и Дон,  
Своими чистыми струями  
Шумя, ст. адам наводят сон,  
Сидит и ноги прост ирает  
На ст. епь, где хинов от деляет  
Прост ранная ст. ена от нас»*  
(Ломоносов. Риторика 1748. § 320).

### **Заключение**

Таким образом, в соответствии с задачами риторики Ломоносов кодифицирует варианты порядка слов, приспособленные к экспрессивным формам ораторского произведения, которое убеждает и воздействует патетически. Эти варианты пересекают области стиховых и прозаических форм, то есть Ломоносов подчеркивает принципиальную возможность использовать инструментальный порядок слов для экспрессивно-стилистической орнаментации любого художественного текста. Концепцию М.В. Ломоносова о порядке слов мы считаем не грамматической, а риторико-стилистической, обусловленной, прежде всего, задачами переосмысления языковой структуры художественной речи, когда она используется в риторических целях.

### **Литература**

- 1- Акимов Г.Н. (2012). *Очерки по синтаксису языка М.В. Ломоносова* // Грамматика и стилистика русского языка в синхронии и диахронии: очерки. СПб.: Филологический факультет Санкт-Петербургского государственного университета, 504 с.
- 2- Алексеев А.П. (2011). «Риторика» М. В. Ломоносова и классические идеалы аргументации // Вестник Московского университета. Серия 7. Философия. № 5. С. 24 – 33.

- 3- Аннушкин В.И. (2011). *Задачи освоения и изучения «Краткое руководство к красноречию»* // Литературоведческий журнал. № 29. С. 236 – 249.
- 4- Барсов А.А. (1981). *Российская грамматика* // «Российская грамматика» А.А. Барсова. М.: Изд-во Московского ун-та, 1981. 776 с.
- 5- Бурцев В.А. (1993). *Синтаксические средства речевого воздействия на адресата в теории и литературной практике М.В. Ломоносова*: дисс. ...канд. филол. наук. СПб, 218 с.
- 6- Востоков А.Х. (1835). *Русская грамматика по начертанию его же сокращенной грамматики полнее изложенная*. 2-е изд. СПб., 416 с.
- 7- Греч Н.И. (1840). *Чтения о русском языке*. СПб., Ч. 1 – 2 .
- 8- Давыдов И.И. (1816). *Опыт о порядке слов* // Труды Общества любителей российской словесности. М., Ч. 5. С. 113 – 125.
- 9- Карамзин Н.М. (1834 – 1835). *О Русской Грамматике Француза Модрю* // Карамзин Н.М. Сочинения Карамзина. 4-е изд. Т. 1-9. Санкт-Петербург: А. Смирдин, 9 т. С. 109 – 117.
- 10- Ковалевская Е.Г. (2012). *Избранное. 1963–1999*. СПб. Ставрополь: Изд-во СГУ, 687 с.
- 11- Ковтунова И.И. (1969). *Порядок слов в русском литературном языке XVIII – первой четверти и XIX в. Пути становления современной нормы*. М.: Наука, 231 с.
- 12- Курганов Н.Г. (1769). *Российская универсальная грамматика или всеобщее писмословие, предлагающее легчайший способ основательного учения русскому языку с семью присовокуплениями разных учебных и полезно-забавных вещей*. СПб., – 424 с.
- 13- Ломоносов М.В. (1952). *Краткое руководство к риторике на пользу любителей сладкоречия* // Ломоносов М.В. Полное собрание сочинений / АН СССР. М.; Л., 1950 – 1983. Т. 7: Труды по филологии 1739 – 1758 гг. М.; Л.: Изд-во АН СССР, С. 19 – 80.
- 14- Ломоносов М.В. (1952). *Краткое руководство к красноречию. Книга первая, в которой содержится риторика, показывающая общие правила обоим красноречия, то есть оратории и поэзии, сочиненная в пользу любящих словесные науки* // Ломоносов М.В. Полное собрание сочинений / АН СССР. М.; Л., 1950 – 1983. Т. 7: Труды по филологии 1739 – 1758 гг. М.; Л.: Изд-во АН СССР, С. 89 – 378.
- 15- Ломоносов М.В. (1952). *Российская грамматика* // Ломоносов М. В. Полное собрание сочинений / АН СССР. М.; Л., 1950 – 1983. Т. 7: Труды по филологии 1739 – 1758 гг. М.; Л.: Изд-во АН СССР, С. 379 – 578.

- 16- М.В. Ломоносов в истории науки, культуры, университетского образования: материалы Междунар. науч. конф. (Гродно, 15-16 дек. 2011). Гродно: ГрГУ им. Я. Купалы, 2013. 243 с.
- 17- Макарова Л.Е. (2014). Развитие теории словесности и в русских риториках конца XVIII – начала XIX века (на материале трудов М.В. Ломоносова, И.С. Рижского, А.Ф. Мерзлякова, Н.И. Греча) // Вестник Московского университета. Серия 09. Филология. № 6. С. 76 – 92.
- 18- Патроева Н.В. (2020). Риторическая теория и практика М.В. Ломоносова в зеркале словарей // Ученые записки Петрозаводского государственного университета. Том 42. № 3. С. 78 – 84.
- 19- Патроева Н.В. (2017). Синтаксис русской поэзии XVIII века в связи с метрикой, строфикой, жанром стихотворения // Вопросы языкознания. № 6. С. 20 – 41.
- 20- Риторика М.В. Ломоносова. СПб.: Нестор-История, 2017. 632 с.
- 21- Светов В. (1790). Краткие правила ко изучению языка российского с присовокуплением кратких правил российской поэзии или науки писать стихи, собранные из новейших писаний в пользу обучающихся юношей. М., 190 с.
- 22- Сиротинина О.Б. (1969). Порядок слов в теории и литературной практике М.В. Ломоносова // Очерки по истории русского языка и литературы XVIII в. (Ломоносовские чтения). Казань: Изд-во Казанск. ун-та, Вып. 2 – 3. С. 206 – 214.
- 23- Сырейщиков Е.В. (1787). Краткая Российская грамматика, изданная для народных училищ Российской империи по высочайшему повелению царствующей императрицы Екатерины Великой. СПб., 57 с.
- 24- Тынянов Ю.Н. (1927). Ода как ораторский жанр // Поэтика: Временник Отд. словесных искусств Гос. ин-та истории искусств. Л.: Academia, 1927. Вып. III. С. 103 – 128.
- 25- Филиппов А.К., Филиппов К.А. (2017). «Сие изъясняю простым и весьма понятным примером». Заметки об особенностях стиха для риторических произведений М.В. Ломоносова // Индоевропейское языкознание и классическая филология, № 21. С. 819 – 831.
- 26- Филологическое наследие М.В. Ломоносова. СПб.: Нестор-История, 2013. 480 с.

### Bibliography

- 1- Akimova G.N. (2012). *Ocherki po sintaksisu jazyka M.V. Lomonosova* // Grammatika i stilistika russkogo jazyka v sinhronii i diahronii: ocherki. SPb.: Filologicheskij fakul'tet Sankt-Peterburgskogo gosudarstvennogo universiteta, 504 s.

- 2- Alekseev A.P. (2011). «Ritorika» M. V. Lomonosova i klassicheskie idealy argumentacii // Vestnik Moskovskogo universiteta. Serija 7. Filosofija. № 5. S. 24 – 33.
- 3- Annushkin V.I. (2011). Zadachi osvoenija i izuchenija «Kratkogo rukovodstva k krasnorechiju» // Literaturovedcheskij zhurnal. № 29. S. 236 – 249.
- 4- Barsov A.A. (1981). *Rossijskaja grammatika* // «Rossijskaja grammatika» A.A. Barsova. M.: Izd-vo Moskovskogo un-ta, 1981. 776 s.
- 5- Burcev V.A. (1993). *Sintaksicheskie sredstva rechevogo vozdejstvija na adresata v teorii i literaturnoj praktike M.V. Lomonosova*: diss. ...kand. filol. nauk. SPb, 218 s.
- 6- Vostokov A.H. (1835). *Russkaja grammatika po nachertaniju ego zhe sokrashhennoj grammatiki polnee izlozhennaja*. 2- e izd. SPb., 416 s.
- 7- Grech N.I. (1840). *Chtenija o russkom jazyke*. SPb., Ch. 1 – 2 .
- 8- Davydov I.I. (1816). Opyt o porjadke slov // Trudy Obshestva ljubitelej rossijskoj slovesnosti. M., Ch. 5. S. 113 – 125.
- 9- Karamzin N.M. (1834 – 1835). *O Russkoj Grammatike Francuza Modrju* // Karamzin N.M. Sochinenija Karamzina. 4-e izd. T. 1-9. Sankt-Peterburg: A. Smirdin, 9 t. S. 109 – 117.
- 10- Kovalevskaja E.G. (2012). *Izbrannoe. 1963–1999*. SPb. Stavropol': Izd-vo SGU, 687 s.
- 11- Kovtunova I.I. (1969). *Porjadok slov v russkom literaturnom jazyke XVIII – pervoj chetverti XIX v. Puti stanovlenija sovremennoj normy*. M.: Nauka, 231 s.
- 12- Kurganov N.G. (1769). *Rossijskaja universal'naja grammatika ili vseobshhee pismoslovie, predlagajushhee legchajshij sposob osnovatel'nogo uchenija russkomu jazyku s sedm'ju prisovokuplenijami raznyh uchebnyh i polezno-zabavnyh veshhej*. SPb., – 424 s.
- 13- Lomonosov M.V. (1952). *Kratkoe rukovodstvo k ritorike na pol'zu ljubitelej sladkorechija* // *Lomonosov M. V. Polnoe sobranie sochinenij / AN SSSR*. M.; L., 1950 – 1983. T. 7: Trudy po filologii 1739 – 1758 gg. M.; L.: Izd-vo AN SSSR, S. 19 – 80.
- 14- Lomonosov M.V. (1952). *Kratkoe rukovodstvo k krasnorechiju. Kniga pervaja, v kotoroj sodержitsja ritorika, pokazujushhaja obshhie pravila oboego krasnorechija, to est' oratorii i poezii, sochinemaja v pol'zu ljubjashhih slovesnye nauki* // *Lomonosov M. V. Polnoe sobranie sochinenij / AN SSSR*. M.; L., 1950 – 1983. T. 7: Trudy po filologii 1739 – 1758 gg. M.; L.: Izd-vo AN SSSR, S. 89 – 378.
- 15- Lomonosov M.V. (1952). *Rossijskaja grammatika* // *Lomonosov M. V. Polnoe sobranie sochinenij / AN SSSR*. M.; L., 1950 – 1983. T. 7: Trudy po filologii 1739 – 1758 gg. M.; L.: Izd-vo AN SSSR, S. 379 – 578.

- 16- M.V. Lomonosov v istorii nauki, kul'tury, universitetskogo obrazovanja : materialy Mezhdunar. nauch. konf. (Grodno, 15-16 dek. 2011). Grodno: GrGU im. Ja. Kupaly, 2013. 243 s.
- 17- Makarova L.E. (2014). *Razvitie teorii slovesnosti v russkih ritorikah konca XVIII – nachala XIX veka* (na materiale trudov M.V. Lomonosova, I.S. Rizhskogo, A.F. Merzljakova, N.I. Grecha) // Vestnik Moskovskogo universiteta. Serija 09. Filologija. № 6. S. 76 – 92.
- 18- Patroeva N.V. (2020). *Ritoricheskaja teorija i praktika M.V. Lomonosova v zerkale slovaraj* // Uchenye zapiski Petrozavodskogo gosudarstvennogo universiteta. Tom 42. № 3. S. 78 – 84.
- 19- Patroeva N.V. (2017). *Sintaksis russkoj poezii XVIII veka v svjazi s metrikaj, strofikaj, zhanrom stihotvorenija* // Voprosy jazykoznanija. № 6. S. 20 – 41.
- 20- Ritorika M.V. Lomonosova. SPb.: Nestor-Istorija, 2017. 632 s.
- 21- Svetov V. (1790). *Kratkie pravila ko izucheniju jazyka rossijskogo s prisovokupleniem kratkih pravil rossijskoj poezii ili nauki pisat' stihy, sobrannye iz novejsih pisaniy v pol'zu obuchajushhihsja junoshej*. M., 190 s.
- 22- Sirotnina O.B. (1969). *Porjadok slov v teorii i literaturnoj praktike M.V. Lomonosova* // Oчерki po istorii russkogo jazyka i literatury XVIII v. (Lomonosovskie chtenija). Kazan': Izd-vo Kazansk. un-ta, Vyp. 2 – 3. S. 206 – 214.
- 23- Syrejschikov E.V. (1787). *Kratkaja Rossijskaja grammatika, izdannaja dlja narodnyh uchilishh Rossijskoj imperii po vysochajshemu povelenu carstvujushhija imperatricy Ekateriny Vtoryja*. SPb., 57 s.
- 24- Tynjanov Ju.N. (1927). *Oda kak oratorskij zhanr* // Pojetika: Vremennik Otd. slovesnyh iskusstv Gos. in-ta istorii iskusstv. L.: Academia, 1927. Vyp. III. S. 103 – 128.
- 25- Filippov A.K., Filippov K.A. (2017). «Sie iz#jasnjaju prostym i ves'ma ponjatnym primerom». *Zametki ob osobennostjah stilja ritoricheskijh proizvedenij M.V. Lomonosova* // Indoevropskoe jazykoznanie i klassicheskaja filologija, № 21. S. 819 – 831.
- 26- *Filologicheskoe nasledie M.V. Lomonosova*. SPb.: Nestor-Istorija, 2013. 480 s.

**HOW TO CITE THIS ARTICLE**

Burtsev V. (2022). M.V. Lomonosov's Rhetorical Teaching on the Order of Words. *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literatury*, 10(1), 65–82.

**DOI:** <https://doi.org/10.61186/iarll.19.65>

**URL:** <https://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/228>



## آموزه‌های بلاغی م.و. لمانوسف درباره ترتیب کلام

ولادیمیر آناتولیویچ بورتسف<sup>1\*</sup>

دانشیار دانشگاه دولتی ای.ا. بونین یلتس،  
یلتس، روسیه.

(تاریخ دریافت: ژانویه 2022؛ تاریخ پذیرش: فوریه 2022)

### چکیده

مقاله حاضر به نقش آموزه‌های بلاغی لمانوسف در تاریخ زبان، به‌ویژه در وضع قواعد و قانونمند کردن زبان معیار روسی در نیمه اول سده هجدهم می‌پردازد. این موضوع از دریچه آموزه‌های بلاغی م.و. لمانوسف درباره ترتیب کلام که در هر دو کتاب آموزشی وی در حوزه علوم بلاغت ذکر شده است مورد واکاوی و بررسی قرار می‌گیرد. راهنمای مختصر بلاغت (1744) و راهنمای مختصر فصاحت (1748). نظریه ترتیب کلام لمانوسف در مقایسه با نظریات و اصول ترتیب کلام در آثار دستوری زبان روسی اواخر سده هجده و اوایل سده نوزده مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس، ویژگی‌های ارزیابی ترتیب کلام مربوط به هر دوره زمانی در ساختار زبان روسی و کاربرد آن شناسایی می‌شوند. همچنین نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نظریه م.و. لمانوسف درباره ترتیب کلام نه تنها ماهیتی گرامری و دستوری ندارد، بلکه دارای ماهیتی کاملاً بلاغی و سبکی است، که لازمه آن در درجه نخست، بازنگری و تغییر در ساختار زبانی گفتار ادبی در هنگام استفاده از آن برای اهداف بلاغی است.

واژگان کلیدی: م.و. لمانوسف، ترتیب کلام، تاریخ زبان روسی، علوم بلاغی، سخنوری.

1. E-mail: ivburcev@yandex.ru; ORCID: 0000-0001-7987-8518

نوع مقاله: علمی - پژوهشی \* نویسنده مسئول

## **The Literary Image of Dervish in Ivan Bunin and Andrey Bely's Poetics**

**Eltsova Elena Nikolaevna<sup>1\*</sup>**

Associate Professor of Higher Institute of Languages of Tunis,  
Carthage University, Tunis, Republic of Tunisia

**El Hadj Salem Sonia Alievna<sup>2</sup>**

Master of Philology, St. Petersburg State University,  
St. Petersburg, Russia

(date of receiving: December, 2021; date of acceptance: February, 2022)

### **Abstract**

The mysterious East with its representations of Qur'anic and Sufi imagery and allegories was an important conceptual dominant in The Silver Age of Russian poetry. In the present article we analysed the poetic image of Dervish appearing in literary works of Ivan Bunin (traveller's essay "The Bird's Shadow", poems "Temjid", "The Pilgrim", "The Beggar") and in Andrei Bely's travel literature (essay "Dervish", travel notes "African Diary"). Both authors, being influenced by their travels throughout countries of Eastern Muslim at the beginning of the 20th century, succeeded to capture and include in their poetical system not only the geo-ethnographic and cultural component of this region, but also the Sufi-mystical images and allegories. Being both an exotic and ethnographic image, the Dervish represents a symbolic manifestation of high spirituality, one's inner faith in truth, soul-searching and renunciation of the material world in an attempt to merge with the Absolute.

**Keywords:** Sufism, Dervish, Silver Age, Ivan Bunin, Andrey Bely.

---

1. E-mail: elcova-elena@mail.ru; ORCID: 0000-0003-1976-6359 \* Corresponding author

2. E-mail: salemsonia09@gmail.com; ORCID: 0000-0002-7105-8854

## **Образ дервиша в поэтике Ивана Бунина и Андрея Белого**

**Ельцова Елена Николаевна<sup>1\*</sup>**

Доцент, Высший институт языков Туниса, Университет Карфагена,  
Тунис, Тунисская Республика

**Ел Хадж Салем Сония Алиевна<sup>2</sup>**

Магистр филологии, Санкт-Петербургский государственный университет,  
Санкт-Петербург, Россия

(дата получения: декабрь 2021 г.; дата принятия: февраль 2022 г.)

### **Аннотация**

В поэтике Серебряного века одной из концептуальных доминант выступает образ Востока, представленный в коранических и суфийских образах и аллегориях. В рамках данной статьи рассмотрен образ дервиша на примере произведений Ивана Бунина (путевой очерк «Тень птицы», стихотворения «Тэмджид», «Пилигрим», «Нищий») и Андрея Белого (очерк «Дервиш», путевые заметки «Африканский дневник»). Оба автора, посетившие страны мусульманского Востока в начале XX века, выразили в художественной системе своих произведений (как в прозе, так и в поэзии) не только геоэтнографическую и культурную составляющую этого региона, но и суфийско-мистические образы и аллегории. Из разряда экзотико-этнографического образ дервиша получает символическое воплощение высокой духовности, внутренней веры человека в истину, поиска себя, отрешения от материального мира с целью слияния с Абсолютом.

**Ключевые слова:** Суфизм, Дервиш, Серебряный Век, Иван Бунин, Андрей Белый.

---

1. E-mail: elcova-elena@mail.ru; ORCID: 0000-0003-1976-6359 \* Ответственный автор

2. E-mail: salemsonia09@gmail.com; ORCID: 0000-0002-7105-8854

## Введение

Одной из концептуальных доминант осмысления образа Востока в русской художественной культуре и литературе выступает образ дервиша – последователя суфийского учения тариката (с араб. *طريقه* «дорога, путь»), мистико-аскетического течения в исламе, проповедующего аскетизм и глубокую духовность, особый метод мистического познания Истины (Ислам 1991. 224). В значении «путь к истине» это слово встречается в суре «Пески»: «Они сказали: «О народ наш! Мы слышали книгу, ниспосланную после Мусы, подтверждающую истинность того, что ниспослано до него; она ведет к истине и к прямому пути»» (46: 29) (Коран 1998. 434) Последователи тариката, называя себя дервишами, выражали этим идею отречения от всех мирских благ и становились нищенствующими бродячими, аскетами, людьми «не от мира сего», желающими постичь истинный путь.

Войдя в русскую литературу с XVIII века в качестве этнографической детали, образ дервиша получает особое символическое воплощение в литературе Серебряного века, одном из значительных явлений философской и культурной жизни России рубежа веков. В поэзии и прозе Николая Гумилева, Ивана Бунина, Андрея Белого, Велимира Хлебникова и других авторов представлено не только описание дервишей, их ритуальных танцев, но и осмысление этого мистического учения.

Мотив дервишества как модель поведения и концепт в качестве самостоятельной темы исследования был заявлен Н.А. Томиловой (Томилова 2014). В публикациях, посвященных ориентализму Серебряного века, зачастую внимание уделяется образу дервиша в поэтике Николая Гумилева (Концова 2003; Слободнюк 1994 и т.д.).

В рамках данной статьи обратимся к рассмотрению образа дервиша как концептуальной доминанты образа Востока в поэтике Серебряного века на примере произведений Ивана Бунина (путевой очерк «Тень птицы»,

стихотворения «Тэмджид», «Пилигрим», «Нищий») и Андрея Белого (очерк «Дервиш», путевые заметки «Африканский дневник»). Оба автора, посетившие страны мусульманского Востока в начале XX века, не только запечатлели в образной структуре своих произведений (как в прозе, так и в поэзии) геоэтнографическую и культурную составляющую этого региона, но и выразили коранические смыслы и символику. Образ дервиша рассматривается исследователями в путевых очерках И. Бунина «Тень птицы» в рамках художественного воплощения темы Востока (Романова 2017; Таирова 2020), но при этом опускаются его поэтические воплощения. Исследований, обращенных восточному тексту А. Белого, практически нет (Ельцова, Мулахи 2016). Предложенная в данной статье тема предлагает рассмотрение философско-эстетического и художественного воплощения образа дервиша в произведениях И. Бунина и А. Белого в сопряжении с концептуальными смыслами Корана и исламской культуры. Методологической основой изучения заявленных произведений являются элементы литературоведческого и лингвокультурного подходов.

### **Основная часть**

Диапазон духовных поисков И. Бунина и А. Белого привел к поездкам по странам мусульманского Востока, к знакомству с историей, культурой, религией посещаемых стран, что нашло глубокое преломление в их творчестве. Коранические мотивы в совокупности с суфийским религиозным учением оказали большое влияние на концептуализацию Востока и отражение коранических смыслов и символов в художественном мире рассматриваемых авторов, отличающихся от аналогичных образов и мотивов в произведениях других авторов Серебряного века.

Первое путешествие И. Бунина состоялось в 1903 г. в Турцию, а в 1907-1910 гг. — по странам арабского Востока (Египет, Сирия, Палестина,

Джибути, Алжир, Тунис, Ливан, Судан). В.Н. Муромцева-Бунина вспоминает, что перед первой поездкой в Турцию «он в первый раз целиком прочел Коран, который очаровал его, и ему хотелось непременно побывать в городе, завоеванном магометянами, полном исторических воспоминаний...» (Муромцева-Бунина 1989. 219). Вероятнее всего, по мнению исследователей, поэт пользовался Кораном, изданным в 1901 г. в переводе с арабского на французский переводчиком при французском посольстве в Персии М. Казимирским, а с французского на русский – А. Николаевым (Таирова 2020. 154). Среди суфийских сочинений И. Бунина привлекала книга «Тезкират Саади», содержащая описание жизненного и творческого пути персидского поэта и мыслителя Саади (1203–1291) и его поэму «Гулистан». «Следуя мудрости персидского поэта, он называл свое поэтическое творчество «чеканом», «следом» – бесконечно малым «следом» в культурной «цепи Человечества» (Сафиулина 2021. 216). Эта увлеченность религиозными учениями Востока становится источником духовных исканий самого И. Бунина и создания поэтических произведений о мире арабо-мусульманской культуры и цикла рассказов «Тень птицы» (1907–1911).

В числе восточных и коранических образов в прозе и поэзии И. Бунина представлен образ дервиша. Во время своего первого посещения Константинополя в 1903 г. писатель стал очевидцем одного из суфийских ритуалов – «мучительно-сладостных мистерий Кружащихся Дервишей» (Бунин 2006. 389), описание которых отразилось в цикле путевых очерков «Тень птицы» (1907). «Вертящийся» танец имеет свое ритуальное название – «сема» или «мевлевийские радения». Суфийский орден Мевлеви был основан в XIII веке поэтом-суфием Джелал-ад-Дином Руми. «Танец дервишей», «суфийское кружение» является одним из элементов сложного ритуала, когда дервиш на протяжении длительного времени всем туловищем вращается в одну сторону, обычно против часовой стрелки. Это древняя практика молитвы

в движении, основанная на повторении имени Бога и направленная на очищение сознания и осознание вселенской любви.

И. Бунин подробно описывает внешний вид дервишей, их безголосое общение с наставником, проводником по мистическому пути познания, ритуальность танца, начинающегося с молитвы шейха-настоятеля «во славу Богу» до «исчезновения в Боге и вечности»: «Шейх, медленно повышая жалобный, строгий и печальный голос, начал молитву, флейты внезапно подхватили ее на верхней страстной ноте – и в тот же миг, столь же внезапно и страстно, дервиши ударили ладонями в пол с криком во славу Бога, откинулись назад – и снова ударили» (Бунин 2006. 389). Бунинский герой-повествователь обращает внимание и на смену одеяний дервишей (черных на белые), которая в суфизме имеет особое символическое толкование – смерть и воскресение: «Кончив же поклоны, быстро скинули мантии, остались в белых юбках и белых кофтах с длинными широкими рукавами – и закружились в танце» (Там же. 390). Этот ритуальный танец как духовный путь освобождал дух от тяжести телесного, вел от чувственного к духовному, мистическому, воплощался в «голосе флейт, жалобная печаль которых уже перешла в упоение этой печалью», в бледности лиц «белых крестов-вихрей», приближалось страшное и сладчайшее «исчезновение в Боге и вечности» (Там же). Колористические и цветовые эпитеты вносят в образную систему произведения яркость и философско-эстетическое восприятие самого действия. В повествовании И. Бунина выделяет несколько экстатических элементов суфийской практики слияния с Абсолютом: «опьянение», «вино и хмель»: «Этот вихрь вкрут шейха зародился там, в этой дали: в мистериях индусов, в таинствах огнепоклонников, в «расплавке» и «опьянении» суфийства с его мистическим языком, в котором под вином и хмелем разумелось упоение божеством» (Там же. 390). В экстатических мистериях дервишей, их тоске по Богу Бунин усматривал глубокое понимание суфиями природы «жизни» и

«смерти». Очерк о танцующих дервишах заканчивается ссылкой на изречение Саади: «И опять мне вспоминаются слова Саади, “употребившего жизнь свою на то, чтобы обозреть Красоту Мира”» (1907) (Там же. 390). Философско-эстетическое восприятие ритуального танца дервишей приводят героя-повествователя к саморефлексии и духовному откровению.

Другая встреча с мистериями дервишей легла в основу стихотворения «Тэмджид» (1905). Во время прогулок по Константинополю «в старом городе Скутари» Бунин стал очевидцем совершения ночного ритуала дервишей суфийского ордена Джелвети на башне Махмуд-эфенди, который состоял в исполнении особого молитвенного песнопения (тэмджид) – молитвы о тех, кто не смог по каким-то причинам уснуть. Но этот «грустный и задумчивый» «древний гимн» дарует человеку не просто благодатный сон, а благословенный Богом. Взгляды и мольбы неспящих обращены к Богу, знающему, что стезя земная «тяжела, темна». Квинтэссенция тэмджида заявлена в эпиграфе и в последних строках стихотворения: «Спите, спите! Он не спит, не дремлет, / Он вас помнит, милосердый Бог» (Бунин 2006. 146). Это перифраз строки из суры «Корова» (2:256): «Аллах – нет божества, кроме Него, живого, сущего; Не овладевает им ни дремота, ни сон; Ему принадлежит то, что в небесах и на земле» (Коран 1998. 35). Такое кольцевое обрамление стиха кораническими откровениями вносят в канву поэтического текста общечеловеческие ценности.

Суфийские мотивы прослеживаются и в стихотворениях «Пилигрим» (1906-1910) и «Нищий» (1907). Портрет молящегося старика-пилигрима занимает центральное место в стихотворении «Пилигрим» (Бунин 2006. 247). Расстелив коврик на палубе корабля, странствующий старик начинает вечернюю молитву. Руки героя, распростертые в молитвенной позе, устремлены в туманную и зыбкую мглу. Мечты набожного героя о посмертном вознаграждении души сравниваются с заветной монетой, которую

нищий пилигрим надежно спрятал в своих лохмотьях: «Как раб хранит заветный грош в заплате, / Хранит душа одну мечту — о плате / За труд земной — и все скупей, скупей». В третьем катрене облик путника-богомольца уподобляется птицам (орлу, сове), но силу его пронзительного взгляда смягчила вдохновенная молитва: глаза пилигрима устремлены к цели путешествия – синему горизонту святой земли. «Орлиный клюв, глаза совы, но кротки / Теперь они: глядят туда, где синь / Святой страны, где слезы звезд — как четки / На смуглой кисти Ангела Пустынь. / Открыто все: и сердце и ладони... / И блещут, блещут слезы в небосклоне». Бунин создает суфийско-мистическую аллегорию, изображающую сакральность места. Небесные тела сравниваются с бусинами четок, которые держит в смуглых руках божественный вестник. Образ Ангела Пустыни не раскрыт: упоминание о пустыне позволяет соотнести его прообраз с пророком Яхья сыном Захарии (Иоанн Предтеча), жившем в пустыне аскетом, проповедовавшим и совершавшим священные омовения для очищения от грехов и покаяния. Концовка стихотворения описывает и позу, и внутреннее состояние пилигрима, находящегося на пути познания Истины.

Эпиграфом к стихотворению «Нищий» (1907) выступает аят из суры «Гора»: «И ночью прославляй Его и при обратном движении звезд» (52:49) (Коран 1998. 454). Особой привязкой к восточной местности в стихотворении выступает «Гермон», русифицированное название горного массива Джебель аль Шейх в Сирии, с вершины которого можно увидеть рассвет. В поэтическом тексте ярко представлены и любовь к богу, занимающая одно из центральных мест в учении исламских мистиков, и восприятие Абсолюта как творца. Суфийское отрешение от внешнего мира, аскеза, дают нищему / паломнику ощущение счастья, восхваление нового дня: «А потом, счастливый, босоногий, / С чашкой сядь под ивовый плетень: / Мир идущим пыльной дорогой! / Славьте, братья, новый божий день» (Бунин 2006. 204).

Коранические мотивы в совокупности с суфийскими учениями оказали большое влияние на концептуализацию Востока в художественном мире И. Бунина. Впечатление от ритуального кружения дервишей, молитв получают в творчестве И. Бунина глубокое философско-эстетическое осмысление. «Бунин не противопоставляет свое пространство чуж ому. Рисую картины восточного мира, он сосредоточен на нравственных и исторических вопросах. Важным для писателя оказывается восприятие «чужого человека» как «своего» (Яхьяпур, Карими-Мотаххар 2021. 545).

Образ дервиша получает особое художественное воплощение и в североафриканских впечатлениях одного из ярких представителей русской литературы рубежа веков А. Белого (Борис Николаевич Бугаев), посетившего Тунис в 1910 г. Итогом этого путешествия стал цикл путевых заметок «Африканский дневник» (1922), «Путевые заметки: Сицилия и Тунис» (1922), очерки, опубликованные в газетах и журналах, письма, содержащие впечатления от путешествия по Средиземноморью, и в последующем отразились в мемуарной трилогии «Между двух революций» (1934).

Самое первое упоминание А. Белым о дервише встречаются в письме к матери от 27 февраля 1911 г.: «Милая мамочка! Завтра едем из Кайруана в Радес. Какого мы видели великолепного дервиша, очаровывающего кобру (ядовитая змея): молодой, стройный, прекрасный с бледным интеллигентным лицом. <...> Любящий Тебя. Целую. Боря» (Белый 2015. 534). В дальнейшем впечатления от этого события разрастутся – сначала в отдельно опубликованный очерк «Дервиш» в первом альманахе русских и инославянских писателей «Велес» (1912–1913), затем в «Африканском дневнике» (1922), который, в свою очередь, войдет в книгу «Путевые заметки» (1922), а в будущем – в книгу мемуаров «Между двух революций» (1934).

Текстовый ракурс изображения сцены с дервишем будет меняться, в том числе с точки зрения структуры и композиции текста, но при этом все

элементы сюжета сохраняются. Первый текст в альманахе «Велес» был опубликован в виде «монолитного» очерка с одноименным названием «Дервиш». В следующем по хронологии «Африканском дневнике» текст о дервише был разделен на пять небольших глав: «Тонкий соблазн», «Кафе», «Дервиш», «Кобра», «Старинное». Последний текст о дервише вошел в мемуарную книгу «Между двух революций» в виде небольшого очерка под названием «Кайруан».

Встреча А. Белого и его спутницы Аси Тургеневой с дервишем проходит в Кайруане – религиозной столице Туниса, «столице суфизма»: «Кайруан — центр священный; здесь — множество дервишей; каждую пятницу криком и топотом их оглашаются стены мечети; их учат рядам испытаний; и – тайному знанию: резать себя, очаровывать змей и глотать пауков, скорпионов, колючки и стекла <...> именно здесь образуются все Ассауя; кто был в Кайруане, тот может не быть даже в Мекке» (Белый 1991. 342-343). А. Белому и его спутнице сообщают о возможности увидеть легендарную «пляску дервишей». Однако путешественникам не удастся увидеть легендарное суфийское вращение, поскольку они приехали в субботу, а дервиши исполняли свою пляску в мечетях лишь по пятницам. Суфийское вращение найдет свое мистическое преломление в представлении дервиша со змеями. Все участники этого зрелища совершают ряд кругообразных движений: вращает свой жезл дервиш, кружатся (завиваются) змеи. Автор-повествователь описывает эту сцену следующим образом: «Быстро взлетевши широким листом своей плоско приплюснутой шеи, с которой *верт елась* головка, змея полилась черной струйкой на черных извивах»; «...*верт ит ся* жезлик над гадкой головкой» <курсив наш> (Там же. 356).

А. Белый подробно опишет ночной путь в кафе, где и будет происходить действие, и свое ощущение – взлета в небо и свободы от земного и бытового. В очерке «Дервиш» читаем: «...громадные звезды, казалось, упали на плечи

<...> мне чудилось, будто мы пересекаем сам небосвод <...> вселенная казалась теперь ближе, чем следует; земля отступала под тяжестью на нее упавших небес» (Белый 1912–1913. 88). В «Африканском дневнике» этот же эпизод приобретает еще более поэтическое звучание; здесь появляется *мот ив бега*: путешественники в сопровождении проводника Мужество уже не идут, а бегут. Это – как бы «бегство в небеса», от которого захватывает дух и бросает в жар: «...было жарко: громадно расширяясь, алмазы небес упали на плечи бежавшего "Мужества"; чудилось, будто бежим мы по небу. Спустилась Вселенная ниже, чем следует» (Белый 1991. 351).

Дервиш воспринимается А. Белым как некий эстетический идеал: «Разогнулась спина и над нею взлетел шар тюрбана; прыжком грациозной пантеры, серьезный и стройный красавец, не глядя на нас, пролетел на помост рядом с нами; желтоватое, цвета слоновой стареющей кости лицо его, точно точеное, мягким овалом теперь протянулось из нежных своих миндалей и вуалей тюрбана, ...» (Там же. 353). Автор-повествователь сравнит «спокойное благородство» в движениях дервиша с «европейскими красавцами», и сравнение это окажется отнюдь не в пользу последних (Белый 1912-1913. 92). Телесная, видимая красота дервиша обусловлена его духовностью, состоянием отрешенности от мира, просветленностью и безусловной приверженностью добру: «Этот – почти ассауйя: немного познаний еще и окончит он школу <...> вы знаете, кто ассауйя? <...> Тот, кто прошел школу дервишей, кто без вреда может есть скорпионов и саблей резать живот; он – имеет *ист очник т аящейся влаги*, которую он сохраняет для добрых, т аинст венных дел» <курсив наш> (Белый 1991. 353–354). Поэтическая фигура «*ист очник т аящейся влаги*» представляет суфийско-мистическую аллегория. Так, в поэтических миниатюрах поэта-суфия Джелал-ад-Дина Руми образ «воды жизни», которую следует испить, чтобы человеческая душа стала «плодоносной», непосредственно связан с источником живой воды:

«Существует славный канал, / Наполненный Жизни Водюю: / Черпай воду, чтоб плодоносным стать. / Мы пьем воду Хызра» (Джелал-ад-Дин Руми 1997. 23). В суфийском учении вода является символом познания Божества, света, знания, озаренного откровения.

Образ дервиша, постепенно развертываясь перед читателем, отсылает к глубокой древности, почти вечности: «...Такой глухой, глухой, глухой, такой немой; побледневший стоит, опадая овальным лицом, беспредметно надменным; медленно-нежным движением голых оливковых рук поднимает железный свой жезлик <...> вот кисти повисли как лилии; руки бросаются в звуки; лицо <...> каменной маской лицо пронеслось над мешком; иссякло выражение, которое потом вспоминал я в Каире, склоняясь над стеклянную крышкою... в булакском музее...» (Там же. 354–355). Далее этот образ предстает перед нами в образе «кудесника», очаровавшего и подчинившего себе смертельно опасных змей – кобр. Это уже не «убогий заклинатель змей», а Божий избранник; его умение повелевать змеями дано с выше. В очерке «Дервиш» подчеркивается сакральный смысл Божьего дара дервиша; в тексте присутствует, трижды повторяясь, слово «молитва»: «...шейх шепчет ему никому не открытые слова тайных своих *МОЛИТ В*; свято хранит про себя ту *МОЛИТ ВУ* дервиш: никому, никогда, ни за что не откроет он той *МОЛИТ ВЫ* <курсив наш>. (Белый 1912–1913. 95). В «Африканском дневнике» автор отточит эти строки, наполнит их поэтичным звучанием. Они будут написаны ритмизированной прозой и представляют собой почти стихи: в первой реплике – восьмистопным дактилем, во второй – десятистопным амфибрахийем:

– С этой поры повелитель он змей, никогда не подвластный  
змеиным укусам.

– Они его крепко не любят; и часто кидаются, сисясь ужалить;  
ужалить не могут они» (Белый 1911. 355).

В описании А. Белого дервиш – удивительно прекрасное, почти неземное существо, «каменя из камня». В описании же змей доминирует эпитет «гадкие»: «гадкая змея», «гадкая головка», «гаденький хвостик». И здесь возникает определенное противоречие: несмотря на явное отвращение к кобрам и восхищение дервишем, А. Белый наделяет последнего признаками неприятных ему змей, указывая на некую общность между дервишем и кобрами. Так, у дервиша «затейливо змеиная усмешка», пряди волос «как змеи» (Там же. 355). И наоборот, у «гадких» змей такие же «бриллиантовые глаза», как у восхитительного дервиша. В более раннем, очерковом, варианте автор подчеркивает это сходство дервиша со змеей: «его <...> взгляд этих змеиных глаз», «заклинатель змей походил сам на змею» (Белый 1912–1913. 92). В Коране змея упоминается прежде всего в контексте превращения посоха Моисея в змею (7:104; 20:21; 26:31; 27:10; 28:31). Этот символ в исламе «тесно ассоциируется с жизнью и представляет собой el-haуah и жизненный el-hуat, а также El-Hау — одно из важнейших имен Бога, означающее «оживотворение», или то, что дарует жизненное начало; то, что одновременно одушевляет и поддерживает, наделяет жизнью и есть само жизненное начало» (Змея). В этом как бы финальная точка и квинтэссенция суфийского кружения. В «Африканском дневнике» описание части представления дервиша с маленькими змейками увеличивается и получает особое символическое наполнение: «он – точно в длиннейших червях, записавших на белом бурнусе свои крючковатые знаки; и дуги и петли: "алеф", "бэт" и "шин" быстро пишутся малыми тельцами змеек <...> пишется мудро змеиная письменность тайными знаками змеек» (Белый 1991. 356–357). Письмена, начертанные живыми змеиными телами на белом бурнусе (опять-таки в результате круговых, «суфийских» движений – дуги, петли), отсылают нас к неким изначальным основам бытия: Алеф – абсолютное существо, чистое существование без каких-либо условий; Шин – чистая сила, не ограниченная

какой-либо целью и способная приводить в действие любой результат; Бет – канал для того, чтобы направить (Шин) поток существования (Алеф). Бет может быть описан как способ действия, путь следования, сосуд для Жизни, который открыт с обоих концов (См.: Костенко 2003. 11–14, 16-18, 101–104). Именно такое впечатление складывается у автора-повествователя, который по окончании представления скажет: «Таким он зажил в нашей памяти; мумией фараона Рамсеса Второго; казалось, *что о вет ер <...> нечеловеческим что о-т о ему рассказал языком: о древнейших мирах*» <курсив наш> (Белый 1991. 358).

Хаотическое движение, полет и кружение прекращаются, змеи спрятаны обратно в мешок. Вслед за «шевелиющимся хаосом» воцаряется гармония – как в окружающем пространстве, так и в облике самого дервиша: «Темный хаос уже шевелился под этим худым, беспристрастным, бесстрастным лицом теперь древнего дервиша: тысячелетие лихо летело и плакало в черном безумии звукам отдавшихся глаз; и ярчайший алмаз – прокипел под зрачками, под ликом, холодным, как чистая льдинка...» (Белый 1991. 354–355). Представление дервиша — некий толчок, стимулирующий зрителя (в данном случае — автора-повествователя заметок) перевести взгляд с внешнего иллюзорного мира в глубину своей души. Фараон Рамсес Второй, в сознании автора уже неотделимый от дервиша, побуждает его к тому же действию: «Видел в Египте я облик Рамзеса II; когда я склонился к нему, распростертому под стеклянным, сквозным колпаком, наблюдая белевшие зубы, сквозившие между сухими губами, — он мне усмехнулся:

– Ты – помнишь?

– Познай себя! (Там же. 432).

Представление со змеями с его многочисленными вращательными движениями было полноценной ритуальной заменой традиционной «пляски дервишей», а «миротворный гений» привел в равновесие не только

пространство кафе, где происходило действие, но и пространство души зрителей, в частности, автора. В будущем А. Белый будет вспоминать дервиша как эталон вдохновения и высокой духовности, который будет сопровождать его на протяжении всей жизни.

### **Заключение**

В художественном мире Ивана Бунина и Андрея Белого восточные образы и коранические мотивы играют особую роль. Приобщившись к суфийскому действу, авторы соприкоснулись с основами особого мистического учения, оказавшего философско-эстетическое воздействие на их мировоззрение и духовные установки. Отсюда образ дервиша приобретает особое символическое наполнение и концептуализацию. В поэтике И. Бунина дервиш – символ внутренней веры человека в истину, стремления экстатического слияния с Абсолютом. Дервиш А. Белого из разряда экзотико-этнографического образа получает символическое содержание связи времен и познания себя. Колористическая и звуковая лексика, используемая художниками слова в передаче своих впечатлений от суфийского действия, создают необычайную яркость в создании образа дервиша. Восприятие культурных и религиозных реалий Востока (Константинополя у И. Бунина, Туниса у А. Белого) приводит к духовному поиску и саморефлексии.

### **Литература**

- 1- Белый А. (1912-1913). *Дервиш (Из пут евых замет ок)* // Велес. Первый альманах русских и инославянских писателей. Петроград. С. 85-103.
- 2- Белый А. (2015). *Пут ешест вие по Средиземноморью*. Москва: Изд-во журнала «Москва».
- 3- Белый А. (1991). *Африканский дневник* / публ. текста С. Воронина // Российский Архив: История Отечества в свидетельствах и документах XVIII-XX вв. Альманах. Москва: Студия ТРИТЭ: Рос. Архив. Т.1. С. 327-454.

- 4- Белый А. (1990). *Между двух революций*. Москва: Художественная литература.
- 5- Бунин И. (2006). *Полное собрание сочинений. В 13 т., Т. 1. Стихотворения (1888-1911); Рассказы (1892-1901)*. Москва: Воскресенье, 2006.
- 6- Бунин И. (2006). *Полное собрание сочинений. В 13 т., Т. 3. Повести и рассказы (1911-1914); Тень Птицы (1907-1911)*. Москва: Воскресенье, 2006.
- 7- Джалал-ад-Дин Руми. (1997). *Сокровища воспоминания. Суфийская поэзия*. Перевод Л. Тираспольского. Москва: Информационно-издательская фирма Диас ЛТД.
- 8- Ельцова Е.Н, Мулахи С. (2016). «Араб есть цветок...»: геокультурный образ Туниса в путевых заметках Андрея Белого // Русский язык за рубежом. № 3. С. 96-103.
- 9- Змея. // *Краткая энциклопедия символов*. URL: <http://www.symbolarium.ru/index.php/%D0%97%D0%BC%D0%B5%D0%B9> (дата обращения 30.12.2021).
- 10- *Ислам*. (1991). Энциклопедический словарь. Москва: Наука.
- 11- Костенко А. (2003). *Двадцать две священные буквы*. Киев: «Ника-Центр»
- 12- *Коран*. (1998). Пер. И.Ю. Крачковского. Ростов-на-Дону: Феникс.
- 13- Концова Е.В. (2003). *Своеобразие поэтики «Восток» в лирике Серебряного века (К. Бальмонт, Н. Гумилев, В. Хлебников)*. Дисс. ... канд. филол. наук: 10.01.01. Воронеж.
- 14- *Мифологический словарь*. (1990). Под ред. Е. М. Мелетинского. Москва: Советская энциклопедия.
- 15- Муромцева-Бунина В. (1989). *Жизнь Бунина. Беседа с памятью*. Москва: Советский писатель.
- 16- Романова К.С. (2017). *Рецепция культуры урн и религиозных реалий Востока в путевых очерках Теофиля Готье «Константинополь» и И.А. Бунина «Тень птицы»* // Вестник Костромского государственного университета. № 3. С. 99-102.
- 17- Сафиулина Р.М. (2021). *Эклектика Саади в творчестве И. Бунина и К. Паустовского* // Исследовательский Журнал Русского Языка и Литературы. 9 (2). С. 211-224. DOI: 10.52547/iarll.18.211. URL: <https://journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/206>
- 18- Слободнюк С.Л. (1994). *Элементы восточной духовности в поэзии Н. С. Гумилева* // Николай Гумилев. Исследования и материалы. Библиография. Санкт-Петербург: Наука.
- 19- Таирова И.А. (2020). *Суфийская символика в поэзии и прозе И.А. Бунина* // Осенние коммуникативные чтения – 2018. Т. 2. Сборник материалов / Сост. О.Ю. Иванова. Москва: РУСАЙНС. С. 154 -164.

- 20- Томилова Н.А. (2014). *Мот ив дервишест ва в русской лиг ерат уре (на мат ериале т ворчест ва Сухбат а Афлат уни, Тимура Зульфикарова, Александра Илического)*. Автореферат дисс. ... канд. филол. наук: 10.01.01. Институт гуманитарных наук Московского городского педагогического университета. Москва.
- 21- Яхьяпур М., Карими-Мотаххар Дж. (2021). *Иван Бунин и вост очная мист ика // Quaestio Rossica*. Т. 9. 2021. № 2. С. 533–546. DOI 10.15826/qr.2021.2.594. URL:[http://www.intelros.ru/pdf/Quaestio%20Rossica/2021\\_02/9.pdf](http://www.intelros.ru/pdf/Quaestio%20Rossica/2021_02/9.pdf)

### Bibliography

- 1- Belyj A. (1912-1913). *Dervish (Iz putevyh zametok) // Veles*. Pervyj al'manah russkikh i inoslavjanskikh pisatelej. Petrograd. S. 85-103. [In Russian].
- 2- Belyj A. (2015). *Puteshestvie po Sredizemnomor'ju*. Moskva: Izd-vo zhurnala «Moskva». [In Russian].
- 3- Belyj A. (1991). *Afrikanskij dnevnik / publ. teksta S. Voronina // Rossijskij Arhiv: Istorija Otechestva v svidetel'stvah i dokumentah XVIII-XX vv. Al'manah*. Moskva: Studija TRITJe: Ros. Arhiv. T.1. S. 327-454. [In Russian].
- 4- Belyj A. (1990). *Mezhdv dvuh revoljucij*. Moskva: Hudozhestvennaja literatura. [In Russian].
- 5- Bunin I. (2006). *Polnoe sobranie sochinenij. V 13 t., T. 1. Stihotvorenija (1988-1911); Rasskazy (1892-1901)*. Moskva: Voskresen'e, 2006. [In Russian].
- 6- Bunin I. (2006). *Polnoe sobranie sochinenij. V 13 t., T. 3. Povesti, rasskazy (1911-1914); Ten' Pticy (1907-1911)*. Moskva: Voskresen'e, 2006. [In Russian].
- 7- Dzhahal-ad-Din Rumi. (1997). *Sokrovishha vospominanija. Sufijskaja poezija*. Perevod L. Tiraspol'skogo. Moskva: Informacionno-izdatel'skaja firma Dias LTD. [In Russian].
- 8- El'cova E.N, Mulahi S. (2016). «Arab est' cvetok...»: *geokul'turnyj obraz Tunisa v putevyh zametkah Andreja Belogo // Russkij jazyk za rubezhom*. № 3. S. 96-103. [In Russian].
- 9- *Zmeja*. // Kratkaja jenciklopedija simbolov. URL: <http://www.symbolarium.ru/index.php/%D0%97%D0%BC%D0%B5%D0%B9> (data obrashhenija 30.12.2021). [In Russian].
- 10- *Islam*. (1991). Jenciklopedicheskij slovar'. Moskva: Nauka. [In Russian].
- 11- Kostenko A. (2003). *Dvadcat' dve svjashhennye bukvy*. Kiev: «Nika-Centr». [In Russian].
- 12- *Koran*. (1998). Per. I.Ju. Krachkovskogo. Rostov-na-Donu: Feniks. [In Russian].

- 13- Koncova E.V. (2003). *Svoeobrazie pojetiki «Vostoka» v literature Serebrjanogo veka (K. Bal'mont, N. Gumilev, V. Hlebnikov)*. Diss. ... kand. filol. nauk: 10.01.01. Voronezh. [In Russian].
- 14- *Mifologicheskij slovar'*. (1990). Pod red. E. M. Meletinskogo. Moskva: Sovetskaja jenciklopedija. [In Russian].
- 15- Muromceva-Bunina V. (1989). *Zhizn' Bunina. Beseda s pamjat'ju*. Moskva: Sovetskij pisatel'. [In Russian].
- 16- Romanova K.S. (2017). *Recepcija kul'turnyh i religioznych realij Vostoka v putevyh ocherkah Teofilja Got'e «Konstantinopol'» i I.A. Bunina «Ten' pticy»* // Vestnik Kostromskogo gosudarstvennogo universiteta. № 3. S. 99-102. [In Russian].
- 17- Safiulina R.M. (2021). *Jeklektika Saadi v tvorcestve I. Bunina i K. Paustovskogo* // Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Jazyka i Literatury. 9(2). S. 211-224. DOI: 10.52547/iarll.18.211. URL: <https://journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/206> [In Russian].
- 18- Slobodnjuk S.L. (1994). *Jelementy vostochnoj duhovnosti v poezii N. S. Gumileva // Nikolaj Gumilev. Issledovanija i materialy. Bibliografija*. Sankt-Peterburg: Nauka. [In Russian].
- 19- Tairova I.A. (2020). *Sufijskaja simbolika v poezii i proze I.A. Bunina* // Osenne kommunikativnye chtenija – 2018. T. 2 / Sost. O.Ju. Ivanova. Moskva: RUSAJNS. S. 154 -164. [In Russian].
- 20- Tomilova N.A. (2014). *Motiv dervishstva v russkoj literature (na materiale tvorcestva Suhbata Aflatuni, Timura Zul'fikatorova, Aleksandra Ilicheskogo)*. Avtoreferat diss. ... kand. filol. nauk: 10.01.01. Institut gumanitarnyh nauk Moskovskogo gorodskogo pedagogicheskogo universiteta. Moskva. [In Russian].
- 21- Jah'japur M., Karimi-Motahhar Dzh. (2021). *Ivan Bunin i vostochnaja mistika* // Quaestio Rossica. T. 9. № 2. S. 533–546. DOI 10.15826/qr.2021.2.594. URL: [http://www.intelros.ru/pdf/Quaestio%20Rossica/2021\\_02/9.pdf](http://www.intelros.ru/pdf/Quaestio%20Rossica/2021_02/9.pdf) [In Russian].

#### HOW TO CITE THIS ARTICLE

Eltsova, E. & El Hadj, S. (2022). The Literary Image of Dervish in Ivan Bunin and Andrey Bely's Poetics. *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literatury*, 10(1), 83–101.

**DOI:** <https://doi.org/10.61186/iarll.19.83>

**URL:** <https://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/227>



## تصویر درویش در اشعار ایوان بونین و آندری بئلی

یلنا نیکالایونا یلتسووا<sup>1\*</sup>

دانشیار، انستیتوی عالی زبان‌های دانشگاه کارفاگن،

تونس، جمهوری تونس.

سنیه بنت علی الحاج سالم<sup>2</sup>

کارشناس ارشد فیلولوژی، دانشگاه دولتی سن پیتربورگ،

سن پیتربورگ، روسیه.

(تاریخ دریافت: دسامبر 2021؛ تاریخ پذیرش: فوریه 2022)

### چکیده

یکی از مهمترین مضامین و مفاهیم غالب در اشعار عصر نقره‌ای، تصویر شرق است که در قالب تصاویر و تمثیل‌های قرآنی و صوفیانه ارائه شده است. مقاله حاضر به بررسی و مطالعه تصویر «درویش» در نمونه‌هایی از آثار ایوان بونین (سفرنامه «سایه پرنده»، اشعار «تمجید»، «زائر»، «گدا») و آندری بئلی (اثر «درویش»، یادداشت‌های سفر «خاطرات آفریقا») می‌پردازد. هر دو نویسنده که در آغاز سده بیستم به کشورهای اسلامی مشرق‌زمین سفر کردند، در نظام ادبی آثار خود (چه در آثار منشور و چه در آثار منظوم) نه تنها به تبیین مؤلفه ژئوتنوگرافیک (قوم‌نگاری) و فرهنگی این مناطق پرداختند، بلکه تصاویر و تمثیل‌های صوفی و عرفانی را نیز از آنها ارائه نمودند که از «درویش» تصویری اگزوتیک به‌عنوان تجلی نمادین بالاترین سطح از معنویت، ایمان درونی انسان به حقیقت، جستجو و شناخت خود، چشم‌پوشی از دنیای مادی برای رسیدن و وصال به کمال مطلق معرفی می‌کنند.

واژگان کلیدی: تصوف، درویش، عصر نقره‌ای، ایوان بونین، آندری بئلی.

1. E-mail: elcova-elena@mail.ru; ORCID: 0000-0003-1976-6359 \* نویسنده مسئول

2. E-mail: salemsonia09@gmail.com; ORCID: 0000-0002-7105-8854 نوع مقاله: علمی - پژوهشی



## Specific Features of Everyday Dialogic Speech

Putina Olga Nikolaevna<sup>1\*</sup>

Senior Teacher, Perm State National Research University,  
Perm, Russia.

(date of receiving: January 2022; date of acceptance: February, 2022)

### Abstract

The focus of the article is on the peculiarities of Russian everyday dialogic speech. The aim of the article is to describe the specific features of dialogic speech. The object of the analysis is the dialogic unit. Everyday dialogic speech is characterized by the interaction of mutually directed intentions of communicants. In this case, the dialogue is a sequence of speech moves, which consist of specific speech techniques. Speech techniques are defined as lines, consisting of different statements, used in order to have a certain impact on the partner in communication. Dialogic units are chosen as material of the research as they are typical for everyday dialogic speech in the Russian language. The article concludes that the dialogue can be considered as two ambivalent clusters - conflict or cooperation. The main specificity of dialogic speech lies in its motivation, mutual directionality, emotional coloring and situational conditionality. The article analyzes and describes the speech techniques and moves of dialogic speech using examples from corpora.

**Keywords:** Dialogue, Dialogic Speech, Dialogic Unit, Dialogic Discourse of Everyday Life, Speech Move.

---

1. E-mail: onputina@mail.ru; ORCID: 0000-0001-8050-8856 \* Corresponding author

## Специфика повседневной диалогической речи

Путина Ольга Николаевна<sup>1\*</sup>

Старший преподаватель,  
Пермский государственный национальный исследовательский университет,  
Пермь, Россия.

(дата получения: январь 2022 г.; дата принятия: февраль 2022 г.)

### Аннотация

В фокусе внимания автора статьи находятся особенности повседневной диалогической речи на примере русского языка. Целью статьи является описание специфики диалогической речи. Объектом анализа является диалогическое единство. Повседневная диалогическая речь характеризуется взаимодействием взаимонаправленных интенций коммуникантов. В этом случае диалог представляет собой последовательность речевых ходов, которые состоят из конкретных речевых приемов. Речевые приемы определяются как реплики, состоящие из различных высказываний, употребляемых с целью оказать определенное воздействие на партнера по коммуникации. В качестве материала исследования выступают диалогические единства, типичные для повседневной речи русского языка. В статье сделан вывод о том, что диалог может рассматриваться как два амбивалентных кластера – конфликт или кооперация. Особенности диалогической речи заключаются в ее мотивированности, взаимонаправленности, эмоциональной окрашенности и ситуативной обусловленности. В статье анализируются и описываются речевые приемы и ходы диалогической речи на примерах из корпусов.

**Ключевые слова:** Диалог, Диалогическая Речь, Диалогическое Единство, Диалогический Дискурс Повседневности, Речевой Ход.

---

1. E-mail: onputina@mail.ru; ORCID: 0000-0001-8050-8856 \* Ответственный автор

## **Введение**

Вне зависимости от смыслового содержания реплик повседневная диалогическая речь характеризует коммуникантов многоаспектно, выявляя уровень их образования, общую культуру, социальный статус, профессиональную принадлежность, физиологические данные (пол, возраст, состояние здоровья), психологический тип (темперамент, интра/экстравертная ориентация), текущее психологическое состояние (настроение, цели, интересы), степень знакомства, вкусы, пристрастия, привычки, внешний вид т.д. Вышеперечисленные факторы можно назвать факторами речевого общения, и их наличие и проявление еще раз доказывает важность роли конкретного человека в конкретной реально существующей коммуникации.

Наше исследование посвящено описанию особенностей повседневной диалогической речи русского языка. Для изучения исследования данного аспекта нам необходимо обратиться к таким базовым понятиям как диалог, диалогическая речь, диалогическое единство, диалогический дискурс повседневности, конфликт, кооперация, а также проанализировать взаимодействие интенций, речевые ходы и речевые приемы, типичные для повседневной речи русского языка. В Новом словаре методических терминов и понятий (теория и практика обучения языкам) *диалогическая речь* противопоставляется монологической и определяется как «форма речи, при которой происходит непосредственный обмен высказываниями между двумя или несколькими лицами» (Азимов, Щукин 2009. 60-61). Основной единицей диалогической речи является *диалогическое единство* (микродиалог), состоящее из двух и более реплик, связанных по содержанию и по форме (Азимов, Щукин 2009. 61). Что касается понятий *кооперация* и *конфликт*, политолог А.В. Зайцев рассматривает их как амбивалентные кластеры диалога (Зайцев 2016. Эл. ресурс). *Кооперация* характеризуется как сотрудничество, согласие, путь к консенсусу, поиск компромисса, процесс достижения

взаимопонимания, практика общих действий и совместных дел. Примерами коопераций могут быть следующие диалоги:

- Слушай, а это подходящее место, чтобы жить там с семьей?

- Ну, это сложный вопрос... Уже поздно, давай будем спать.

- Как скажешь. Тогда завтра договорим (AdMe).

- Мне очень понравился мультфильм «Унесенные призраками». Миядзаки придумывает какие-то вроде как и пугающие образы и сюжеты, но очень притягательные и завораживающие почему-то.

- Действительно, мультфильм никак не обязывает, можно смотреть и не переживать за героев, а просто смотреть ради наслаждения (НКРЯ).

В отличие от кооперации конфликт рассматривается как неуспешная коммуникация, конкуренция, борьба мнений, споры, ссоры, распри, дразги, манипуляции и т.д. (Зайцев 2016. Эл. ресурс). В качестве конфликтных диалогов приведем следующие примеры:

- Может, познакомимся?

- У меня есть парень.

- У тебя нет фотографий с парнем, так и скажи, что просто не хочешь знакомиться.

- Ну ладно, да. Я просто не хочу знакомиться с человеком, у которого нет дома, и он живет на улице.

- Аха-ха, а кто сказал, что у меня нет дома?

- Ну у тебя же нет фоток с ним (Adme).

- Вы спросили, я вам кинула ссылки. Прекрасно знаю про цену ПО. Поэт ому ссылки на уже готовые к работе машинки. Без ПО можно найти такие за 13-14 тысяч. Но смысл?

- Простите, но я не понимаю, как (даже без карантина) можно учиться без ПК? Смотреть что-то на смартфоне - это же жестко... Стоять в очереди, чтобы что-то найти, посмотреть по учебке... мягко говоря, неудобно. Впереди, скорее всего, полтора-два месяца учебы дома. И плюс лето. Сейчас столько ресурсов бесплатно открыли - занимайся хоть целый день. А "дорогой" спорт удивил. Если ситуация такая, что при малейшем форс-мажоре приходится обнулять НЗ - значит, распределение бюджета непродуманно. Извините, но это лежит на поверхности и... (НКРЯ).

### **Основная часть**

Диалогическая речь представляет собой поток взаимосвязанных реплик, порождаемых одна другой. Взаимосвязь реплик проявляется во взаимодействии интенций коммуникантов, поэтому диалог как вид межличностного речевого общения представляет собой последовательность определенных речевых ходов, состоящих, в свою очередь, из конкретных речевых приемов. В данном исследовании под *речевыми приемами* понимаются реплики коммуникантов, состоящие из высказываний, употребляемых с целью оказать определенное воздействие на партнера по коммуникации (Волоктин 1990. 53). Примерами *речевых приемов* могут являться различные типы вопросов, сообщения, побуждения, а также самые разные виды ответов.

Определение диалога как вида межличностного общения вполне соответствует духу исследований в области прагмалингвистики, занимающейся изучением использования людьми естественного языка в качестве орудия социального действия и взаимодействия в условиях конкретных ситуаций общения на основе специальной системы правил, постулатов, стратегий. В связи с этим одной из задач прагмалингвистики

может являться определением закономерностей межличностного общения, что влечет за собой необходимость учета широкого круга экстралингвистических факторов, определяющих взаимодействие коммуникантов в процессе общения (интенции, мотивы, интересы, ожидания), а также социальных норм и конвенций, управляющих общением (Васильев 2019, Ларина 2020, Романов 2020).

В XX в. к изучению диалога обращались отечественные классики Ю. М. Лотман (Лотман 1996) и М. М. Бахтин (Бахтин 1996). Ю. М. Лотман был больше сосредоточен на диалогическом обмене текстами, тогда как М. М. Бахтин говорил о диалоге с позиции обобщения. По Ю. М. Лотману, для диалога необходимо, чтобы одна из культур могла «построить» свой внутренний конструкт чужой культуры, с которым она и общается непосредственно: «безразлично, видит ли данная культура в «варваре» спасителя или врага, носителя здоровых моральных качеств или развращенного каннибала, она имеет дело с конструктом, построенным как её собственное перевернутое отражение» (Лотман 1996. 191). Учёный одним из первых обратил внимание на факт развития диалога, на необходимость его оценки во времени, на неоднозначность характеристик диалога на разных стадиях его протекания. М. М. Бахтин относил к диалогу даже переписку ученых, которые никогда не встречались в реальности. Таким образом, переключка идей М. М. Бахтина и Ю. М. Лотмана обладает некоторыми существенными чертами диалога: налицо единство темы, повторения, совпадения, полные и частичные, развитие старых идей и их приложения к другим сферам. Французский лингвист Э. Бенвенист в своей работе «Общая лингвистика» также акцентировал внимание на важности изучения проблемы коммуникации и перспектив её исследования (Бенвенист 1974). В современной теории коммуникации диалог рассматривается в сопоставлении с монологом, характеризуется как текст или дискурс, обладает особым статусом,

характерной структурой, организацией и специфическими средствами связности.

М. Н. Кожина исследовала диалогичность научного текста, который представляет собой «разговор с другим» упоминаемым лицом, идейными и теоретическими противниками и единомышленниками. По характеру отношений между партнерами она выделяет следующие типы диалогов: вопрос-ответ; диалог-унисон; диалог-спор, переход к новой теме; побуждение – ответная реакция (Кожина 1986. 68).

Л. Р. Дускаева в словаре-справочнике «Эффективное речевое общение» определяет диалог как форму речи, состоящую из регулярного обмена высказываниями – репликами между двумя и более говорящими. Диалог представляет собой сложную целостную структуру, состоящую в классическом случае из стимулирующей и ответной реплики, относящихся к основному сегменту диалогов, связанных жёсткими иллокутивными отношениями (например, вопрос – ответ, приказ – выражение согласия и т. п.). Однако в реальном речевом общении выделяется не только первичная, но и вторичная интенции, возникающая под влиянием ситуации и / или контекста. Поэтому в синтаксисе реплик могут наблюдаться самоперебивы, незаконченные фразы, повторы, вставки (Дускаева 2014. Эл. ресурс). Подобным естественным для диалога явлением С. Ю. Тюрина называет прерывание (interruption) – рассогласованием речевых ходов / шагов – противоположное контакту и приводящее к нарушению речевой коммуникации, а также одновременное говорение или накладывание реплик (overlapping), которое можно отнести к стратегии поддержания течения диалога (Тюрина 2008. 221–222).

Итак, в качестве специфических характеристик диалога мы выделяем следующие его черты: свернутость, сжатость текста (как результат генетической связи с внутренней речью); цельность; способность к

смысловому развертыванию; процессуальная, динамическая природа (Сметюк 1994. Эл. ресурс); тематическая связанность; функциональная связанность; информативность; гибкость и изменчивость интенции; непредсказуемость развёртывания (Дускаева 2014. Эл. ресурс); направленность на слушающего; политемность; значительная лаконичность; эмоциональная окрашенность; ситуативность; спонтанность; отсутствие строгой организации; экстралингвистичность.

Разработка теории диалога, а также осуществление системных практических изысканий в этой области являются трудоёмкими и практически непостижимыми, так как «открыть сущность диалога, найти разгадку его тайн – значит постичь сущность человека в его разнообразии» (Демьянков 1991. 36–37).

Одной из характерных черт современной коммуникативной лингвистики является заметное увеличение её диалогической составляющей. Из всех разновидностей дискурса именно диалогический дискурс занимает центральное место, обладая специфическими характеристиками, высокой частотностью, и требует более глубокого изучения, в частности, типологизации. Однако раздел «типология дискурсов» в современной лингвистике разработан очень слабо, что неудивительно – формы дискурса столь же разнообразны, как и формы самой человеческой жизни (Кибрик 2009. 4). Существует множество определений диалогического дискурса. В большинстве из них акцент сделан на такие параметры как естественность, деятельность, активность. «Диалогический дискурс – наиболее естественное проявление языковой активности, форма речевого взаимодействия, превращающая текст в дискурс» (Ермоленкина 2009. 19). «Диалогический дискурс – это тот же текст, но в динамике. Главное отличие диалогического дискурса – наличие активной структуры общения; диалогический дискурс представляет собой постоянно развивающийся и изменяющийся объект

лингвистики, требующий детального изучения» (Кудрявцев 2013. 118–120). Диалогический дискурс может быть охарактеризован как среда и результат межличностного взаимодействия, как неотъемлемый компонент контекста, который включает самые различные аспекты: вербальный и невербальный, историко-культурный, психологический, социальный и др. Диалогический дискурс – понятие многослойное и комплексное, он является «сложным видом речевой деятельности, предполагающим участие когнитивных процессов (ощущения, восприятие, внимание, память, мышление), которые обеспечивают познание внешнего мира и общение собеседников» (Плахотная 2011. 137).

О важности исследований особенностей языка, которые наблюдаются в повседневной речи, в общенародном и разговорном языке писал Ш. Балли в своей работе «Общая лингвистика и вопросы французского языка» (Балли 1955). Наше исследование направлено на изучение диалогического дискурса повседневности, который мы рассматриваем как систему элементов разной степени сложности и комплексности, функционально объединенных в структуру общей концепцией. В отличие от других видов дискурса диалогический дискурс повседневности является наиболее частотным, характеризуется неинституциональными принципами объединения участников, локальностью целей, открытостью тематической структуры, наличием свободных психологических установок участников дискурса, первичностью коммуникативных стратегий и жанров речевого общения, а также особой интертекстуальной активностью и высоким уровнем вариативности (Тубалова 2011. 51–52).

К основным признакам диалогического дискурса повседневности можно отнести: «повторяемость, цикличность, ритмичность событийного наполнения обыденного существования, замкнутость пространств повседневности; консервативность и устойчивость форм культуры; усредненность форм и объектов; массовидность распространения обыденных феноменов;

отнесенность к частной жизни; обывательское поведение (в нейтральном смысле слова) или обыденное сознание. Обыденность связана с отдельной личностью и ее непосредственным окружением» (Рябова 2012. 105)]. В качестве примера диалогического дискурса повседневности можно привести непринужденный разговор находящихся в достаточно близких отношениях людей (родственников, друзей, знакомых, коллег и т. д.), в котором оформляются и переоформляются социальные связи, отношения, чувства, мысли. В таком взаимодействии люди открыто демонстрируют черты характера, выражают свои убеждения, эмоции, влияют друг на друга.

Существуют различные жанры диалогического дискурса повседневности, для описания которых необходимо учитывать такие параметры как модус, жанр, функциональный стиль. Данные параметры являются независимыми друг от друга и дают невероятно сложную комбинаторику различных возможностей (Кибрик 2009. 19). По М. М. Бахтину дискурс подразделяется на первичный, устный (естественный) и вторичный, письменный (воспроизведенный) (Бахтин 1979. 200). В нашей концепции диалогический дискурс повседневности существует как в устном, так и письменном виде. Далее, помимо реального дискурса мы выделяем и виртуальный (электронный), в котором процесс коммуникации происходит за рамками реальной действительности, в виртуальной реальности. Виртуальный дискурс представляет собой своего рода гибрид устно-письменной коммуникации и существует в таких жанрах как электронная почта, социальные сети, чаты, форумы, блоги, микроблоги, комментарии к блогам, программы видеосвязи (видеоконференции, Zoom, Skype, Facetime и др.), ICQ, FAQ, Instagram и т. д.), переписка в мессенджерах, СМС, ММС и т. д., которые могут реализовываться в виде синхронной, асинхронной и синхронно-асинхронной коммуникации. С появлением виртуального дискурса «мир сузился до размеров экрана смартфона, «гаджетизировался», а речь подверглась «коммуникативному

копипейсту: часто люди не пытаются облечь свои мысли в слова, которые выразили бы тончайшие нюансы мыслей, а ищут спасительную клавишу Enter» (Северская 2019. Эл. ресурс). В целом рассуждать о жанровом разнообразии диалогического дискурса повседневности достаточно сложно, так как универсальной теории дискурса на сегодняшний день не существует, а дискурсивный анализ является крайне сложной, мозаичной дисциплиной (Кибрик 2009. 18).

В диалогическом дискурсе важным является понятие *интенции* как коммуникативного намерения, которое связано с *речевыми приемами*, осуществляемыми коммуникантами для того, чтобы достичь определенной цели в общении. Непосредственно в процессе коммуникации *речевые приемы* можно рассматривать как определенные *речевые действия* партнеров. В таком случае коммуникация представляет собой последовательность речевых ходов коммуникантов. Взаимодействием интенций определяется смысл процесса общения в целом.

Каждый диалог характеризуется, как правило, определенным набором речевых приемов. Каждый носитель языка, вступающий в процесс коммуникации, знает или, в крайнем случае, предполагает, *как* действовать и *что* о говорить в данном конкретном случае: как аргументировать свою точку зрения, какие речевые приемы целесообразнее применять при убеждении, как реагировать на вопросы и т.д. По мнению А. П. Чахоян и Ш.А. Паронян данные знания следует рассматривать как часть «обыденных» знаний коммуникантов, определяемых системой носителей языка (Чахоян, Паронян 1989. 69).

Кооперативный диалог реализуется благодаря усилиям обоих коммуникантов, совокупностью их *речевых приемов*. Однако знания правил кооперативного общения часто оказывается недостаточным, поэтому важно учитывать также ситуацию конкретного диалога и такие факторы, как

заинтересованность, осведомленность коммуникантов, их мотивы и желания. Так, например, после побуждения коммуниканта к совершению действия (путем употребления конкретного *речевого приема* – высказывания, реализуемого формой побудительного предложения) перед вторым коммуникантом возникает ситуация выбора ответного хода. Если он при этом оказывается заинтересованным в совершении побуждаемого действия, и его мотивы и желания совпадают с мотивами и желаниями первого коммуниканта, то ответный ход будет выражать согласие, что, соответственно, найдет отражение в конкретно употребляемом *речевом приеме*:

- *Расскаж и мне про Фреда Олсена.*

- *Фред Олсен был т орговцем из Дании. Довольно обеспеченным и очень увлеченным своим делом человеком (НКРЯ).*

Первая реплика данного примера представляет *речевой прием* побуждение, выраженное побудительным предложением. Ответная реплика - *речевой прием*, последовательность повествовательных предложений, содержащих запрашиваемую в данном конкретном случае информацию.

Если коммуникация осуществляется по типу конфликтного диалога, то в таком случае может быть вербально выражен отказ, обоснованный или не обоснованный с помощью аргументов. При этом предполагается использование речевых приемов согласия или отказа:

- *Расскаж и мне. Почему т ы ост ался здесь? Почему не уехал?*

- *Поднял белый флаг.*

- *Давай подробнее. Мне необходимо понят ь.*

- *Ост авь меня в покое (НКРЯ).*

В данном примере первый коммуникант дважды побуждает второго ответить на вопрос. Но так как их интенции не являются

взаимонаправленными, то второй коммуникант выражает свой отказ, не аргументируя его. Речевые приемы побуждения здесь выражены вопросом в сочетании с двумя побудительными предложениями. Речевые приемы отказа - сначала ассоциативным ответом, который не сообщает точной информации, затем - побуждением оставить в покое (выраженным побудительным предложением), демонстрирующим отказ от участия в диалоге. Как видно из обоих примеров, диалоги могут реализовываться в виде кооперации или конфликта и предполагают как *взаимодействие*, так и *прот иводействие* интенций коммуникантов.

Таким образом, понятие *речевой ход* соотносится с понятием *речевой акт*; *речевой ход* представляет собой реализацию коммуникативной тактики. *Речевой прием* - понятие более узкое; это элемент речевой тактики и один из способов ее реализации. Например, один из распространенных приемов - это взятие и удержание слова в споре; этот прием выполняется с помощью следующих речевых средств: повышение громкости и/или тональности (они увеличивается до достижения результата), увеличение темпа речи, повторение начала фразы до тех пор, пока не замолчит собеседник (или до его первой паузы), а когда такая пауза наступает - договаривание фразы до конца с последующим немедленным переходом к развернутому высказыванию. Речевые ходы и приемы нуждаются в дальнейших исследованиях и классификациях, так как описаны они в современной лингвистике весьма фрагментарно (ПРСС 1993. Эл. ресурс).

Речевые ходы коммуникантов в диалоге можно условно поделить на *основные* и *дополнит ельные* (Волоктина 1990. 70-71). *Основной речевой ход* является более значимым, так как в нем часто эксплицитно выражена интенция коммуниканта. Роль *дополнит ельного речевого хода* определяется тактическими задачами коммуникантов в определенной речевой ситуации. Они, как правило, обосновывают, мотивируют, разъясняют, комментируют

основной ход. Функция дополнительного хода зависит при этом от основного хода и от его места в структуре диалога. В некоторых случаях интенция коммуниканта может быть реализована лишь с помощью дополнительного хода. В отличие от основного, дополнительный речевой ход выражает интенцию имплицитно и является, как правило, своеобразным тактическим средством. Каждый цикл диалога состоит из дополнительных и основных речевых ходов, образованных, в свою очередь, *речевыми приемами* коммуникантов. Повтор циклов заканчивается лишь тогда, когда инициатор общения убеждается в успешности коммуникации. Подобным образом каждый из коммуникантов принимает активное участие в воссоздании диалога-кооперации или диалога-конфликта, осуществляемых, соответственно, *взаимодействием* и *прот иводействием* интенций коммуникантов. Далее приведем примеры кооперативных диалогов:

- *Слушай*, у меня к тебе как к студенту, живущему уже четвертый год в общежитии, есть вопрос.
- Закипит – кидай, всплывут – вынимай.
- *Спасибо* (AdMe).

Данный диалог мы относим к кооперативному на основании употребления аттрактивного маркера *слушай* и этикетного маркера *спасибо*, которые настраивают коммуникантов на общую позитивную тональность.

- *Здрав*. Вылезем куда-нибудь?
- Нет. Надо диплом писать.
- Да ладно! Я еще тогда не начинал.
- *Окей*, шассиссию пройду и пошли (AdMe).

Здесь этикетные маркеры *здрав* и *окей* демонстрируют положительный настрой коммуникантов и позволяют отнести диалог к кооперативному.

Следующий диалог мы классифицируем как конфликтный, так как в нем в ответ на побуждение употребляется прием отказа в виде отрицательного высказывания *нет*, а также усиления *тогда* в вопросительной реплике, усиления *точно так же* и повтора *разочаровать* /*разочаровываешь* в ответной реплике:

- Мы с мамой пошли в *McDonald's*.

- Окей, мне *то же* возьмем чизбургер.

- **Нет**.

- Зачем *ты мне тогда* написал, что *вы идете* в *McDonald's*?

- **Чтобы *разочаровать* тебя *точно так же*, как ты *разочаровываешь* меня** (AdMe).

Ниже конфликт актуализируется в приеме отзеркаливание: употребление усилительного союза *а* (2 раза); употребление пояснительной конструкции *ну...ж*; повтор усилительного наречия *реально* (2 раза); повтор фразы *платишь деньги* (2 раза), повтор причастий *существующий/несуществующий* (4 раза):

- **А** куда деньги делись?

- **Ну** я ж за ногти и 2000 от дала.

- Ты **реально платишь деньги**, чтобы наклеить новые ногти на уже **существующие** ногти?

- **А ты реально платишь деньги**, чтобы купить **несуществующее** оружие для **несуществующего** мужика в **несуществующем** мире из твоего компьютерного мира? (AdMe)

### Заключение

Изучение повседневного диалога, образованного конкретными речевыми приемами, напрямую соотносится с исследованием взаимодействия интенций

коммуникантов. Повседневный диалог представляет собой спонтанный, неподготовленный тип речи, где реплики часто неизвестны и непредсказуемы. Повседневная диалогическая речь обладает такими специфическими характеристиками как мотивированность (диалог возникает по какой-либо причине, внутренним или внешним стимулам); адресованность к собеседнику; эмоциональная окрашенность; ситуативность; спонтанность; свернутость, сжатость (как результат генетической связи с внутренней речью); цельность; способность к смысловому развертыванию; динамическая природа; тематическая связанность; функциональная связанность; информативность; непредсказуемость развёртывания; политемность; значительная лаконичность; отсутствие строгой организации; экстралингвистичность. Важным параметром диалога является общая информационная база, результатом наличия или отсутствия которой является, соответственно, продуктивность диалога (кооперация) или его неуспех (конфликт).

### Литература

- 1- Азимов Э.Г., Щукин А.Н. (2009). *Новый словарь мет одических т ерминов и понят ий (т еория и прак тика обучения языкам)*. М.: Издательство ИКАР, 448 с.
- 2- Балли Ш. (1955). *Общая лингвист ика и вопросы французского языка*. М.: Изд-во иностранной литературы, 416 с.
- 3- Бахтин М.М. (1996). *Собрание сочинений: в 5 т., Т. 5. Работы 1940-х – начала 1960-х годов*. М.: Русские словари, 181 с.
- 4- Бахтин М.М. (1979). *Эст ет ика словесного т ворчест ва* / Сост. С.Г. Бочаров, примеч. С. С. Аверинцев и С.Г. Бочаров. М.: Искусство, 423 с.
- 5- Бенвенист Э. (1974). *Общая лингвист ика* / Пер. с фр., вступ. ст. Ю. С. Степанова. М.: Прогресс, 448 с.
- 6- Васильев Л.Г. (2019). *Приближ ение к диалогу: сист емно-прагмалингвист ическая инт ерпрет ация* // Языковой дискурс в социальной практике. Сборник научных трудов Международной научно-практической конференции. 29–30 марта 2019 г. Тверь: Изд-во «Тверской государственный университет», С. 13–15.

- 7- Волоктина А.И. (1990). *Коммуникативная структура диалогического СФЕ* // Коммуникативно-прагматические функции языковых единиц. Межвуз. сб. Куйбышев: Изд-во «Куйбышевский университет», С. 49–74.
- 8- Демьянков В. З. (1991). *Загадки диалога и культ уры понимания* // Текст в коммуникации. М.: Институт языкознания АН СССР, С. 109–116.
- 9- Дускаева Л.Р. (2014). *Диалог* // Эффективное речевое общение (Базовые компетенции). Словарь-справочник. Электронное издание. Сибирский федеральный университет, под редакцией А.П. Сквородникова. Красноярск: Сибирский федеральный университет (Красноярск), 2014. С. 127–128. URL: [https://elibrary.ru/download/elibrary\\_24548320\\_33580453.pdf](https://elibrary.ru/download/elibrary_24548320_33580453.pdf) (дата обращения: декабрь 2021).
- 10- Ермоленкина Л.И. (2009). *Диалог как дискурсообразующий факт ор информационного радио* // Вестник Томского государственного университета. № 325. С. 18–24.
- 11- Зайцев А.В. (2016). *Диалог: конфликт или кооперация? (Обзор т очек зрения и инновационная парадигма управления диалогом)* // Конфликтология / nota bene. 2016. – № 4. С. 257-266. URL: [https://nbpublish.com/library\\_read\\_article.php?id=22003](https://nbpublish.com/library_read_article.php?id=22003) (дата обращения: декабрь 2021).
- 12- Кибрик А.А. (2009). *Модус, жанр и другие параметры классификации дискурсов* // Вопросы языкознания. № 2, 2009. С. 3–21.
- 13- Кожина М.Н. (1986). *О диалогичност и письменной научной речи*. учеб. пособие. Пермь: Изд-во «Пермский государственный университет», 92 с.
- 14- Кудрявцев И.А. (2013). *Особенност и процесса вербализации в диалогическом дискурсе* // Филологические науки. Вопросы теории и практики. № 12 (30): в 2-х ч. Ч. I. С. 118–121.
- 15- Ларина Т.В. (2020). *Соот ношение формальност и, неформальност и, веж ливост и, невеж ливост и и грубост и: дискурсивно-прагмат ический аспект* // Cuadernos de rusistica espanola. № 16. С. 23–26.
- 16- Лотман М.Ю. (1996). *Внут ри мыслящих миров. Человек – Текст – Семиосфера – Ист ория*. М.: Языки русской культуры, 191 с.
- 17- *Национальный корпус русского языка*. URL: <http://www.ruscorpora.ru/> (дата обращения: декабрь 2021) – НКРЯ.
- 18- *Педагогическое речеведение: Словарь-справочник* / Гос. ком. Рос. Федерации по высш. образованию, Межвуз. науч. прогр. "Рус. яз., культура, история"; [Сост. А.А. Князьков, Л.Е. Тумина]; Науч. руководитель и гл. ред. Т. А. Ладыженская; [Предисл. В.Н. Мещерякова]. М.: Моск. пед. гос. ун-т, 1993. 232 с. URL: <https://didacts.ru/termin/kommunikativno-rechevoi-priem.html> (дата обращения: декабрь 2021) – ПРСС.
- 19- Плахотная Ю.И. (2011). *Диалогический дискурс в когнит ивном аспект е* // Вестник Челябинского государственного университета. № 25 (240). Филология. Искусствоведение. Вып. 58. С. 135–137.

- 20- Романов А.А. (2020). *Лингвопрагматическая модель речевого управления диалогом: системный анализ*. М.: URSS. 264 с.
- 21- Рябова М.Ю. (2012). *Знаковость дискурса повседневности* // Вестник Челябинского государственного университета. № 21 (275). URL: <http://cyberleninka.ru/article/n/znakovost-diskursa-povsednevnosti> (дата обращения: декабрь 2021).
- 22- Северская О.И. (2019). «Языковой мир сузился до смарт фона»: что беспокоит лингвистов. URL: [https://www.gazeta.ru/science/2019/08/17\\_a\\_12584209.shtml](https://www.gazeta.ru/science/2019/08/17_a_12584209.shtml) (дата обращения: сентябрь 2021).
- 23- Сметюк И.Н. (1994). *Диалогический текст: коммуникативно-динамический и лингводидактический аспекты* (на материале английского и русского языков). Автореф... к. филол. н. Пермь, 20 с. URL: <http://cheloveknauka.com/dialogicheskiy-tekst> (дата обращения: сентябрь 2021).
- 24- Тубалова И.В. (2011). *Специфика организации дискурсов повседневности* // Вестник Томского государственного университета. Филология. № 4. С. 41–52.
- 25- Тюрина С.Ю. (2008). *О вежливом прерывании делового общения* // Альманах современной науки и образования. № 2 (9): в 3-х ч. Ч. II. С. 221–224.
- 26- Чахоян Л.П., Паронян Ш.А. (1989). *Взаимодействие интенсионных факторов, определяющих типы межличностного общения* // Личностные аспекты языкового общения. Межвуз. сб. науч. тр. Калинин: Изд-во «Калининский университет», С. 67–75.
- 27- AdMe. *Творчество. Свобода. Жизнь*. URL: <https://www.adme.ru/> (дата обращения: декабрь 2021) – AdMe.

### **Bibliography**

- 1- Azimov Je.G., Shhukin A.N. (2009). *Novyj slovar' metodicheskikh terminov i ponjatij (teoriya i praktika obuchenija jazykam)*. М.: Izdatel'stvo IKAR, 448 s.
- 2- Balli Sh. (1955). *Obshhaja lingvistika i voprosy francuzskogo jazyka*. М.: Izd-vo inostranoj literatury, 416 s.
- 3- Bahtin M.M. (1996). *Sobranie sochinenij: v 5 t., T. 5. Raboty 1940-h – nachala 1960-h godov*. М.: Russkie slovari, 181 s.
- 4- Bahtin M.M. (1979). *Jestetika slovesnogo tvorchestva* / Sost. S.G. Bocharov, primech. S.S. Averincev i S.G. Bocharov. М.: Iskusstvo, 423 s.
- 5- Benvenist Je. (1974). *Obshhaja lingvistika* / Per. s fr., vstup. st. Ju.S. Stepanova. М.: Progress, 448 s.
- 6- Vasil'ev L.G. (2019). *Priblizhenie k dialogu: sistemno-pragmalingvisticheskaja interpretacija* // Jazykovej diskurs v social'noj praktike. Sbornik nauchnyh trudov Mezhdunarodnoj nauchno-prakticheskoj konferencii. 29–30 marta 2019 g. Tver': Izd-vo «Tverskoj gosudarstvennyj universitet», S. 13–15.

- 7- Voloktina A.I. (1990). *Kommunikativnaja struktura dialogičeskogo SFE* // Kommunikativno-pragmatičeskie funkcii jazykovyh edinic. Mezhvuz. sb. Kujbyshev: Izd-vo «Kujbyshevskij universitet», S. 49–74.
- 8- Dem'jankov V. Z. (1991). *Zagadki dialoga i kul'tury ponimaniya* // Tekst v kommunikacii. M.: Institut jazykoznanija AN SSSR, S. 109–116.
- 9- Duskaeva L.R. (2014). *Dialog* // Jeffektivnoe rechevoe obshhenie (Bazovye kompetencii). Slovar'-spravochnik. Jelektronnoe izdanie. Sibirskij federal'nyj universitet, pod redakciej A.P. Skovorodnikova. Krasnojarsk: Sibirskij federal'nyj universitet (Krasnojarsk), 2014. S. 127–128. URL: [https://elibrary.ru/download/elibrary\\_24548320\\_33580453.pdf](https://elibrary.ru/download/elibrary_24548320_33580453.pdf) (data obrashhenija: dekabr' 2021).
- 10- Ermolenkina L.I. (2009). *Dialog kak diskursoobrazujushhij faktor informacionnogo radio* // Vestnik Tomsogo gosudarstvennogo universiteta. № 325. S. 18–24.
- 11- Zajcev A.V. (2016). *Dialog: konflikt ili kooperacija? (Obzor toček zrenija i innovacionnaja paradigma upravljenija dialogom)* // Konfliktologija / nota bene. 2016. – № 4. S. 257–266. URL: [https://nbpublish.com/library\\_read\\_article.php?id=22003](https://nbpublish.com/library_read_article.php?id=22003) (data obrashhenija: dekabr' 2021).
- 12- Kibrik A.A. (2009). *Modus, zhanr i drugie parametry klassifikacii diskursov* // Voprosy jazykoznanija. № 2, 2009. S. 3–21.
- 13- Kozhina M.N. (1986). *O dialogičnosti pis'mennoj nauchnoj rechi: ucheb. posobie*. Perm': Izd-vo «Permskij gosudarstvennyj universitet», 92 s.
- 14- Kudrjavcev I.A. (2013). *Osobennosti processa verbalizacii v dialogičeskom diskurse* // Filologičeskie nauki. Voprosy teorii i praktiki. № 12 (30): v 2-h ch. Ch. I. C. 118–121.
- 15- Larina T.V. (2020). *Sootnoshenie formal'nosti, neformal'nosti, vezhlivosti, nevezhlivosti i grubosti: diskursivno-pragmatičeskij aspekt* // Cuadernos de rusistica espanola. № 16. S. 23–26.
- 16- Lotman M.Ju. (1996). *Vnutri mysljashhij mirov. Chelovek – Tekst – Semiosfera – Istorija*. M.: Jazyki russkoj kul'tury, 191 s.
- 17- *Nacional'nyj korpus russkogo jazyka*. URL: <http://www.ruscorpora.ru/> (data obrashhenija: dekabr' 2021) – NKRJa.
- 18- *Pedagogičeskoe rechevedenie: Slovar'-spravochnik* / Gos. kom. Ros. Federacii po vyssh. obrazovaniju, Mezhvuz. nauch. progr. "Rus. jaz., kul'tura, istorija"; [Sost. A.A. Knjaz'kov, L.E. Tumina]; Nauch. rukovoditel' i gl. red. T. A. Ladyzhenskaja; [Predisl. V.N. Meshherjakova]. M.: Mosk. ped. gos. un-t, 1993. 232 s. URL: <https://didacts.ru/termin/kommunikativno-rechevoi-priem.html> (data obrashhenija: dekabr' 2021) – PRSS.
- 19- Plahotnaja Ju.I. (2011). *Dialogičeskij diskurs v kognitivnom aspekte* // Vestnik Cheljabinskogo gosudarstvennogo universiteta. № 25 (240). Filologija. Iskusstvovedenie. Vyp. 58. S. 135–137.

- 20- Romanov A.A. (2020). *Lingvopragmaticheskaja model' rechevogo upravlenija dialogom: sistemnyj analiz*. M.: URSS. 264 s.
- 21- Rjabova M.Ju. (2012). *Znakovost' diskursa povsednevnosti* // Vestnik Cheljabinskogo gosudarstvennogo universiteta. № 21 (275). URL: <http://cyberleninka.ru/article/n/znakovost-diskursa-povsednevnosti>(data obrashhenija: dekabr' 2021).
- 22- Severskaja O.I. (2019). «*Jazykovej mir suzilsja do smartfona*»: *chto bespokoit lingvistov*. URL: [https://www.gazeta.ru/science/2019/08/17\\_a\\_12584209.shtml](https://www.gazeta.ru/science/2019/08/17_a_12584209.shtml) (data obrashhenija: sentjabr' 2021).
- 23- Smetjuk I.N. (1994). *Dialogicheskij tekst: kommunikativno-dinamicheskij i lingvodidakticheskij aspekty* (na materiale anglijskogo i russkogo jazykov). Avtoref... k. filol. n. Perm', 20 s. URL: <http://cheloveknauka.com/dialogicheskij-tekst> (data obrashhenija: sentjabr' 2021).
- 24- Tubalova I.V. (2011). *Specifika organizacii diskursov povsednevnosti* // Vestnik Tomskogo gosudarstvennogo universiteta. Filologija. № 4. S. 41–52.
- 25- Tjurina S.Ju. (2008). *O vezhlivom preryvanii delovogo obshhenija* // Al'manah sovremennoj nauki i obrazovanija. № 2 (9): v 3-h ch. Ch. II. C. 221–224.
- 26- Chahojan L.P., Paronjan Sh.A. (1989). *Vzaimodejstvie intencij kak faktor, opredelajushhij tipy mezhlichnostnogo obshhenija* // Lichnostnye aspekty jazykovogo obshhenija. Mezhvuz. sb. nauch. tr. Kalinin: Izd-vo «Kalininskij universitet», S. 67–75.
- 27- *AdMe. Tvorchestvo. Svoboda. Zhizn'*. URL: <https://www.adme.ru/> (data obrashhenija: dekabr' 2021) – AdMe.

#### HOW TO CITE THIS ARTICLE

Putina, O. (2022). Specific Features of Everyday Dialogic Speech. *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literatury*, 10(1), 103–123.

DOI: <https://doi.org/10.61186/iarll.19.103>

URL: <https://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/229>



## ویژگی‌های مکالمات روزمره

اولگا نیکالایونا پوتینا<sup>1\*</sup>

استادیار پیشکسوت دانشگاه دولتی تحقیقات ملی پرم،

پرم، روسیه.

(تاریخ دریافت: ژانویه 2022؛ تاریخ پذیرش: فوریه 2022)

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی و مطالعه ویژگی‌های گفتاری مکالمات روزمره در زبان روسی می‌پردازد. هدف مقاله، تشریح ویژگی‌های گفتاری مکالمات یا دیالوگ است. موضوع مطالعه و پژوهش حاضر واحدهای دیالوگ است. اهداف و مقاصد طرفین مکالمه، ویژگی‌های گفتاری مکالمات روزمره را تعیین می‌کنند. در این باره، دیالوگ به مجموعه‌ای از روش‌های گفتاری اطلاق می‌گردد که از تکنیک و فنون گفتاری مشخصی تشکیل شده است. تکنیک‌های گفتاری به جملاتی گفته می‌شود که به منظور تأثیرگذاری مشخص بر طرفین دیالوگ و مخاطب استفاده می‌شوند. در این پژوهش واحدهای دیالوگ که معمولاً در مکالمات روزمره زبان روسی استعمال می‌شوند، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند که اساساً مکالمات و دیالوگ‌ها از دو مؤلفه تعارض یا تعامل (همکاری) تشکیل می‌شوند. از ویژگی‌های گفتاری دیالوگ و مکالمات می‌توان به انگیزه طرفین مکالمه، جهت‌گیری و تعامل متقابل بین آنها، ویژگی‌های سبک گفتاری و بیان احساسات و عواطف، و موقعیت گفتاری اشاره نمود. این مقاله بر اساس نمونه‌ها و مثال‌های مستخرج از پیکره زبان روسی به بررسی و مطالعه تکنیک‌ها و شیوه‌های گفتاری در مکالمات می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** دیالوگ (مکالمه)، زبان گفتاری مکالمات، واحد دیالوگ، زبان گفتاری مکالمات روزمره، روش گفتاری.

1. E-mail: onputina@mail.ru; ORCID: 0000-0001-8050-8856

نوع مقاله: علمی - پژوهشی \* نویسنده مسئول



## About Laughter as A Way of Visualization in Dostoevsky

Stepanyan Elena Vladimirovna<sup>1\*</sup>

Associate Professor, Moscow State Institute of Culture,  
Khimki, Moscow, Russia.

(date of receiving: August, 2021; date of acceptance: January, 2022)

### Abstract

The author explores the function of humor in the prose of Dostoevsky. Заменить Humor is capable of combining grand and minor. A joke may reveal to the reader whole shafts of content. This function is carried out by a multitude of verbal alogisms of general Ivolgin, captain Lebyadkin and Madame Khokhlakov. Humor in Dostoevsky may serve to uncover a valuable content behind the funny and the negligible. The funny helps to reach a visualization of the characters created by the writer. The funny, which unexpectedly flashes in Versilov and Stavrogin, gives them sudden visibility. The characters of the novel *The Idiot*, who find Prince Myshkin funny, ascribe to the reader's view a special keenness, not at all comical, but tragic. Laughter in the gamut of Dostoevsky transpires as an essential color – one aiding him in his creation of the vibrant and multicolored picture of the world.

**Keywords:** Dostoevsky, the Funny, Humor, Visuality Funny Contrast.

---

1. E-mail: estepanian@ya.ru; ORCID: 0000-0002-2175-1386 \* Corresponding author

## О смехе как способе визуализации у Достоевского

Степанян Елена Владимировна<sup>1\*</sup>

Доцент, Московский государственный институт культуры,  
Химки, Москва, Россия.

(дата получения: август 2021 г.; дата принятия: январь 2022 г.)

### Аннотация

В статье говорится о функции юмора в прозе Достоевского. Юмор способен соединять высокое и низкое. Это качество юмора полностью раскрывается в текстах великого русского писателя. Шутка способна открыть перед читателем целые содержательные шурфы во взаимодействии персонажей. Такую функцию исполняют многочисленные словесные алогизмы генерала Иволгина, капитана Лебядкина, госпожи Хохлаковой. Смешное открывает разрывы между тем, что персонаж мнит о себе, и тем, что он представляет из себя. Одновременно юмор у Достоевского может выполнять и другую функцию – приоткрывать за смешным и ничтожным значительное, ценное содержание. Смешное способствует достижению визуализации образов, создаваемых Достоевским. Смешное, неожиданно высвечивающееся в образах Версилова и Ставрогина, придает им неожиданную наглядность. Персонажи романа «Идиот», находящие смешным князя Мышкина, придают читательскому взгляду на происходящее в романе особую пронизательность – действие видится многоаспектным, не комическим, а трагическим. Смех оказывается необходимой краской в палитре Достоевского, способствующей созданию писателем рельефной и многокрасочной картины мира.

**Ключевые слова:** Достоевский, Смешное, Юмор, Визуальность, Смешное Контрастно.

---

1. E-mail: estepanian@ya.ru; ORCID: 0000-0002-2175-1386 \* Ответственный автор  
УДК 821.161.1; ББК 83.3(2)+85.103

## Введение

Двойственность стихии смешного, его способность и принижать, и возвышать объект высмеивания (вспомним «Дон Кихота» Сервантеса) многократно описаны в исследовательской литературе. Смешное многообразно и многофункционально. Оно помогает внутреннему освобождению, но может и отягощать, обременять. Оно может быть уродливо, а порой может открыться как прекрасное.

Множественность форм смешного общеизвестна: например, есть ли что-то более противоположное друг другу, чем юмор и ирония? Потенциальная теплота юмора и всегдашний иронический холод... Но в то же время они – виды смешного, близкие родственники, между которыми существует противоречие, какое бывает между членами одной семьи.

Мы упомянули о юморе. Он вездесущ. Есть емкое выражение «юмор Творения». Например: в лике Христа Спасителя, написанного Андреем Рублевым (XIV в., Государственная Третьяковская галерея, Москва) для иконостаса звенигородского Успенского собора мы наблюдаем великое множество выражений, не сменяющих друг друга, а существующих одновременно. Среди этого богатства зритель может заметить в складке губ и некую возможность юмора, намек на улыбку, примиряющую, мягкую, но и всеведущую.

...Вездесущность юмора связана с его открытостью, уживчивостью, примирительным характером. Юмор – это одобрение бытия.

А.Г. Горнфельд в статье о юморе, написанной для энциклопедии Брокгауза и Ефрона, развернуто высказывается о его сущности: «Явление, смотря по точке зрения, может быть великим или малым, разумным или нелепым, идеальным или материальным: Ю. соединяет эти точки зрения – и предмет в его изображении становится не возвышенным или комическим, но тем и другим одновременно, т. е. юмористическим. <...> Ю. исходит из глубокого

сознания значительности, ценности и истины идеала. Однако он не клеймит реальное за его отступление от идеала: он сочувствует ему, находя в нем неисчерпаемый источник для живой деятельности чувства...» И еще одно ценное наблюдение из той же статьи: юмор наделен непреходящим чувством реального мира, он его поддерживает в тех, кто способен юмор воспринять и усвоить (Горнфельд). «Чувство реального мира» – так следовало бы назвать назначение функции юмора в классическом искусстве. Да и в жизни тоже. Далеко не случайно современная исследовательница Достоевского замечает: «...юмор предполагает в отношении к человеку снисходительность и прощение» (Зангирова 2012. 147). Снисходительность и прощение – это залог взвешенного, реалистического отношения к бытию.

3. Фрейд говорил о юморе как об обходном пути для психической энергии, клапане, помогающем избежать взрыва этой энергии. То есть и тут, надо полагать, речь идет о взаимном сдерживании контрастных начал, о динамическом равновесии как условии существования в реальном мире, условии правильного приятия его. С этой точки зрения интересно посмотреть, как существует уравновешивающее юмористическое начало в такой разреженной и напряженной среде, как среда прозы Достоевского.

### **Основная часть**

Образ возникает у Достоевского там, где сталкиваются противоречия, где возникает контраст, встречаются противодействующие элементы. Так формируется, в частности, визуальная среда произведений писателя, – в первую очередь портреты персонажей, но также и пейзажи, натюрморты, интерьеры.

Неожиданно похожим образом проявляет себя и смешное в романах писателя, его юмор. О противоречиях и контрастах, рождающих юмор, скажем чуть ниже, а пока заметим следующее. Юмор у Достоевского обнаруживает

свою визуальную природу, способность делать подразумеваемое – видимым, выводить его на поверхность. Ведь, как уже было сказано, смешное тоже рождается из сопряжения противоположных элементов, именно благодаря этому шутка имеет взрывной, высвобождающий характер. В смысловом отношении это очень перспективно, так как шутка способна открыть перед читателем целые содержательные шурфы во взаимодействии персонажей, во взаимоотношениях автора и героев.

Тут сделаем еще одно отступление. Существует теория, согласно которой юмор имеет некую глубинную связь со сферой эротического. Это, как полагают и старые, и современные авторы (например, биолог Александр Марков (Марков)), – одно из средств, наравне с щедростью, мужественностью, добротой и проч., привлечения внимания, нечто вроде павлиньего наряда для притяжения женственной особи.

Но ведь в данном контексте эротическое – это, так сказать, эффектно-украшательское, декоративное, визуализирующее, выводящее на поверхность скрытое и тайное. Мы не утверждаем, что это так у Достоевского (имеем в виду именно эротический аспект), но визуальность, декоративность юмора, его способность выводить на поверхность повествования внутренние пласты личности, дополнительно визуализировать личность, делать ее рельефнее, заметнее, ее внутренние состояния – очевиднее, думается, вещь очень существенная для понимания творчества писателя. Недаром трагический художник и философ М.А. Врубель, мучительно стремившийся высказаться обо всей глубине переживаемого, говорил: «Декоративно всё, и только декоративно». То есть при помощи визуализирующих приемов (среди которых юмор занимает важное место) можно сделать доступным внутреннее содержание.

Поэт, старший друг Пушкина П.А. Вяземский писал: «Французская острота шутит словами и блещет удачным прибором слов, русская – удачным

приведением противоречащих положений. Французы шутят для уха, русские – для глаз. Почти каждую русскую шутку можно переложить в карикатуру. Наши шутки все в лицах» (Вяземский 1963. 33). Как отчетливо здесь определена визуальная составляющая русского юмора, его соотнесенность с действительностью, умение вывести лица и ситуации в план зримости, придать словесному пластическую характеристику!

Примеры визуализирующей шутки у Достоевского можно было бы привести в изобилии. Известные слова Свидригайлова к Раскольникову «Да что вы в добродетель-то так всем дышлом въехали?» (Достоевский, 1972–1990. Т.6. 370) тут являются хорошим примером. Фразеологизм (всем дышлом въехать) сталкивается с отвлеченным понятием (добродетель); метафора реализуется; ее грубо-материальная природа формирует оксюморон с высоким словом «добродетель». Это противоречие фактурно, мы сразу воображаем, видим этот оборот. Заодно мимоходом дискредитируется и «благородство», «высокое негодование» Раскольникова.

В «Селе Степанчикове» читаем: коляска, «наполненная дамами и Фомою Фомичом» (Там же. Т.3. 63). Во-первых, возникающий образ сам по себе обладает некоей внешней рельефностью, особой запоминающейся выпуклостью, он нагляден. Далее. Перед нами – зевгма, или функционально-семантический конфликт (в данном случае – между сказуемым и дополнениями. Отметим, что необходимые языковедческие пояснения дала по этому поводу московский лингвист Т.В. Кузнецова.) Причастие управляет одушевленными лицами как неодушевленными предметами. В результате такой подмены одним другим, противоречия между одушевленным и неодушевленным, становится наглядной претенциозность героя при скудости его внутренних ресурсов. Персонаж величается и превозносится, добросовестный повествователь серьезен, автор иронически сдержан, читатель смеется.

Невольные парадоксы, своеобразные «ухабы» в письменной и устной речи персонажа, то есть смешение «великого и малого, идеального и материального» – средство, активно характеризующее Степана Трофимовича Верховенского и тем более капитана Лебядкина («Бесы»). Следующий фрагмент письменной исповеди Верховенского-старшего, так же обладает большим визуализирующим зарядом. В нем упоминаются световые эффекты, действующие на внутреннее зрение читателя, образ Сикстинской Мадонны, также активизирующий визуальный план повествования. Вот этот фрагмент: «По вечерам... беседуем до рассвета, и у нас чуть не афинские вечера, но единственно по тонкости и изяществу; все благородное... идея вечной красоты, Сикстинская Мадонна, свет с прорезями тьмы, но и в солнце пятна! О друг мой!.. Я сердцем с вами и ваш, с одной всегда, en tout pays и хотя бы даже dans le pays de Makar et de ses veaux...» (Там же. Т.10. 25). Бессвязность, алогизм, нелепая пунктирность этого высказывания очевидна. А между тем тут торжествует строгий закон антитезы, сопряжения контрастных начал. Русский и французский, их макароническое соединение, когда персонаж, по свидетельству повествователя, «глупейшим образом переводил... русские пословицы и коренные поговорки на французский язык, без сомнения умея и понять и перевести лучше; но это он делывал из особого рода шику и находил его остроумным» (Там же.). Афинские вечера оказываются таковыми «только» по своей утонченности (следовательно, они противоположны оргиям, традиционно называемым афинскими вечерами/ночами, не имеют с ними общего). Свет брезжит тьмой (и в солнце пятна, восторженно дополняет Степан Трофимович). Идеальный рафаэлевский образ оказывается в непосредственной близости с нелепыми «Макаром и его телятами» из русской поговорки в их французском облики. Все вместе – бессвязность, возникающая благодаря разнообразно построенным и сгруппированным, очевидным и неочевидным антитезам. Вся эта гроздь излиний персонажа

имеет прямое назначение, – автору важно охарактеризовать персонажа как человека вне порядка и логики. А персонаж этими излияниями стремится достичь собственной цели: все для него сводится в конечном счете к тому, чтобы убедить своего далекого друга, генеральшу Ставрогину, чьими милостями он живет, что его мысли – только о ней, стремления – только к ней. Впрочем, за этими вещаниями в тексте романа следует другое, уже прямое признание Степана Трофимовича своему confidentу-повествователю: он – не более как приживальщик при генеральше Ставрогиной. Здесь – грубая правда, все предшествующее – декоративное многословие, маскирующее эту правду, контрастирующее с ней, поверхностное, ей не соответствующее... но правда слишком пряма и вульгарна, потому она и нуждается в декоре. А уж декор-то и подавно зависит от правды, он обязан ее маскировать. Декор и правда противоречат друг другу, но и неразрывно связаны, и этот контраст смешон, жалок и даже трогателен.

Бессвязность, алогизм, нелепая пунктирность высказываний Лебядкина («Бесы») очевидны, более того: они выразительны до предела, они даже вдохновительны, – вспомним, как радовался поэт Н.А. Заболоцкий, когда его книгу «Столбцы» уподобили стихам штабс-капитана. Причем не только стихи, но и отдельные реплики Лебядкина наделены рельефностью и картинностью. Вспомним его «фрак любви»: несочетаемость названий предмета мужского костюма с одной стороны и чувства с другой делает буквально зримой фигуру самого Лебядкина, то, до какой степени ни официальная форма одежды, ни роль влюбленного не по нем (это представление о персонаже будет еще поддержано упоминанием о его «мясистой лапе», не влезающей в перчатку). Карикатурные диссонансы буквально сопровождают этого героя (напр., «...но каковы же рифмы!» – лез он ко мне со своею пьяной рожей» (Там же. Т.10. 95)). И всегда подобные частности и детали этого образа производят одно и то же впечатление – перед нами «слон в посудной лавке», нечто

физически огромное, несуразное и мучительно претендующее на высший тон, стремящееся к чужеродному ему изяществу.

Подобные выводы (о многообразных контрастах, лежащих в основе смешного) мы можем сделать, анализируя реплики и поведение не только капитана Лебядкина, но и Лебедева и Келлера, в особенности – генерала Иволгина («Идиот»), Стебелькова («Подросток»), госпожи Хохлаковой («Братья Карамазовы»). Во всех случаях претензия персонажа, роль, которую он пытается играть, входит в самое острое противоречие с его сущностью. И показывает нам его со всей выпуклостью.

Это, разумеется, тем или иным способом отображается в речевом строе, свойственном герою. Тут достаточно привести некоторые образцы словесного поведения персонажей Достоевского. «Только вдруг я лежу» госпожи Хохлаковой (Там же. Т.15. 17) (здесь наблюдается лексическая несочетаемость, несовпадение смыслов; еще сильнее несовпадение смыслов, а также нравственного состояния персонажей ощущается в сцене госпожи Хохлаковой и Мити, пришедшего к ней просить три тысячи в долг). «Гелеги, подвозящие хлеб человечеству», которые «прехладнокровно могут исключить» (Там же. Т.8. 312) любовь к этому самому человечеству (Лебедев в «Идиоте»). Здесь олицетворение комически усилено гипертрофирующим, доводящим высказывание до крайней нелепости эпитетом). Поэтические претензии Лебядкина в «Бесах» (и вся его роль влюбленного), «швейцарский» взгляд на жизнь – так Келлер формулирует жизненные принципы князя Мышкина в «Идиоте»... все это, выходя абракадаброй, имеет свойство строго и точно показывать суть личности персонажа. Бессвязность, комическая эмоциональность и эгоизм Хохлаковой, уродливый энтузиазм штабс-капитана, философская глубина при шутовском и плутовском облики Лебедева и т. д. – все это при полной серьезности героя и сдержанности автора не может не стать источником веселья для читателя.

Отметим следующую деталь. Противоречие лежит в основе смешного, об этом было неоднократно сказано. Но в случае Достоевского это противоречие может быть двояким. Вызывающая смех деталь может обнажать внутреннюю скудость персонажа, но может и внезапно показать его крупность, масштаб его мысли. Только что было упомянуто о философской глубине суждений Лебедева из «Идиота». В самом деле, его монолог в сцене полночного празднования дня рождения князя Мышкина в «Идиоте» при всех смехотворных речевых парадоксах (нелепое олицетворение: «телеги... прехладнокровно исключают» – где у телеги хладнокровие?) при всех нелепостях и крайностях этого то ли спича, то ли проповеди... Монолог этот показывает, что Лебедев почти прозорлив, что его восприятие современности и того, чем она чревата, беспощадно точно и христиански обоснованно. Он говорит об иссякающем в современном мире духе, о том, что современный человек, желая получить от жизни все – здоровье, душевное спокойствие, всестороннее благополучие – ничем не хочет жертвовать, что грядет царство безумного эгоизма и антропофагии, которая будет хуже грубого людоедства Средних веков.

Вообще у романа «Идиот» есть два основных ресурса комического: уже упоминавшийся отставной чиновник Лебедев и генерал в отставке Иволгин. Именно они выглядят наиболее крупно и рельефно на фоне других второстепенных персонажей. Они – деклассированные люди, маргиналы: оба в отставке, следовательно, «вне» своего профессионального круга. Самое главное в их внешних характеристиках: один – пропойца-подьячий, другой – изгнанный из своей среды бывший военный. Первый пробавляется ростовщицеством, мелкими предательствами, интригами и шпионством. Но ведь не только. И его значимость, и его двойственность заявлены еще в черновиках к роману: «Толкует Апокалипсис. Купил поле» (Там же. Т.9. 269). Другой – генерал – поддерживает гаснущее самоуважение нелепейшим

враньем. Но значимость этого последнего – в невероятной изобразительной силе его рассказов (недаром Лебедев признает «гениальность» Иволгина). При этом невозможно видеть в них вспомогательные фигуры, некий штаффаж. Неслучайно каждый из них одарен парадоксально живописным даром слова, языком, напоминающим своей сложносоставностью и избыточным богатством о стилистике барокко. Барокко – искусство, отражающее изменчивость мира. Текучая, гнутая, волнообразная линия – символ барокко. Исследователи этого стиля отмечали его вибрацию и вариативность. Но разве в характерах названных персонажей вибрация, вариативность – не основной принцип? Кроме того, они очень сложно и непрямо взаимодействуют друг с другом. Иволгина оскорбляет картинная ложь Лебедева об оторванной пушечным снарядом и похороненной ноге: оппонент лжеца-генерала оказался на его собственной территории, оказался таким же невероятным лжецом, как и он сам. Лебедев разыгрывает психологическую драму-следствие, преследуя обокравшего его Иволгина, доводя приятеля до апоплексического удара. Вариативность этих взаимоотношений так огромна, что Лебедев, видящий Иволгина насквозь, называет его не только «гениальным», но и «честнейшим». Кстати, и соотношение двух этих образов не прямое, извилистое. Это – затейливо вырезанные фрагменты сложного пазла, которым является сюжет «Идиота».

Лебедев и Иволгин – симметричные фигуры. Насколько Лебедев проницателен, точен, детален, рационален в своих определениях каждого человека (он замечает о Настасье Филипповне, что та «двуязычна и вскидчива») и целой эпохи, настолько Иволгин преувеличенно литературен, погрязает в красивостях (в его рассказах сплошь используются расхожие литературные сюжеты и образы: соперничество в любви, дуэль, вдова, чахнувшая по мужу, анекдотическая новелла о происшествии в вагоне, история воскресшего мертвеца...) Наиболее репрезентативен его рассказ о встрече с

Наполеоном в занятой неприятелем Москве, когда генерал десятилетним мальчиком якобы служил камер-пажом императора.

... Исследователи проблемы смешного нередко обращали внимание на то, что образ еды (при исходной его сакральности) нередко оказывается источником комического в искусстве («Пир Тримальхиона» Петрония, «Гаргантюа и Пантагрюэль» Ф. Рабле). Недаром тема еды – или рокового ее отсутствия – как бы пронизывает всю речь Лебедева: начинается с «телег, подвозящих хлеб» обездуховленным, желающим только физического насыщения современным людям. Не забудем и о том, что эта проповедь «гремит» во время ночного пира, «симпозиона», посвященного дню рождения князя, а председательствует на пире генерал Иволгин. Монолог Лебедева парадоксален, гротескно уродлив, но в то же время идейно богат. Это чувствует князь Мышкин, на это указывает сам автор (недаром называвший Лебедева в черновых записях к роману «гениальным»). В самом деле, его монолог в «Идиоте» при всех смехотворных речевых парадоксах (безумные, но и педантски логичные рассуждения о необходимости убивать и пожирать монахов в периоды средневекового жестокого голода) напоминает барочную композицию, гротескную и загадочную, комическую и бесспорно значительную.

Так, из барочных противоречий, гротесков, мелких и масштабных деталей и в ореоле смеха является перед нами фигура Лебедева и парная к ней – генерала Иволгина.

В. Пропп говорит о природе смешного так: «...с людьми происходит нечто неприятное, чего они не ждали и что нарушает мирное течение их жизни. Происходит некоторое неожиданное посрамление человеческой воли какими-нибудь совершенно случайными, непредвиденными причинами. Не всякое посрамление воли комично. Крушение каких-нибудь великих или героических начинаний не комично, а трагично. Комична будет неудача в мелких,

житейских человеческих делах, вызванная столь же мелкими обстоятельствами.» (Пропп) Надо ли говорить, что у Достоевского невозможное оказывается возможным, и комизм даже мелких житейских обстоятельств оказывается не чуждым трагическому? Трагическое – как фон при изображении комических фигур и ситуаций (признание Степана Трофимовича, что он простой приживальщик, предсмертное самообвинение лжеца генерала Иволгина, трагический черновой замысел Лебядкина в подготовительных материалах к роману, продолжающий существовать в Лебядкине окончательного варианта «Бесов»). Этот контраст создает глубину композиции и рельефность фигур.)

Любопытно, что наиболее влекущие и загадочные для своего окружения герои Достоевского – Версилов, Ставрогин, полные могущественного обаяния и в то же время наиболее оспариваемые другими героями – вдруг именуется «смешными». И кто же их так называет? Героини, и в самый острый и ответственный (перед расставанием) момент сюжета. Получается, что демонизм Ставрогина или обаятельная идея Версилова, «русского дворянина и гражданина мира», вовсе не препятствуют тому «смешному», что прозревает в них женский взгляд. Героиням видится нечто непочтенное, нечто постыдное или забавное, нарушающее пропорции в облике каждого из них (постыдный грех Ставрогина, о котором «архиерей на спокое» Тихон говорит, что при его обнаружении Ставрогин не перенесет «смеху» людей; «вериги» и проповеднические крайности Версилова, нарушающие, с точки зрения генеральши Ахмаковой, «красоту форм», которой она дорожит. Кстати, Р.Г. Назиров отмечал «невыносимость смеха для преступника» как черту, унаследованную Достоевским «Бесов» от «Страшной мести» Гоголя. (Назиров 2017. 269).) Любопытно, что Ахмакова говорит, что ей самой нравятся люди «веселые». То есть смех в его разных ипостасях – насмешливый, уничижающий, или привлекательный, ободряющий, близкий «живой жизни» –

стоит за событиями романа, обогащает характеристики главных героев, придает им объема. Кстати: та же Ахмакова замечает, что в разговоре усмехаешься, вдруг нечаянно угадав, что скажет/подумает собеседник. (Следовательно, героини нечто угадывают в личностях героев, проникают их личности.)

Образ смеха занимает видное место и в рассуждениях повествователя в романе «Подросток». Аркадий Долгорукий говорит о необходимости присмотреться к манере смеяться: если человек смеется хорошо, то и сам он хорош, если смех его уродует – то это окончательное разоблачение личности. В одной из значимых сцен романа, когда перед Подростком обнаруживается «двойничество» Версилова, лицо последнего все больше искажается издевательским смехом. И, наоборот, искренний смех детей всегда радует сердце, «оттого-то дети и обольстительны», – заключает Аркадий (об этом, например, говорит Е.М. Понкратова) (Понкратова 2012. 310).

И в том случае, когда смех не выходит на поверхность, подразумевается, и когда он выведен на поверхность и непосредственно передается читателю, он обнаруживает свою контрастную природу. Так, все в натуре Версилова или Ставрогина, в том числе в их внешности, противоречит самому понятию смешного, однако же смешное присутствует как бы за кадром их личностей, за видимым планом. (Думается, что «смех», входя неочевидным для читателя, но очевидным для героинь образом в «состав» личности героев, придает им трехмерности, делает их сложнее, то есть в известном смысле – объемнее.) Тогда уместен и обратный пример: кажущееся профанам смешным, «не имеющим вида и доброты», есть «не знающее себе цены прекрасное» (Достоевский 1972–1990. Т.28, II. 251). Князь Мышкин («Идиот»), по праву не вызывающий у читателя никаких комических ассоциаций, то и дело представляется смешным окружающим, и это больно ранит Аглаю, ее своенравную влюбленность в своего избранника.

### **Заключение**

В качестве итога можно было бы предложить следующие соображения. В смешном примиряются противоположности. Смешное контрастно по своей природе, и потому само может вступить в контрастную связь с неродственными себе явлениями. Из-за гетерогенности своей природы оно коррелирует с разными началами, и эту его способность широко использует Ф.М. Достоевский, всегда стремящийся показать явление в его многообразии, в его неожиданных аспектах. Так, в его романах смешное прямо или косвенно может коррелировать со страшным (Ставрогин), таинственно-привлекательным (Версилов), или возвышенным (князь Мышкин). Смешное (истинно смешное, то есть чуждое пошлости) есть то, что сложно по своей природе, разнородно, объемно. Рельефно выступая из повествования, оно делает его укрупненно-ярким и вносит в него визуальные акценты.

Сочетание смешного с чуждыми ему началами у Достоевского возможны, более того – необходимы именно потому, что мир писателя необъятно широк и парадоксален. Все кажется не вполне тем, что есть на самом деле, за каждым явлением открывается коридор неожиданных смыслов. Смех Достоевского – одна из тайн его мира, где трагическое и комическое встречаются, сосуществуют, делают друг друга рельефней и видней. С этим связана особая визуализирующая функция смеха в романах Достоевского.

### **Литература**

- 1- Вяземский П.А. (1963). *Вяземский П.А. Записные книжки (1813–1848)*. М.: Издательство Академии наук СССР, 1963.
- 2- Горнфельд А.Г. *Юмор./ Брокгауз и Ефрон. Энциклопедический словарь.* <http://niv.ru/doc/dictionary/brockhaus-efron/articles/222/yumor.htm>
- 3- Достоевский Ф.М. (1972 –1990). *Достоевский Ф.М. Полн. собр. соч.: в 30 т.,* Л.: Наука, 1972–1990.

- 4- Зангилова Ю.Р. (2012). *Зангилова Ю.Р. Юмор Н.В. Гоголя и ранний Достоевский: притязание и отталкивание*. // Достоевский и современность. Материалы XXVI Международных Старорусских чтений 2011года. Великий Новгород, 2012.
- 5- Марков А. (*Чувство юмора и щедрость – результаты полового отбора*) URL: [https://elementy.ru/novosti\\_nauki/430947/Chuvstvo\\_yumora\\_i\\_shchedrost\\_rezultat\\_y\\_pолоvogo\\_otbora](https://elementy.ru/novosti_nauki/430947/Chuvstvo_yumora_i_shchedrost_rezultat_y_pолоvogo_otbora) (дата обращения 11.01.2021)
- 6- Назиров Р.Г. (2017). *Назирова Р.Г. Гоголевские отражения в романах Достоевского. Тезисы доклада*. // Достоевский и мировая культура. Альманах N35. Спб: Серебряный век, с. 269.
- 7- Понкратова Е.М. (2012). *Понкратова Е.М. Детский смех в произведениях Ф.М. Достоевского*. // Достоевский и современность. Материалы XXVI Международных Старорусских чтений 2011года. Великий Новгород, 2012.
- 8- Пропп В.Я. *Пропп В.Я. Проблемы комизма и смеха*. URL: [https://www.mnogobook.ru/nauka\\_obrazovanie/literaturovedenie/122692/str71.htm](https://www.mnogobook.ru/nauka_obrazovanie/literaturovedenie/122692/str71.htm) (дата обращения 12.01.2021)

### **Bibliography**

- 1- Vjazemskij P.A. (1963). *Vjazemskij P.A. Zapisnye knizhki (1813–1848)*. M.: Izdatel'stvo Akademii nauk SSSR, 1963.
- 2- Gornfel'd A.G. *Jumor./ Brokgauz i Efron. Jenciklopedicheskij slovar'*. <http://niv.ru/doc/dictionary/brockhaus-efron/articles/222/yumor.htm>
- 3- Dostoevskij F.M. (1972 –1990). *Dostoevskij F.M. Poln. sobr. soch.: v 30 t.*, L.: Nauka, 1972–1990.
- 4- Zangirola Ju.R. (2012). *Zangirola Ju.R. Jumor N.V. Gogolja i rannij Dostoevskij: pritjazhenie i ottalkivanie*. // Dostoevskij i sovremennost'. Materialy XXVI Mezhdunarodnyh Starorusskih chtenij 2011goda. Velikij Novgorod, 2012.
- 5- Markov A. (*Чувство юмора и щедрость – результаты полового отбора*) URL: [https://elementy.ru/novosti\\_nauki/430947/Chuvstvo\\_yumora\\_i\\_shchedrost\\_rezultat\\_y\\_pолоvogo\\_otbora](https://elementy.ru/novosti_nauki/430947/Chuvstvo_yumora_i_shchedrost_rezultat_y_pолоvogo_otbora) (дата обращения 11.01.2021)
- 6- Nazirov R.G. (2017). *Nazirov R.G. Gogolevskie otrazhenija v romanah Dostoevskogo. Tezisy doklada*. // Dostoevskij i mirovaja kul'tura. Al'manah N35. Спб: Серебряный век, с. 269.
- 7- Ponkratova E.M. (2012). *Ponkratova E.M. Detskij smeh v proizvedenijah F.M. Dostoevskogo*. // Dostoevskij i sovremennost'. Materialy XXVI Mezhdunarodnyh Starorusskih chtenij 2011goda. Velikij Novgorod, 2012.

- 8- Propp V.Ja. *Propp V.Ja. Problemy komizma i smeħa*. URL: [https://www.mnogobook.ru/nauka\\_obrazovanie/literaturovedenie/122692/str71.htm](https://www.mnogobook.ru/nauka_obrazovanie/literaturovedenie/122692/str71.htm) (data obrashhenija 12.01.2021)

**HOW TO CITE THIS ARTICLE**

Stepanian-Rumyantseva, E. (2022). About Laughter as A Way of Visualization in Dostoevsky. *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literaturny, 10*(1), 125–142.

**DOI:** <https://doi.org/10.61186/iarll.19.125>

**URL:** <https://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/217>



## طنز به عنوان شیوه تصویرگری در آثار داستایفسکی

یلنا ولادیمیراونا استیپانیان<sup>1\*</sup>

دانشیار انستیتوی دولتی فرهنگ مسکو،

خیمکی، مسکو، روسیه.

(تاریخ دریافت: اوت 2021؛ تاریخ پذیرش: ژانویه 2022)

### چکیده

مقاله به بررسی نقش طنز در آثار منثور داستایفسکی می‌پردازد. طنز می‌تواند مفاهیم و مضامین بالا و پایین را به هم پیوند بزند. این ویژگی طنز به‌طور کامل در متون آثار این نویسنده بزرگ روسی مشهود است. طنز و مزاح می‌تواند چالش‌های موجود در روابط و تعامل شخصیت‌ها را در مقابل خواننده آشکار نماید. صحبت‌های متعدد غیرمنطقی و سرشار از هجو ژنرال ایوالگین، کاپیتان لیادکین، خانم خوخلاکووا نمونه‌هایی از این دست از طنز و مزاح هستند. طنز شکاف‌هایی را بین آنچه شخصیت داستان در مورد خود متصور است و آنچه در حقیقت هست آشکار می‌کند. در عین حال، طنز در آثار داستایفسکی می‌تواند نقش دیگری را نیز داشته باشد که عبارت از پنهان نمودن مضامین و مفاهیم مهم و ارزشمند در پس مفاهیم مضحک و کم‌اهمیت است. طنز و مزاح، نقش مهمی در تصویرگری و ایجاد تصویر از شخصیت‌های داستان که توسط داستایفسکی خلق می‌شوند دارد. طنز و مزاح، که در تصویر شخصیت‌های ورسیلوف و ستاوروگین برجسته شده است، تصویر غیرمنتظره‌ای از شخصیت آنها به دست می‌دهد. شخصیت‌های رمان «بله» که شخصیت شاهزاده میشکین را مضحک می‌دانند، به دیدگاه خواننده اثر درباره آنچه در رمان اتفاق می‌افتد بینش خاصی می‌دهند و تصویر چند وجهی از حوادث داستان ارائه می‌کنند که نه تنها کمیک نیست، بلکه کاملاً تراژیک است. طنز در آثار داستایفسکی به مثابه رنگ بسیار مهمی است که به خلق تصویری چندوجهی و رنگارنگ از جهان توسط نویسنده کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: داستایفسکی، مضحک، طنز و مزاح، تصویرگری، تضاد مضحک.

1. E-mail: estepanian@ya.ru; ORCID: 0000-0002-2175-1386 \* UDC 821.161.1 BBK 83.3(2)+85.103 نویسنده مسئول \* نوع مقاله: علمی - پژوهشی

## **Kokhanovskaya (N. S. Sokhanskaya): A Historical-Literary Portrait**

**Fetisenko Olga Leonidovna<sup>1\*</sup>**

leading scientific worker, Institute of the Russian Literature  
(Pushkinskij Dom) of The Russian Academy of Sciences,  
Saint-Petersburg, Russia

(date of receiving: November, 2021; date of acceptance: January, 2022)

### **Abstract**

The article introduces the biography and work of the forgotten writer Kokhanovskaya (N.S. Sokhanskaya; 1823–1884), who belonged to the generation of Dostoevsky and Iv. Aksakov, but came into contact – through her apprenticeship with P. A. Pletnev – with Pushkin's circle. Having spent her entire life in a real seclusion on a distant farm in the steppe, Sokhanskaya not only achieved all-Russian fame and reader's love, but also acquired much companionship with her among Petersburg and Moscow writers and public figures. A significant period of her work falls on the time of collaboration in Slavophil publications, which predetermined the turn in the "reputation" of the writer in an increasingly liberalizing society: she was waiting for ridicule, oblivion and falling into the category of "literary exiles". At present, interest in this forgotten writer is reviving in Russia, and the publication of her collected works is being prepared. The literary fate of Kokhanovskaya is a long path of self-education, desperation with fame and return to her solitary work.

**Keywords:** Russian Literature, Slavophilism, Kokhanovskaya (N.S. Sokhanskaya), "Positive" Literary School.

---

1. E-mail: betsy98@mail.ru; ORCID: 0000-002-5670-2656 \* Corresponding author

## **КОХАНОВСКАЯ (Н.С. СОХАНСКАЯ): ИСТОРИКО-ЛИТЕРАТУРНЫЙ ПОРТРЕТ**

**Фетисенко Ольга Леонидовна<sup>1\*</sup>**

ведущий научный сотрудник Института русской литературы  
(Пушкинский Дом) Российской академии наук,  
Санкт-Петербург, Россия.

(дата получения: ноябрь 2021 г.; дата принятия: январь 2022 г.)

### **Аннотация**

Статья знакомит с биографией и литературной судьбой писательницы украинско-русско-польского происхождения Н. С. Саянской (литературный псевдоним – Кохановка; 1823–1884), принадлежащей к поколению Ф. М. Достоевского и И. С. Аксакова, но в начале своего пути – через свое эпистолярное ученичество у П. А. Плетнева – соприкоснувшейся с кругом А. С. Пушкина и по своим идеалам принадлежавшей скорее к той эпохе. Проведя всю жизнь в настоящем затворничестве на дальнем хуторе в степи, Соханская не только достигла всероссийской известности и читательской любви, но и приобрела множество сочувствующих ей собеседников среди петербургских и московских писателей и общественных деятелей. Значительный период ее творчества приходится на время сотрудничества в славянофильских изданиях, что и предопределило поворот в «репутации» писательницы во всё более либерализирующемся обществе: ее ждало осмеяние, забвение и попадание в разряд «литературных изгнанников». В настоящее время в России возрождается интерес к этой забытой писательнице, готовится издание ее собрания сочинений. Литературная судьба «степной барышни» – это долгий путь самовоспитания, искушения славой и возвращения к своему уединенному труду.

**Ключевые слова:** Русская Литература, Славянофильство, Кохановская (Н.С. Соханская), «Положительное» Направление.

---

1. E-mail: betsy98@mail.ru; ORCID: 0000-002-5670-2656 \* Ответственный автор

## Введение

Магистральную линию развития русского реализма в середине XIX века составляла так называемая «натуральная школа» или «отрицательное направление», сделавшее своим знаменем сатирическую, «обличительную» часть наследия Н. В. Гоголя. Московские славянофилы (тоже видевшие Гоголя, – но художника, а не обличителя, – своим союзником) декларировали необходимость иного, «положительного», направления («положительного воззрения») и родоначальником его считали С. Т. Аксакова. Главной чертой этого направления один из теоретиков славянофильства Н. П. Гиляров-Платонов называл художественное примирение высших духовных начал с формами народной действительности. Даже изображение темных явлений жизни уравнивается здесь хоть какой-то чертой «идеального». Искусство, полагал критик, призвано «успокаивать, а не раздражать наше чувство» (Гиляров 2008. 546). Писателю «не нужно прибегать ни к каким сентенциям. За него будет говорить нравственный закон, присущий душе каждого» (Там же. 612). Первая цитата взята из статьи, посвященной Сергею Аксакову, вторая – из отклика на одну из повестей писательницы, которую и Гиляров, и другие славянофилы встретили как зарю «возрождения литературы» (Там же. 608). Она подписывала свои произведения только псевдонимом без инициалов – Кохановская, и довольно долго оставалось тайной – кто она, где живет, существует ли вообще такой человек или это, как теперь сказали бы, «литературный проект»? В конце 1858 года И. С. Аксакову удалось отыскать ее адрес (а жила писательница на бедном хуторе в Слободской Украине – сейчас это Харьковская область Украины, – в Изюмском уезде) и пригласить к сотрудничеству в журнале «Русская беседа», что стало началом нового периода в ее жизни. В этой статье мы попытаемся кратко представить ее историко-литературный портрет<sup>1</sup>.

---

1. Подробнее см.: Платонова (1909), Фетисенко (2021) (в последнем издании указана основная литература вопроса).

### Основная часть

Литературным псевдонимом «Кохановская» с 1856 года пользовалась Надежда Степановна Соханская (1823–1884). Она начала печататься еще в 1840-х, но привлекла к себе внимание только под этим псевдонимом, и на рубеже 1850–1860-х годов уже общепризнанно воспринималась как стоящая в первом ряду русских писателей. На появление центральных для ее творчества повестей «После обеда в гостях» и «Из провинциальной галереи портретов» рецензиями или отзывами в частной переписке отзывались литературные критики всех тогдашних направлений и почти все ведущие писатели. Ф. М. Достоевский, не принимая позднейших повестей Кохановской, находил в ее творчестве «настоящий, невыдуманный» «пафос» (Достоевский 1964. 146), а Л. Н. Толстой – «размах и смелость» (правда, при отсутствии «чувства меры») (Толстой 1949. 291). О ней заговорили как об открывшей народную жизнь как «родник творчества» (Гиляров 2008. 608) и осветившей мир провинции «лучом поэзии» (Анненков 2000. 322).

Не верным было бы относить творчество Кохановской к разряду традиционной женской прозы, расцветавшей тогда и в Европе, и в России, хотя к этому, казалось бы, располагает тематика ряда ее повестей (как через многие тернии устраивается «семейное счастье»). От «женской прозы» повести Кохановской отличает не столько тематика, сколько манера повествования, определенная И. С. Аксаковым как «твердость кисти»: «Зрелость произведений и знание жизни обличают опытного, много прожившего человека. Многие и до сих пор уверены, что <...> Вы – мужчина. И действительно – по твердости кисти, по языку, по очерку мужских характеров, можно усомниться в Вашем поле. Но с другой стороны, *только женщина* может *так* изобразить всю поэзию, жизнь *девичьего* веселья, всю игру молодой, девичьей жизни» (Кохановская 2018. 34). Современный исследователь называет Кохановскую антиподом Жорж Санд. Кохановская

переняла уроки французской романистки, но выступила против нее (Викторович 2018. 237).

Надежда Соханская родилась 17 февраля 1823 года на хуторе Веселый Корочанского уезда Белгородской в семье казначея Глуховского кирасирского полка, в двухлетнем возрасте потеряла отца. Братья были помещены в кадетский корпус, она – в Харьковский институт благородных девиц, который окончит в 1840 году с высшим отличием (первым шифром). Пока дети учились, мать переехала в Харьковскую губернию. Еще в школьные годы в Соханской проснулись страсть к чтению и талант рассказчицы. Ее повествования – по мотивам прочитанных романов и оригинальные – завораживали одноклассниц как сказки Тысячи и одной ночи. Семья жила очень бедно, вернувшись домой, девушка была лишена книг и больше всего на свете боялась, что ее жизнь превратится в пустое времяпрепровождение. Тогда она решила, что может и сама сочинить повесть, ведь еще в детстве она пробовала писать маленькие комедии.

Без надежды на успех она посылала свои произведения в столичные редакции, не открывая подлинного имени и даже не сообщая адреса. Только две повести этого периода (очевидные подражания Бестужеву-Марлинскому и Лермонтову) были напечатаны – «Майор Смагин» в «Сыне отечества» (1844) и «Графиня Д\*\*\*» в «Отечественных записках» (1848; в той же книжке, что и «Белые ночи» Достоевского). Возможно, об этих ранних произведениях не стоило бы говорить, если бы уже в них не проявились стилистические особенности (прежде всего особая «сжатость» слога), которые позднее разовьются в оригинальную повествовательную манеру Кохановской. Здесь встречается и характерное для писательницы словотворчество («веселое безгорье», «дорога чистая, безуборная» в значении «без убранства, украшений»).

Между этими двумя публикациями произошло событие, перевернувшее литературную судьбу Соханской: в 1846 году она сама завязала переписку с другом А. С. Пушкина, ректором Петербургского университета П. А. Плетневым, которого попросила стать своим наставником (см.: Пономарев, 1896). Строгая критика, которой Плетнев подверг присланные ему повести, не испугала ученицу, а, напротив, подвигла ее к желанию совершенствования. Плетнев стал руководителем чтения Соханской, прислал ей полный комплект журнала «Современник», издателем которого он был, и множество книг. В письмах «степная барышня» должна была давать отчет о прочитанном. Важным этапом самопознания и развития литературного мастерства для Соханской стала подробная автобиография, созданная по просьбе Плетнева, который так написал о своих впечатлениях от прочитанного: «Она до такой степени прекрасна, что мне, вместо уроков вам, надобно было бы просить у вас их себе. Вы обладаете всем: воображением, чувством, умом, слогом и языком, – и все это неподражаемо-самобытно, скажу без гиперболы – гениально!.. Если бы это был роман, – современники поставили бы вас на пьедестал и поклонялись бы вам» (там же. 473). Опубликовано это произведение будет посмертно (Кохановская, 1896) и вызовет большой читательский интерес.

Автобиографическое начало (но не дагерротип действительности, а моделирование – «как могла бы сложиться моя жизнь») присутствует в посвященной Плетневу повести «Первый шифр» (цензурное вмешательство прервало ее публикацию в 1849 году, но не помешало в 1850 году начать ее вновь и завершить, хотя и с какими-то возмущившими автора искажениями). Героиня повести, Леночка Снапковская, с которой перед ее кончиной знакомится рассказчица (в ней тоже есть черты самого автора), получила в институте высшую награду и славилась как гениальная пианистка, обладавшая даром воспринимать звуки в красках и наоборот – слышать «звучание»

видимого мира. Этот дар покидает ее в семейной жизни с грубым, буквально растаптывающим ее человеком. Подобной участи для себя, видимо, опасалась и Соханская, отвергавшая все предложения замужества.

В 1850-е годы Соханская написала свои первые очерки, причем именно ей принадлежит термин «литература фактов», который актуализируется через 100 лет в советской публицистике как «литература факта».

«...перед своим собственным сознанием я хочу отвечать только за то, в чем могут поручиться мои глаза и уши <...>. И в этот маленький мир, в тишину нашей степи и нашей тихой жизни, нынешнюю зиму заронилось много нового; незаметные наши дорожки пролегли к нам торными путями; явления, до того небывалые, возникли вокруг нас и в среде нас. <...> Если бы мы не упустили из вида подобных поводов, не давали им замолкать беспечно, у нас была бы зрелая отечественная литература фактов, живых заметок, родного нашего осязательно-присущего духа <...> несколько живых слов, две-три маленьких заметки и ничего более; но что они малы, из этого еще не следует, чтобы надобно было пренебрегать ими. Из малого-то и составляется всё наше великое земное» (Соханская 1854. 617).

Тогда же создавалась и семейная хроника «Старина», первые главы которой будут опубликованы в «Отечественных записках» в 1861 году, и первая редакция повести «Гайка» (именно с нее и начинается «Кохановская» как литературное явление). У этого произведения был трудный путь к читателю: скитание по редакциям в течение нескольких лет, неряшливая и незавершенная публикация в журнале «Пантеон» и впоследствии (1860) – в обновленной редакции – в «Русском слове» Г. Е. Благосветлова. Между прочим, в этой повести Кохановская ввела в русскую прозу ту особенность, которую позднее А.К. Толстой иронично прозвал «коханизмами»: отмену

утяжеляющих повествование слов «сказал», «ответил», «спросил» и т. п. и обращение вместо подобных традиционных конструкций сразу к дальнейшему ходу дела (например: «Вам угодно повторять. – замолк на этом слове Алексей Леонтьевич» (Кохановская 1863. 104). Это делало повествование не просто сжатым, но стремительным.

Тонкие ценители успели заметить повесть еще в «Пантеоне». Именно после «Гайки» последовало и приглашение в «Русский вестник», где были помещены две повести, принесшие Кохановской всероссийскую известность и оказавшуюся для нее судьбоносной встречу со славянофилами. Писательница признавалась, что прежде «едва знала о каких-то Славянофилах по насмешкам над ними петербургских журналов»<sup>1</sup>, однако родство по духу было несомненным, что подтверждает ее письмо 1856 года к человеку вовсе не славянофильского направления: «Полно нам подставлять наши могучие плечи под бичеванье этой беспощадной, грязной, мелкой и нелепой сатиры, одетой в ее жалкую, нагую действительность. Пора стать перед нею высокою грудью и нашим светлым русским взглядом оглянуться вокруг. Что найдем, всё наше; а на такой ли широте, на этом ли чудном просторе, дышащем мировой силой – не найти нам чего-нибудь помощнее и пошире сердцем тех бледных, дряблых и истерзанных чувств и загрязненных представлений, которые, как кошмары, давят нас?» (Старчевский, 1884).

В «Русской беседе» в 1859 году опубликована статья «Степной цветок на могилу Пушкина», созданная за несколько лет до этого. Помимо того, что здесь впервые рассматривается христианское начало поэзии Пушкина, в статье раскрыты воззрения самой Кохановской на литературу как священное служение, для чего использовался образ «серафимского посвящения», отсылающий к стихотворению «Пророк».

---

1. РО ИРЛИ. Ф. 234. Оп. 3. Ед. хр. 621. Л. 115 (письмо к П. А. Плетневу от 22 ноября 1861 г.).

Кохановская входит в историю русской литературы и как первая в России женщина-фольклорист. Вдохновленная публикациями из знаменитого песенного собрания П. В. Киреевского, Кохановская обнародовала собственные записи. Две большие подборки редких песен, систематизированные и сопровождаемые подробными пояснениями, были подготовлены для последних выпусков «Русской беседы» (1860). Именно Кохановской принадлежит открытие так называемых «боярских песен», ранее не привлекавших внимание собирателей. Из раздумий над текстом из другого собрания (П. И. Якушкина) – над песней о Ваньке Ключнике, первообраз которой Кохановская ставила себе задачей отыскать, выросла статья «Сличение нескольких русских песен» (1861)<sup>1</sup>.

Кохановская бесповоротно связала всю свою деятельность со славянофильским направлением. В 1861 году специально для новой газеты И. С. Аксакова «День» создана повесть «Кирила Петров и Настасья Дмитрова». Здесь же в 1862 году помещен рассказ «Давняя встреча» – гимн чтению. «Сумеречные рассказы» Аксаков печатать не решился (были живы родственники лиц, упоминаемых в этом произведении под своими именами), но позднее, уже после смерти Кохановской, опубликовал рассказ в «Руси» (1885). С газетой «День», а позднее и с другими изданиями Аксакова и с петербургской газетой «Русский мир», связаны публицистические выступления Кохановской. Основные ее статьи выстраиваются в четыре цикла – изюмский («Письма с хутора» и примыкающие к ним статьи в «Дне» и «Руси»), волынский<sup>2</sup> («Поездка на Волынь» и ряд других статей в газетах «Москва» и «Москвич»), севастопольский (цикл статей в «Русском мире») и –

---

1. См. также: Кохановская (1872).

2. С Волынью связана общественная деятельность Кохановской – устройство Братской помощи (ссудно-сберегательного товарищества) при Георгиевском православном братстве в селе Яполоть.

условно – общерусский (например, отклики в «Руси» на царевичество 1881 года). Кохановская приветствовала крестьянскую реформу, горячо обличала в своих статьях нелепые случаи бюрократической косности (в том числе и в церковной жизни), оплакивала былую историческую славу Западной Руси и севастопольские братские могилы.

В частной жизни писательницы было мало событий. Одним из самых значимых стало предпринятое в 1862 году большое путешествие в Москву и Петербург, личное знакомство с теми, с кем она уже давно переписывалась (Плетневым и его женой, семьей Аксаковых) и с их окружением. Тогда же, через А. Ф. Тютчеву, она была представлена царской семье и отвергла предложение преподавать великой княжне Марии Александровне русскую словесность. Перед отъездом Кохановская условилась с Аксаковым об отдельном издании своих повестей. Два тома (в каждом по три произведения) вышли в 1863 году. Рецензии на «Повести Кохановской» оказались по преимуществу отрицательными, потому что те самые произведения, что ранее вызывали только похвалу, теперь пришлось не ко времени и подвергались осмеянию. «Отжившие идеалы» – показательное название одной из статей<sup>1</sup>.

Еще большее непонимание ожидало следующее крупное произведение Кохановской – повесть «Рой-Феодосий Саввич на спокойе» (1864), пронизанное мифопоэтическими мотивами и написанное сложно выстроенной ритмизованной прозой. (Хотя у него были и восторженные читатели – как, например, писатели М. П. Погодин и А. Ф. Вельтман или посвятивший повесть подробный разбор славянофильский критик Н. М. Павлов.). Помимо языковых сложностей критиков раздражало идеализированное изображение главного героя. Однако, как теперь представляется, повесть лишь опередила

---

1. Северная пчела. 1863. 21 сент. № 249; подпись: Л. Я.

свое время: влияние «Роя...» сказалось на таком крупном произведении XX века, как «Повесть о Светомире царевиче» Вячеслава Иванова. «Доктринерство и фанатизм» усматривает в повести В. А. Викторovich, не отказывая, впрочем, «Рою...» в смелости замысла и подчеркивая, герой Кохановской – предшественник князя Мышкина и «праведников» Н. С. Лескова (Викторovich 2018. 239).

Начатый сразу после «Роя...» роман «Наталья Федосеевна» («Степная барышня сороковых годов») остался незавершенным, потому что Кохановская не видела читателя, которому он мог бы быть адресован. Еще задолго до этого она писала литературному критику М. Ф. Де-Пуле: «Зачем входить в состязание с кем бы то ни было и толпиться на общей дороге? Не лучше ли честно своротить на маленькую тропинку и оставить другим честь и большое место» (Кохановская 2020. 238–239).

Добровольный уход с литературной сцены был постепенным. В журнале «Заря» в 1871 году была опубликована написанная задолго до этого комедия «Слава Богу, что муж лапоть сплел», за этим последовал второй драматический опыт – авторская инсценировка повести «Из провинциальной галереи портретов» «Кража невесты», поставленная в 1874 году в Малом театре. Для благотворительного сборника «Складчина» была создана небольшая историческая повесть «Словесная кроха хлеба» (1874). Продолжали, но все реже, появляться лишь статьи Кохановской, и последними из них стали открытое «Письмо к графу Л. Н. Толстому по поводу его “Исповеди”» и связанная с этим же полемическим произведением заметка «Несколько слов “Новому времени”».

Скончалась Соханская от тяжелого и с большим мужеством переносимого онкологического заболевания 3 декабря 1884 года. Ее подготовка к уходу из жизни заслуживала бы отдельного рассказа, настолько она была образцова в религиозном отношении. Ее дом, могила и архив утрачены. В виде автографов

сохранились лишь первые главы «Старины» и письма – к семьям Аксаковых, Плетьевых, Погодиных, к романисту Г. П. Данилевскому и другим. Письмам Кохановской особое значение справедливо придавал библиограф, еще имевший возможность познакомиться со всем ее архивом:

«Из всех этих рукописей в высокой степени интересны *письма* самой Соханской, к кому бы она их ни писала. Это – другая автобиография ее. <...> Книжка ее писем была бы истинно-благодетельною для многих молодых сердец. Сколько веры, сколько любви и самоотвержения было в ее душе!» (Пономарев 1896. 477). Вторил ему и издатель «Русского архива»: «Каждая строчка ее письма, где она надежно и мягко протягивает свою крепкую руку нравственной помощи, будет, я полагаю, храниться всяким, как святыня: так много давали и делали живые слова ее замечательно-отзывчивой души» [Баргнев (1885). 630]. Сохранившиеся эпистолярные комплексы имеют, кроме прочих достоинств, огромное историко-литературное значение.

Кохановская обладала большой зоркостью, наблюдательностью, памятью, что отразилось во всех ее текстах. И. С. Аксаков, читая повесть «Из провинциальной галереи портретов», удивлялся: откуда она знает подробности, известные только охотникам (Кохановская 2018. 34). В раннем «Очерке Малороссии», изданном посмертно (1897), удивительна четкость анализа местных экономических особенностей. В повести «Кирила Петров...» описано устройство водяной мельницы с такими техническими подробностями починки мельничного колеса, которые доступны только знающему делу. Подобных примеров можно привести множество. Но главными «секретами притяжения» были увлекательность рассказа (даже порицавшие ее критики признавали: начав читать, не оторвешься), музыкальная («песенная») и образная речь, неповторимый колорит которой придавало привнесение южноруссизмов. Ее лексика могла бы дополнить солженицынский «Словарь языкового расширения», ведь некогда сам В. И. Даль почерпнул из ее повестей

ряд слов для своего словаря (см.: Там же. 129, 429). Повести Кохановской в языковом отношении представляют собой клад и для писателей, и для филологов, но языковое богатство в то же время делает их почти непереводаемыми (хотя еще при жизни писательницы были опыты переводов на французский и чешский).

Один из лучших русских критиков так отозвался о повестях Кохановской: «Чем хороши <...> произведения г-жи Кохановской? Глубокою мыслью? Современностью вопросов? Многосторонним и верным изображением какой-нибудь жизни, какой-нибудь эпохи? Ничто подобное заметно не выступает в этих повестях. Они не решают ни наших вопросов, ничего не сравнивают и не противопоставляют, ни против чего не протестуют. Они похожи на музыку, на песню. <...> они преимущественно дороги нам тем, что в них веет свежий воздух, что они производят на нас действие бодрящее и освежающее. Они исполнены поэзии, то есть того света, который неожиданно озаряет давно знакомые предметы и открывает нам кроющуюся в них глубокую жизнь. <...> Этот свет как будто имеет особенный оттенок, необыкновенно приятный для нас, озаряющий мир теплее и чище всякого другого света» (Григорьев 1861. 27–28).

### **Заключение**

Кажется, что известную своим богатством палитру русской литературы классического периода трудно чем-то дополнить, и тем не менее Кохановской это удалось. Ее творчество внесло в отечественную прозу особую южную мягкость и лиричность, умиление без сентиментальности и добрый юмор. Читателей покорял и подлинно народный язык, значительно более яркий и живой, чем у городских «народолюбцев». Это привело к тому, что повести Кохановской в свое время не затерялись, хотя появились одновременно с шедеврами И. С. Тургенева и И. А. Гончарова. И тем не менее литературная

слава писательницы оказалась очень короткой, поскольку пронизывающая ее творчество религиозность и консервативные политические взгляды не отвечали новой эпохе. Прошло время, с появлением ряда посмертных публикаций в 1890-е годы интерес к Кохановской начал возрождаться, и можно предполагать, что ее оригинальная речевая личность повлияла на писателей начала XX века, обращавшихся к сказовой манере. Затем последовал долгий период полного забвения. Творчество забытой писательницы заслуживает самого серьезного отношения, и ближайшей задачей должно стать научно подготовленное издание ее сочинений и писем.

#### Литература

- 1- Анненков П.В. (2000). *Анненков П. В. Критические очерки*. СПб.: РХГА.
- 2- Бартенев П. И. (1885). *Бартенев П. И. Н. С. Соханская (Кохановская)* // Русский архив. 1885. № 4. С. 629–631.
- 3- Викторovich В. А. (2018). *Викторovich В. А. Уроки одной судьбы* // Коломенский альманах. Вып. 22. Коломна. С. 235–240.
- 4- Гиляров-Платонов Н.П. (2008). *Гиляров-Платонов Н.П. «Жизнь есть подвиг, а не наслаждение...»*. СПб.: «Институт русской цивилизации».
- 5- Григорьев Ап.А. (1861). [Григорьев Ап. А.] *Явления современной литературы уры, пропущенные нашей критикой*. Г-жа Кохановская и ее повести // Время. 1861. Т. V. № 9. Отд. II. С. 20–33.
- 6- Достоевский Ф. М. (1964). *Ф. М. Достоевский в воспоминаниях современников*. В 2 т., Т. 2. М.: «Художественная литература».
- 7- Кохановская (1863). *Повести и Кохановской*. В 2 т., Т. 1. М.
- 8- Кохановская (1872). *Кохановская [Соханская Н.С.]. О русской песне. Письмо к Ив. С. Аксакову* // «Гражданин». Журнал политический и литературный. Сборник 1872 г. Ч. 1. СПб., 1872. С. 1–14.
- 9- Кохановская (1896). *Автобиография Н.С. Соханской (Кохановской)* // Русское обозрение. 1896. № 6–12; отдельный оттиск: М., 1896.
- 10- Кохановская (2018). *Семья Аксаковых и Н. С. Соханская (Кохановская): Переписка. 1858–1884* / Составление, вступительная статья, подготовка текста и комментарии О. Л. Фетисенко. СПб.: «Пушкинский Дом».

- 11- Кохановская (2020). «Все мы, благородно-прост одушные провинциалы...»: Письма Кохановской (Н. С. Соханской) к М. Ф. Де-Пуле (1860–1866 гг.) / Вступительная статья, подготовка текста и комментарии О. Л. Фетисенко // Ежегодник Рукописного отдела Пушкинского Дома на 2020 год. СПб.: «Дмитрий Буланин». С. 222–262.
- 12- Платонова Н.Н. (1909). *Плат онова Н.Н. Кохановская (Н.С. Соханская)*. СПб.
- 13- Пономарев С.И. (1896). *Пономарев С.И. П.А Плет нев и Н.С. Соханская (Кохановская)* // Русское обозрение. 1896. № 6. С. 469–479.
- 14- Соханская Н.С. (1854). *Макаровская [Соханская Н.С.] Еще письмо из Малороссии* // Санкт-Петербургские ведомости. 1854. 8 июня. № 125. С. 617–619.
- 15- Старчевский А.В. (1884). *Из воспоминаний ст арого ж урналиста* // Новости и Биржевая газета. 1884. 16 дек. № 347. С. 3.
- 16- Толстой Л.Н. (1949). *Полное собрание сочинений: В 90 т., Т. 60*. М.: Государственное изд-во художественной литературы.
- 17- Фетисенко О.Л. (2021). *Кохановская: «Ст епной цвет ок» русской словесност и: Текст ы и конт екст ы Н.С. Соханской*. СПб.: «Пушкинский Дом».

### Bibliography

- 1- Annenkov P.V. (2000). *Annenkov P. V. Kriticheskie ocherki*. SPb.: RHGA.
- 2- Bartenev P. I. (1885). *Bartenev P. I. N. S. Sohanskaja (Kohanovskaja)* // Russkij arhiv. 1885. № 4. S. 629–631.
- 3- Viktorovich V. A. (2018). *Viktorovich V. A. Uroki odnoj sud'by* // Kolomenskij al'manah. Vyp. 22. Kolomna. S. 235–240.
- 4- Giljarov-Platonov N.P. (2008). *Giljarov-Platonov N.P. «Zhizn' est' podvig, a ne naslazhdenie...»*. SPb.: «Institut russkoj civilizacii».
- 5- Grigor'ev Ap.A. (1861). *[Grigor'ev Ap. A.] Javlenija sovremennoj literatury, propushhennye nashej kritikoj*. G-zha Kohanovskaja i ee povesti // Vremja. 1861. T. V. № 9. Otd. II. S. 20–33.
- 6- Dostoevskij F. M. (1964). *F.M. Dostoevskij v vospominanijah sovremennikov. V 2 t., T. 2*. М.: «Hudozhestvennaja literatura».
- 7- Kohanovskaja (1863). *Povesti Kohanovskoj. V 2 t., T. 1*. М.
- 8- Kohanovskaja (1872). *Kohanovskaja [Sohanskaja N.S.]. O russkoj pesne. Pis'mo k Iv. S. Aksakovu* // «Grazhdanin». Zhurnal politicheskij i literaturnyj. Sbornik 1872 g. Ch. 1. SPb., 1872. S. 1–14.

- 9- Kohanovskaja (1896). *Avtobiografija N.S. Sohanskoj (Kohanovskoj)* // Russkoe obozrenie. 1896. № 6–12; ot del'nyj ottisk: M., 1896.
- 10- Kohanovskaja (2018). *Sem'ja Aksakovyh i N.S. Sohanskaja (Kohanovskaja): Perepiska. 1858–1884* / Sostavlenie, vstupitel'naja stat'ja, podgotovka teksta i kommentarii O. L. Fetisenko. SPb.: «Pushkinskij Dom».
- 11- Kohanovskaja (2020). «*Vse my, blagorodno-prostodushnye provincialy...*»: *Pis'ma Kohanovskoj (N. S. Sohanskoj) k M. F. De-Pule (1860–1866 gg.)* / Vstupitel'naja stat'ja, podgotovka teksta i kommentarii O. L. Fetisenko // *Ezhegodnik Rukopisnogo otdela Pushkinskogo Doma na 2020 god.* SPb.: «Dmitrij Bulanin». S. 222–262.
- 12- Platonova N.N. (1909). *Platonova N.N. Kohanovskaja (N.S. Sohanskaja)*. SPb.
- 13- Ponomarev S.I. (1896). Ponomarev S.I. P.A. Pletnev i N.S. Sohanskaja (Kohanovskaja) // *Russkoe obozrenie*. 1896. № 6. S. 469–479.
- 14- Sohanskaja N.S. (1854). *Makarovskaja [Sohanskaja N.S.] Eshhe pis'mo iz Malorossii* // *Sankt-Peterburgskie vedomosti*. 1854. 8 ijunja. № 125. S. 617–619.
- 15- Starchevskij A.V. (1884). *Iz vospominanij starogo zhurnalista* // *Novosti i Birzhevaja gazeta*. 1884. 16 dek. № 347. S. 3.
- 16- Tolstoj L.N. (1949). *Polnoe sobranie sochinenij: V 90 t., T. 60.* M.: Gosudarstvennoe izd-vo hudozhestvennoj literatury.
- 17- Fetisenko O.L. (2021). *Kohanovskaja: «Stepnoj cvetok» russkoj slovesnosti: Teksty i konteksty N.S. Sohanskoj*. SPb.: «Pushkinskij Dom».

**HOW TO CITE THIS ARTICLE**

Fetisenko, O. (2022). Kohanovskaja (N. S. Sokhanskaya): A Historical-Literary Portrait. *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literatury*, 10(1), 143–159.

**DOI:** <https://doi.org/10.61186/iarll.19.143>

**URL:** <https://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/226>



## کاخانفسکایا (ن.س. ساخانسکایا): چهره تاریخی و ادبی

### اولگا لنانیداونافیتسینکا<sup>1\*</sup>

پژوهشگر برجسته، انستیتو ادبیات روسی (خانه پوشکین) وابسته به فرهنگستان علوم روسیه، سن پترزبورگ، روسیه.

(تاریخ دریافت: نوامبر 2021؛ تاریخ پذیرش: ژانویه 2022)

### چکیده

مقاله حاضر به معرفی و مطالعه زندگی نامه و سرنوشت ادبی ن.س. ساخانسکایا نویسنده اوکراینی، روسی و لهستانی تبار می پردازد (تخلص ادبی: کاخانفسکایا؛ 1823-1884). وی با اینکه هم عصر داستایفسکی و ای.س. آکساکوف بود، اما در همان ابتدای مسیر ادبی خود به واسطه شاگردی نزد پ.آ. پلتنیوف با حلقه شاعران دوره پوشکین آشنا شد و از نظر آرمان های خود بیشتر به آن دوران تعلق داشت. ساخانسکایا پس از گذراندن تمام زندگی خود در انزوای واقعی در مزرعه ای دورافتاده در استپ، نه تنها به شهرت و عشق و علاقه مخاطبان در سراسر روسیه دست یافت، بلکه در میان نویسندگان و فعالان اجتماعی سن پترزبورگ و مسکو نیز علاقه مندان و مخاطبان زیادی پیدا کرد. دوره قابل توجهی از فعالیت ادبی وی به زمان همکاری در نشریات اسلاووفیل برمی گردد که «شهرت» نویسنده را در جامعه ای که به طور فزاینده ای به سمت لیبرالیسم حرکت می کرد تحت الشعاع قرار داد: استهزا و تمسخر، فراموشی و قرار گرفتن در رده «نویسندگان مطرود» در انتظار او بود. در حال حاضر این نویسنده فراموش شده در روسیه دوباره مورد توجه قرار گرفته است و کار انتشار مجموعه آثار وی در حال انجام شدن است. سرنوشت ادبی «بانوی استپ» راهی طولانی در مسیر خودسازی، وسوسه شهرت و بازگشت به آثار به انزوا و به حاشیه رفته است.

**واژگان کلیدی:** ادبیات روس، جریان اسلاووفیل، کاخانفسکایا (ن.س. ساخانسکایا)، مکتب «مثبت».

1. E-mail: betsy98@mail.ru; ORCID:0000-002-5670-2656

نوع مقاله: علمی - پژوهشی \* نویسنده مسئول



## **New Archival Documents about the Gumilev-Sverchkov Family from the Collection of the Museum of Imperial Nikolas Gymnasium in Tsarskoye Selo**

**Brovkina Tatiana Yurievna<sup>1\*</sup>**

Researcher, Museum of Imperial Nikolas Gymnasium in Tsarskoye Selo,  
Pushkin, St. Petersburg, Russia.

(date of receiving: October, 2021; date of acceptance: January, 2022)

### **Abstract**

Over the past few years, in the course of research work, the Museum of the Imperial Nicholas Gymnasium has managed to identify several interesting documents in the St. Petersburg archives that clarify and shed light on new circumstances of the biographies of the Gumilev and Sverchkov family members. Some of them are quite sensational in nature, since they significantly correct previously published information about the family. Foremost, they concern the nephew and companion of Nikolai Gumilyov - Nikolai Leonidovich Sverchkov, Kolya Little, as he was called in the family. But among the documents and circumstances, there are those that make us take a fresh look at how they both ended up participating in the First World War. The author plans to present the documents collected in the course of the study in full in a book, which he hopes to publish next year, in the article he will tell about the most interesting of them.

**Keywords:** Gumilev, Sverchkov, Nikolas Gymnasium, Tsarskoe Selo, Archival Documents.

---

1. E-mail: pushkin.ng@gmail.com; ORCID: 0000-0002-2698-8657 \* Corresponding author

The article is dedicated to the 135th anniversary of Nikolai Gumilyov by the head of the Museum of the Imperial Nikolaev Tsarskoye Selo Gymnasium (GBU DO "Center for Children and Youth Technical Creativity and Information Technologies of the Pushkinsky District of St. Petersburg). Pushkin, St. Petersburg, Russia.

## **Новые архивные документы о семье Гумилёвых-Сверчковых из собрания Музея Императорской Николаевской Царскосельской гимназии**

**Бровкина Татьяна Юрьевна<sup>1\*</sup>**

**Исследователь,**

**Музей Императорской Николаевской Царскосельской гимназии,  
г. Пушкин, г. Санкт-Петербург, Россия.**

(дата получения: октябрь 2021 г.; дата принятия: январь 2022 г.)

### **Аннотация**

За последние несколько лет в ходе исследовательской работы Музеем Императорской Николаевской гимназии удалось выявить в петербургских архивах несколько интересных документов, уточняющих и проливающих свет на новые обстоятельства биографий членов семьи Гумилёвых и Сверчковых. Некоторые из них носят достаточно сенсационный характер, так как существенно корректируют ранее публиковавшиеся сведения о семье. В первую очередь они касаются племянника и спутника Николая Гумилёва — Николая Леонидовича Сверчкова, Коли Маленького, как его называли в семье. Но среди документов и обстоятельств есть те, которые заставляют по-новому взглянуть на то, как они оба оказались участниками Первой Мировой войны. Собранные в ходе исследования документы в полном объеме автор планирует представить в книге, которую надеется издать в следующем году, в статье будет рассказано о самых интересных из них.

**Ключевые слова:** Гумилёв, Сверчков, Николаевская Гимназия, Царское Село, Архивные Документы.

---

1. E-mail: pushkin.ng@gmail.com; ORCID: 0000-0002-2698-8657 \* Ответственный автор

Статья посвящается 135-летию Николая Гумилёва заведующим Музеем Императорской Николаевской Царскосельской гимназии (ГБУ ДО «Центр детско-юношеского технического творчества и информационных технологий Пушкинского района Санкт-Петербурга»). г. Пушкин, Санкт-Петербург, Россия.

## **Введение**

Исследователей творчества и биографии поэта Серебряного века Николая Степановича Гумилёва по всему миру очень много. Его личность вне всякого сомнения далее будет вызывать только больший интерес у научного сообщества и почитателей его творчества. И, несмотря на то, что написано и опубликовано о нём очень много, каждый новый документ, выявленный в государственных архивах или частных собраниях, вызывает вполне обоснованный интерес. За последние несколько лет в ходе исследовательской работы Музею Императорской Николаевской гимназии, который занимается изучением биографий своих выпускников, удалось выявить в петербургских архивах несколько интересных документов, уточняющих и проливающих свет на новые обстоятельства биографий семьи Гумилёвых и Сверчковых.

## **Основная часть**

Первый такой документ был выявлен в Российском Государственном Историческом архиве (РГИА) — это «План места и фасады дома, существующий и проект предполагаемой пристройки и служб, предполагаемых к постройке, принадлежащих кронштадтскому мещанину Василию Гавриловичу Сутягину, состоящих в 1 части г. Царского Села, 2 квартала по Малой улице под номером 64», утвержденный Царскосельским Дворцовым Правлением в 1870 году (РГИА. Ф.485. Оп.3. Д.858. 1819—1917. Л.2.). В 1911 году этот дом купит Анна Ивановна Гумилёва, о чем свидетельствует список владельцев дома на 1917 год, написанный на обороте Плана. И он станет последним домом Гумилёвых, в котором будут они жить все вместе.

Лист «Плана» разделен на три части:

Ч.1. «Фасад вновь предполагаемых служб» и «Фасад дома в существующем виде».

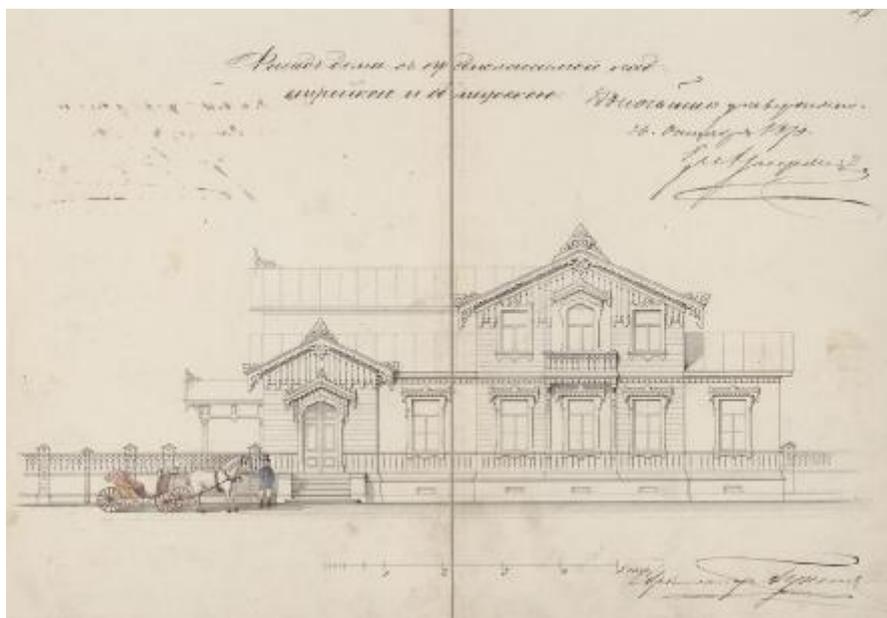
Ч.2. «План места принадлежащего Кронштадтскому мещанину Василию Гавриловичу Сутягину, состоящего в I части Царского Села, 2 квартала по Малой улице №64». Сверху карандашная помета: «№ городской 128».



**Фотография 1. Ч.2. «План места принадлежащего Кронштадтскому мещанину Василию Гавриловичу Сутягину, состоящего в I части Царского Села, 2 квартала по Малой улице №64». Сверху карандашная помета: «№ городской 128».**

На этой части показаны: «А. Существующий деревянный одноэтажный дом с предполагаемой надстройкою мезонина, пристройкою парадного входа лит. А и террасы под лит. В. Вновь предполагаемые к постройке службы. С. Земляной ледник. Д. Ворота. Е. Сад».

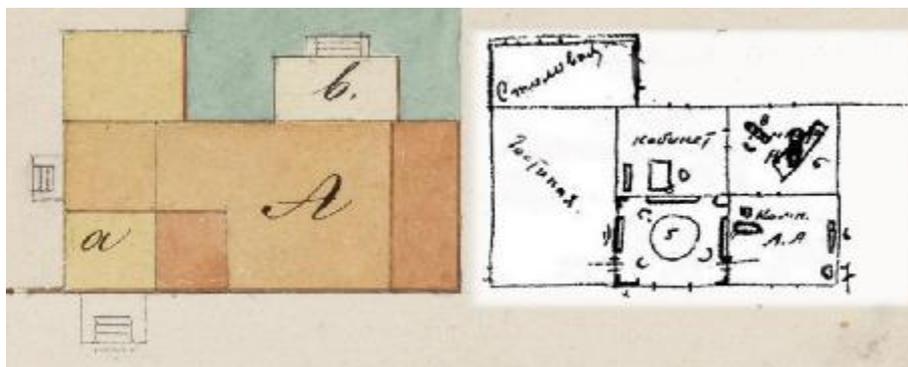
Ч.3. «Фасад дома с предполагаемой надстройкою и облицовкою. Высочайше утвержден 16 октября 1870 года. Подпись (не расшифровано)». Внизу подпись: «Архитектор А. Гунст».



**Фотография 2. «Фасад дома с предполагаемой надстройкою и облицовкою. Высочайше утвержден 16 октября 1870 года. Подпись (не расшифровано)». Внизу подпись: «Архитектор А. Гунст».**

С архитектором Гунстом, подписавшим проект, выходит небольшая заковыка: инициал «А» в подписи читается четко, но архитектор Александр Иванович Гунст (1862—1939), выпускник Николаевской гимназии 1883 года, не мог в 1870 году подписать план в силу своего возраста — в этом году ему исполнилось только 8 лет. Мог подписать его отец, так же царскосельский архитектор, но его имя Иоганн (Иван Карлович) Гунст (1831—1872). Вопрос с архитектором проекта остается пока открытым.

На обороте “Плана”, рядом со списком владельцев дома, указано, что на 1917 год номер дома был 63. Мы сопоставили план дома на проекте с известным планом 1-го этажа дома и расположения мебели в комнатах, нарисованным когда-то Павлом Лукницким (Лукницкая 1990, вклейка с иллюстрациями между С.199 и 200).



**Фотография 3. Совмещение фрагмента плана дома из архивного документа и рукописного плана, сделанного Павлом Лукницким**

На фотографии 3 хорошо видно, насколько точно и соразмерно натуре выполнил план Лукницкий, оба рисунка практически идеально накладываются друг на друга. Единственное, что не указано на плане Лукницкого — это терраса, обозначенная литерой “в.” и спуск в сад, обозначенный зеленой заливкой. Но террасу могли и не построить при реализации проекта, хотя это очень логично — выходить в сад из дома, а не обходить дом с улицы или сбоку. Или же терраса была разобрана позднее.

Владельцем дома на 1870 год был Сутягин Василий Гаврилович, который скончался 5 октября 1873 года, в довольно молодом возрасте — в 37 лет, и был похоронен на Казанском Царскосельском кладбище. 9 лет спустя там похоронят его супругу — Сутягину Анну Ивановну, скончавшуюся 30 декабря 1882 года в возрасте 40 лет. Дом, вероятно, будет далее принадлежать их наследникам, так как на “Плане” указаны только три владельца: некий г. Молчин; В. Г. Сутягин и А. И. Гумилёва.

Второй комплект документов, выявленных в архивах музеем, относится к биографии Николая Леонидовича Сверчкова (1891—1918) — Коли Маленького, племянника Н.С. Гумилёва, гимназиста Императорской Николаевской Царскосельской гимназии. Его студенческое дело хранится в

Центральном Государственном Историческом Архиве (ЦГИА). Наиболее важный в деле документ — копия метрического свидетельства №49 от 25 марта 1891 года, уточняющее дату его рождения. Николай Леонидович родился 10 марта (ст. ст.) 1891 года в Польше, в семье корнета пограничной стражи Леонида Владимировича Сверчкова (1865—1902) и Александры Степановны, урождённой Гумилевой (1869—1952). Крестили мальчика в Сосновицкой православной церкви Холмско-Варшавской епархии 21 марта того же года. Восприемниками стали командир 3-го отдела Ченстоховской Бригады пограничной стражи подполковник Василий Илларионович Арватов и бабушка, жена статского советника Анна Ивановна Гумилёва (ЦГИА СПб. Ф.449. Оп.1. Д.2805. Л.2). Таким образом, между дядей и племянником было не 8 лет разницы в возрасте, как можно увидеть в публикациях о нем, а всего 5 лет.

О характере отца мальчика, Сверчкова Леонида Владимировича, и о том, как они познакомились, хорошо известно из воспоминаний его супруги Александры Степановны. На 1890 год он служил в офицером-субалтерном Ченстоховской бригады пограничной стражи Калишского таможенного округа, на кордоне «Радоха» Сосновицкого отряда 3-го отдела в 1½ верстах от Катовиц Петроковской губернии. 25 мая 1890 года они обвенчались, а через 10 месяцев родился их первенец Николай. Через четыре года после свадьбы (1894) отец подал в отставку и был зачислен в запас по армейской кавалерии по Царскосельскому уезду. После выхода в отставку, вместе с семьей переехал в С.-Петербург и поступил счетоводом на Путиловский завод. На 1896—1897 годы его адрес в адресных книгах Петербурга указан на Молвинской улице, дом 13. Благодаря своему неуживчивому характеру, он перессорился с начальством и перевез семью в Москву, где получил место счетовода в правлении Московско-Брестской железной дороги. Там он и умер от туберкулеза в 1902 году.

Мама Коли Маленького, Александра Степановна Сверчкова, урождённая Гумилёва (1869—1952), родилась 27 июня (ст. ст.) 1869 года. Её послужной список был выявлен в фонде дел Царскосельской Мариинской гимназии (ЦГИА СПб. Ф.15. Оп.2. Д.1043. Л.1.).

Согласно нему, в 1886 году Александра получила аттестат об окончании курса Института Терезии Ольденбургской. Весной этого же года, как известно, она стала крестной своего младшего сводного брата Николая Гумилёва. На следующий год Александра поступила на службу преподавателем в школу г. Чернобровкиной в Царском Селе, где служила с 1 сентября 1887 года по 15 мая 1889 года.

Через год она вышла замуж и родила сына, прервав службу до 1902 года, когда овдовела. Александра Степановна возвращается из Москвы с сыном Колей и дочерью Марусей, родившейся в 1896 году в Петербурге. Она приехала в Царское Село, к свекру и свекрови, живших, как выяснилось, в это время в нашем городе на Павловском шоссе, Гумилёвых в это время в Царском Селе еще не было.

Четыре года — с 1 сентября 1902 года до 20 мая 1906 года — Александра преподает в профессиональной школе для девочек М. И. Аргамаковой. Царскосельские профессиональные школы Е.П. Томиловской и М.И. Аргамаковой являлись филиалами существовавших в столице учебных заведений. Здесь девочек учили грамоте, рукоделию и домоводству.

Летом 1903 года в Царское Село из Тифлиса возвращается семья её отца Степана Яковлевича Гумилёва.

1 сентября 1906 года Александра Сверчкова поступает классной надзирательницей в Царскосельскую Мариинскую женскую гимназию, где прослужит 11 (а не 18, как утверждают некоторые исследователи) лет, до 1917 года. С 1907 по 1913 годы она живет, согласно адресным книгам, на казенной квартире на Леонтьевской ул., д.17, в здании Мариинской женской гимназии. И только в 1913 году она переезжает в дом Гумилёвых на Малой ул., д.63. С

тех пор в семье Гумилевых жили два Николая: «Коля большой» и «Коля маленький», хотя, возможно, Александра Степановна жила в гимназической квартире с дочерью Марусей, а сына отправила в мужскую компанию братьев Гумилёвых, куда позднее переедет сама с дочерью.

Несколько слов о родителях Леонида Сверчкова. Выяснились совершенно сенсационные сведения об этой семье, которые побудили автора сесть за написание книги о семье Сверчковых, настолько неожиданными оказались они и настолько известны некоторые члены этой семьи.

Здесь необходимо отметить, что в Императорской Николаевской Царскосельской гимназии учились четыре мальчика по фамилии Сверчков, трое из них учились за 20 лет до Николая. И много лет автор пыталась выявить между ними родственные связи, но этого никак не удавалось сделать, а очень хотелось, так как двое из этих мальчиков были сыновьями очень известного не только в Царском Селе, но и в России, и даже за рубежом, человека. Речь идет о Сверчкове Николае Егоровиче (1817—1898) — статском советнике, академике живописи, профессоре, художнике-портретисте, анималисте, “певце русской лошади”, отце художниками-анималиста. Долгие годы семья художника жила в Царском Селе, в собственном доме на Павловском шоссе. Супругу художника звали Поликсения Владимировна, урожденная Бартоломей. У них было трое сыновей: Александр (1869—1894); Георгий (1872—1957), ставший, как и отец, художником; и Николай (1875—1890). Александр и Георгий и были теми двумя мальчиками, учившимися в Николаевской гимназии за 20 лет до Коли Маленького.

Но был еще третий Сверчков-гимназист — Борис, определить его родство с тремя другими Сверчковыми долгое время не удавалось. И вот благодаря сведениям, любезно переданным Музеем Николаевской гимназии исследователем из Москвы Н.М. Иванниковой автору удалось сложить этот пазл и выявить в архивах большое количество новых документов, проливающих свет на биографии членов семьи Сверчковых. У художника, как

сообщила Нинель Михайловна, было два брата, очень далеких от художественной среды — чиновник военного ведомства, действительный статский советник Павел Егорович Сверчков (1823/26—1885) и полковник полиции Владимир Егорович Сверчков (1831 — не ранее 1913). Последний приходится Коле Маленькому никем иным, как родным дедом! У него было трое детей: Леонид (1859—1902) — отец Коли Маленького; Ольга (1865 — не ранее 1936) и Борис (1867—1891). Борис был третьим мальчиком из семьи Сверчковых—гимназистов Николаевской гимназии, двоюродный брат Александра и Георгия и родной дядя Коли Маленького.

Дед и бабушка Коли Маленького Татьяна Ивановна Сверчкова, как следует из адресных книг, долгие годы жили в Царском Селе, в доме художника на Павловском шоссе и именно к ним, очевидно, приехала Александра Сверчкова, овдовев, из Москвы, в 1902 году. Самым поразительным в этой истории автору этих строк кажется тот факт, что в своих более, чем подробных воспоминаниях о семье Гумилёвых, Александра Сверчкова, мать Коли Маленького, ничего не написала о родителях её супруга, не одно десятилетие живших в Царском Селе по соседству с Гумилёвыми! Выявились много других интересных фактов и сведений о семье Сверчковых, но их мы планируем опубликовать в готовящейся к печати книге.

И еще несколько весьма любопытных, и даже сенсационных документов, выявленных в архивах. Они касаются уже самого Коли Маленького. Помимо уточнения даты его рождения, удалось пролить свет и на его образование. Он действительно учился в Николаевской гимназии вместе с братьями Гумилёвыми. Но учился там дольше них и гораздо менее успешно, хотя назвать успешной учебу Николая Гумилёва вряд ли можно. Но братья Гумилевы все-таки смогли получить аттестаты об окончании полного гимназического курса, чего не скажешь о Коле Маленьком. Он учился в Николаевской гимназии с 1902 по 1908 годы, на 1908 год он был учеником V класса. Также, как и его дядя Николай Гумилёв, успехами в учебе он не

отличался. Как следует из Выписки из Протокола Педагогического Совета гимназии (ЦГИА СПб. Ф.139. Оп.1. Д.11312. Л.10об.), весной 1908 года ему была назначена на осень переэкзаменовка сразу по трем предметам за курс V класса — русскому, немецкому и геометрии. Переэкзаменовку Коля провалил и получив свидетельство только за четыре класса, проучившись в гимназии 6 лет, выбыл из Николаевской гимназии. Директором гимназии в то время был уже не либеральный И.Ф. Анненский, а Я.Г. Мор, поставленный в гимназию “закрутить гайки”.

После Николаевской гимназии Николай еще два года учился в Петербургской гимназии С. А. Столбцова, получив свидетельство за шесть классов гимназии. Гимназия Сергея Столбцова была организована в Петербурге незадолго до поступления туда Николая Сверчкова — её история начинается в 1906 году, а в 1907 году ей было предоставлены права для учащихся с присвоением наименования “Частное реальное училище и гимназия С. А. Столбцова” (Пашкова 2015, 204-205). На 1915 год в этой гимназии учились 134 ученика.

Очевидно, что там были гораздо более скромные, чем в Николаевской гимназии, требования к поступающим ученикам. 1 мая 1912 года, взяв свидетельство о 4-х классах Николаевской гимназии и о 2-х классах гимназии Столбцова, Коля Сверчков подаёт прошение о зачислении его слушателем 2-го разряда на Санкт-Петербургские Каменноостровские сельскохозяйственные курсы (ЦГИА СПб. Ф.449. Оп.1. Д.2805. Л.1.).

Слушая рассказы дяди об удивительных африканских странах, племянник не мог не заразиться его страстью к путешествиям. И когда в 1913 году Н. Гумилёв организовал новую африканскую экспедицию, в качестве спутника он выбрал Колю Сверчкова, которому пришлось из-за этой экспедиции бросить учёбу на курсах. Экспедиция, как известно, длилась с 7 апреля по 20 сентября 1913 года и когда они вернулись, Коля Сверчков продолжил учебу на курсах, но успел к лету следующего года сдать только 3 зачетных предмета (ЦГИА

СПб. Ф.449. Оп.1. Д.2805. Л.7) Таким образом, можно уверенно констатировать, что никакого другого образования, кроме 6-ти лет гимназии и неоконченного курса обучения на сельскохозяйственных курсах у Коли Маленького не было.

С войной и службой в армии связана третья сенсационная находка. Ранее исследователями биографий Гумилёва указывалось, что Коля Маленький, так же как и Николай Гумилёв, имел освобождение от службы в армии, но они, якобы, дали писарю взятку и таким образом попали в армию. Теперь разрушен и этот миф. В деле Николая Сверчкова на Каменноостровских курсах нашелся прелюбопытнейший документ — его ранее нигде не публиковавшаяся фотография с его автографом.



Фотография 4. Сверчков Николай в студенческой куртке. Два автографа — Николая и пристава царкосельской полиции (ЦГИА СПб. Ф.449. Оп.1. Д.2805. Л.8.)

Самое интересное в ней — второй автограф, который начинается на лицевой стороне под автографом Николая и заканчивается на обороте: *“Подпись руки, а равно и личность от ст авного поручика кавалерии Николая Леонидовича Сверчкова удост оверяю февраля 7 дня 1911 г. Прист ав Подпись”* (ЦГИА СПб. Ф.449. Оп.1. Д.2805. Л.8об.). В деле Николая также есть справка, в которой говорится о том, что он 5 апреля 1911 года был приписан к Первому призывному участку Царскосельского уезда по свидетельству за №1891 (ЦГИА СПб. Ф.449. Оп.1. Д.2805. Л.3.). Как получилось, что с июня 1910 года, когда Николай окончил гимназию Столбцова, и до 2 февраля 1911 года, когда пристав удостоверял его личность (то есть, всего за 8 месяцев!), Николай Сверчков не только успел послужить в армии, но и стать отставным поручиком кавалерии???

У нас есть на этот счет версия, которая, в частности, может пролить свет и на то, как Николай Гумилёв и Коля Маленький попали в действующую армию после начала Первой Мировой войны. Предполагаем, что в службе Николая не обошлось без участия его дяди — Евгения Павловича Сверчкова (? — не ранее 1917), сына среднего брата художника, Павла Егоровича. Евгений Павлович был военным инженером; изобретателем, придумавшим “самолет”; политиком. Одним словом, личности настолько любопытной, что только о нем можно написать отдельную книгу. А главное, что, согласно адресным книгам, много лет (1901—1917) Евгений Павлович служил чиновником V класса по особым поручениям Главного управления по воинской повинности в Петербурге! И именно в его семье несколько лет жила бабушка Коли Маленького, после того, как художник скончался, а дом на Павловском шоссе в Царском Селе был продан. Через Сверчковых, Евгений Павлович приходился родней и Николаю Гумилёву. Комментарии, как говорится, излишни.

### Заключение

Автор очень надеется, что к уже выявленным и исследованным им документам, он сможет найти новые, рассказывающие о членах большой семьи Сверчковых, но даже уже собранные документы и сведения позволяют утверждать, что семья Сверчковых не менее интересна, чем семья Гумилёвых для исследователей биографии поэта Николая Гумилёва, а изучение биографий членов большой семьи Сверчковых может дать совершенно новые сюжеты и открытия в биографии поэта. Готовящуюся к публикации книгу о царкосельских и петербургских Сверчковых автор надеется издать в следующем году.

### Литература

- 1- *Выписка из Протокола Педагогического совета* // ЦГИА СПб. Ф.139. Оп.1. Д.11312. 1908. Годовая переписка ИНЦГ с Попечителем Учебного округа. Л.10об.
- 2- *План мест а и фасады дома, существующий и проект предполагаемой пристройки и служб, предполагаемых к пристройке, принадлежащих кронштадтскому Василию Гавриловичу Сутягину, состоящих в 1 части г. Царского Села, 2 квартала по Малой улице под номером 64* // РГИА. Ф.485. Оп.3. Д.858. 1819—1917. Л.2.
- 3- *Сведения о службе Сверчковой Александры Степановны на 6 сентября 1913 года.* // ЦГИА СПб. Ф.15. Оп.2. Д.1043. Царкосельская женская гимназия. 1913. Л.1.
- 4- *Личное дело студента С.-Петербургский Каменноостровский сельскохозяйственных курсов Николая Леонидовича Сверчкова. 8 л.* // ЦГИА СПб. Ф.449. Оп.1. Д.2805. 1912—1914. 8 листов.
- 5- Лукницкая В.К. (1990). *Николай Гумилев: Жизнь поэта по материалам домашнего архива семьи Лукницких.* Л.: Лениздат, 1990. Вклейка с иллюстрациями между С.199 и 200. План дома в Царском Селе по Малой, 63, правленая А.А. Ахматовой.
- 6- Пашкова Т.И. (2015). *Гимназии и реальные училища Петербурга. 1805—1917 гг.* Исторический справочник. СПб: Серебряный век, 2015 — 340 с., ил. С. 204-205.

**Bibliography**

- 1- *Vypiska iz Protokola Pedsoвета* // CGIA SPb. F.139. Op.1. D.11312. 1908. Godovaja perepiska INCG s Popechitelem Uchebnogo okruga. L.10ob.
- 2- *Plan mesta i fasady doma, sushhestvujushhij i proekt predpolagaemoj pristrojki i sluzhb, predpolagaemyh k postrojke, prinadlezhashhijh kronshadtskomu Vasiliju Gavrilovichu Sutjaginu, sostojashhijh v 1 chasti g. Carskogo Sela, 2 kvartala po Maloj ulice pod nomerom 64* // RGIA. F.485. Op.3. D.858. 1819—1917. L.2.
- 3- *Svedenija o sluzhbe Sverchkovoj Aleksandry Stepanovny na 6 sentjabrja 1913 goda*. // CGIA SPb. F.15. Op.2. D.1043. Carskosel'skaja zhenskaja gimnazija. 1913. L.1.
- 4- Lichnoe delo studenta S.-Peterburgskij Kamennooostrovskih sel'skohozjajstvennyh kursov Nikolaja Leonidovicha Sverchkova. 8 l. // CGIA SPb. F.449. Op.1. D.2805. 1912—1914. 8 listov.
- 5- Luknickaja V.K. (1990). *Nikolaj Gumilev: Zhizn' pojeta po materialam domashnego arhiva sem'i Luknickih*. L.: Lenizdat, 1990. Vklejka s illjustracijami mezhdju S.199 i 200. Plan doma v Carskom Sele po Maloj, 63, pravlennaja A.A. Ahmatovoj.
- 6- Pashkova T.I. (2015). *Gimnazii i real'nye uchilishha Peterburga. 1805—1917 gg.* Istoricheskij spravocnik. SPb: Serebrjanyj vek, 2015 — 340 s., il. S. 204-205.

**HOW TO CITE THIS ARTICLE**

Brovkina, T. (2022). New Archival Documents about the Gumilev-Sverchkov Family from the Collection of the Museum of Imperial Nikolas Gymnasium in Tsarskoye Selo. *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literaturny*, 10(1), 161–176.

**DOI:** <https://doi.org/10.61186/iarll.19.161>

**URL:** <https://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/220>



## اسناد بایگانی جدید درباره خانواده گومیلیوف-سورچکوف از مجموعه اسناد موزه مدرسه امپراتوری تزار نیکالای در تسارسکویه سیلو (پوشکین)

تاتیانا یوریونا براوکینا<sup>1\*</sup>

پژوهشگر، موزه مدرسه امپراتوری تزار نیکالای در تسارسکویه سیلو (پوشکین)،

پوشکین، سن پیتربورگ، روسیه

(تاریخ دریافت: اکتبر 2021؛ تاریخ پذیرش: ژانویه 2022)

### چکیده

موزه مدرسه امپراتوری تزار نیکالای طی چند سال اخیر در جریان کار پژوهشی، موفق به کشف چندین سند جالب توجه در آرشیو اسناد سن پیتربورگ شد که حقایق جدیدی را در زندگی نامه اعضای خانواده گومیلیوف و سورچکوف روشن و آشکار می کند. برخی از آنها بسیار باارزش هستند، به این دلیل که اطلاعات منتشر شده قبلی در مورد خانواده را به میزان قابل توجهی تصحیح می کنند. در وهله اول، این اطلاعات مربوط به نیکالای لئونیدوویچ سورچکوف خواهرزاده، یار و همراه نیکالای گومیلیوف است که در خانواده او را کولیای کوچک (کولیا مالنکوف) صدا می کردند. اما در میان اسناد و مدارک، اطلاعاتی وجود دارد که دید تازه ای به نحوه حضور هر دوی آنها در جنگ جهانی اول ارائه می کند. نویسنده قصد دارد اسناد جمع آوری شده در طول پژوهش را به طور کامل در کتابی ارائه کند که امیدوار است سال آینده منتشر شود، مقاله به تبیین مهمترین و جالبترین آنها می پردازد.

**واژگان کلیدی:** گومیلیوف، سورچکوف، مدرسه نیکالای، تسارسکویه سیلو (پوشکین)، اسناد بایگانی و آرشیوی.

1. E-mail: pushkin.ng@gmail.com; ORCID: 0000-0002-2698-8657

نوع مقاله: علمی - پژوهشی \* نویسنده مسئول

این مقاله توسط رئیس موزه مدرسه امپراتوری تزار نیکالای در تسارسکویه سیلو (شهر پوشکین، سن پیتربورگ روسیه) به مناسبت صدوسی و پنجمین سال تولد نیکالای گومیلیوف اهدا شده است.

## Life Feat of the Louknitsky Family

Medvedko Olga Leonidovna<sup>1\*</sup>

Senior Teacher, Russian State University of Justice,

Москва, Russian.

(date of receiving: August, 2021; date of acceptance: January, 2022)

### Abstract

This article is devoted to the life and creative work of Pavel Nikolaevich Louknitsky, the first biographer of the poets Nikolai Gumilev and Anna Akhmatova. The article tells the readers how Pavel Nikolaevich, his wife Vera Konstantinovna and their son Sergei have contributed to the cause of preserving the memory of the poet Nikolai Gumilev, his archive and literary heritage. They were the founders of the contemporary Gumilev studies. Pavel Louknitsky and his family have been keeping the poet's archive for many decades, often risking their own lives in doing so. They also did their best to promote the works of innocently murdered poet. Sergei Louknitsky devoted 20 years of his life to rehabilitation of Nikolai Gumilev which took place only in 1991. After that, the books by Gumilev were published in millions of copies. The family transferred the archive to the Pushkin House Museum in Saint Petersburg in 1997. Only due to this in 1998-2006 the complete collection of works by Gumilev with commentaries in 8 volumes was published.

**Keywords:** Louknitsky, Nikolai Gumilev, Anna Ahmatova, Archive, Rehabilitation.

---

1. E-mail: medved12@list.ru; ORCID: 0000-0002-8074-723X

\* Corresponding author

The article is dedicated to the 135th anniversary of Nikolai Gumilev as the chairman of the Gumilev Society.

## **Жизненный подвиг семьи Лукницких**

**Медведко Ольга Леонидовна<sup>1\*</sup>**

Старший преподаватель,  
Российский государственный университет правосудия,  
Москва, России.

(дата получения: август 2021 г.; дата принятия: январь 2022 г.)

### **Аннотация**

Статья посвящена жизни и творчеству Павла Николаевича Лукницкого, первого биографа Николая Гумилева и Анны Ахматовой. В ней рассказывается, какой вклад внесли Павел Лукницкий, его жена Вера Константиновна и их сын Сергей в дело сохранения памяти поэта Н. Гумилева, его архива и творческого наследия. Ими были заложены основы гумилевоведения. Семья на протяжении многих лет часто с риском для жизни хранила архив поэта и занималась продвижением творчества невинно расстрелянного поэта. Сергей Лукницкий посвятил 20 лет жизни делу реабилитации Н.С. Гумилева, которая состоялась лишь в 1991 году. После этого книги Николая Гумилева стали издавать миллионными тиражами. Архив Гумилева был сдан в Пушкинский дом в 1997 году и благодаря этому в 1998 – 2006 годах вышло комментированное полное собрание сочинений Н.С. Гумилёва в 8 томах.

**Ключевые слова:** Лукницкий, Гумилев, Ахматова, Архив, Реабилитация.

---

1. E-mail: medved12@list.ru; ORCID: 0000-0002-8074-723X

\* Ответственный автор

**Введение**

Павел Николаевич Лукницкий (1902-1973) – необыкновенный, удивительный, человек: начинал как поэт, многие знали его как писателя, путешественника, первооткрывателя гор и месторождений. Его называли ровесником века и летописцем, но в историю литературы он вошел как первый биограф поэта Николая Гумилёва. В его жизни чудесным образом соединились путешествия и географические открытия, исследования полезных ископаемых, горных хребтов, и Памирских пиков. В его бурной биографии упоминаются бои, плен и смелые побег; многочисленные любовные романы в буйной юности. Но всю жизнь он был рыцарски предан лишь одной Прекрасной даме - Анне Ахматовой, с которой он познакомился, когда был еще студентом. А пришел он к ней в 1924 году ради своего кумира, главного конкистадора начала XX века Николая Гумилева. Всю свою жизнь он собирал и сохранял, порою с риском для жизни, свой уникальный архив Серебряного века с уникальными рукописями Ахматовой, Гумилева, Мандельштама, Цветаевой, Пастернака и многих других.

Павел Николаевич Линицкий, профессиональный журналист, вел дневниковые записи с 1914 по 1973 годы на протяжении 60 лет. Его сын, Сергей Павлович Лукницкий, писатель, юрист, продолжатель дела отца, 20 лет жизни посвятил делу реабилитации Николая Гумилёва. Он говорил: «Отец глубоко ощущал неповторимость мига, его эфемерность, его бесценность, его же вечность. Он жил, чтобы сохранить этот миг для потомков» (Лукницкий С. 2002. 19) .

Сам Павел Лукницкий никогда не видел и не встречался с Гумилевым, но его трагическая судьба и расстрел поэта в 1921 году придали его увлечению юности не только романтический, но и целенаправленный характер. Его исследования жизни и наследия Гумилева побудили его к собственному поэтическому творчеству и к сбору разнообразных материалов о поэте, а в

дальнейшем к составлению биографии и библиографии поэта, к сбору воспоминаний современников, поиском его книг и личных вещей.

В Петроградском университете в 1924 году происходит судьбоносная встреча Павла Лукницкого с Владимиром Шилейко и Михаилом Лозинским (Сборник статей 2005. 5) – поэтами, переводчиками, друзьями Гумилёва. Они видели искреннюю увлеченность молодого студента творчеством Николая Гумилева и решили предложить ему написать дипломную работу о погибшем поэте. Удивительное время, когда это еще было возможно. «Времена были еще вегетарианские», по выражению Ахматовой (Мандельштам 1999. 145).

### **Основная часть**

Лукницкий с большой охотой и энтузиазмом взялся за это дело и по рекомендации старших друзей обратился за помощью к Анне Ахматовой. В декабре 1924 г. молодой студент пришел в дом к Ахматовой и рассказал ей о своих планах по написанию дипломной работы по жизни и творчеству Николая Гумилёва. Она благосклонно отнеслась к его просьбе, потому что отчетливо осознавала, что если она сейчас не передаст то, что знает, то эта информация будет утеряна навсегда, и эта потеря будет уже невозможна. Она начала с того, что направила Павла Николаевича к нужным людям, которые еще помнили и многое могли поведать о Николае Степановиче. На протяжении многих лет Анна Ахматова с помощью своих верных друзей, Павла Лукницкого и Льва Горнунга, создавала летопись жизни Николая Гумилева, «славя имя горькое его».

Для Павла Лукницкого все представляло интерес: каждая бумажка с автографом поэта, заметки, отдельные строчки, обрывки статей, любые фотографии, если они были связаны с Гумилевым. В то время он часто навещает Анну Николаевну Энгельгард, вторую жену Николая Гумилева и надеялся, что она сможет дать ему важные сведения о последних годах жизни

своего мужа. Он делал несколько попыток записать ее воспоминания о Гумилеве, о его привычках, о ее жизни с ним, хотя бы то небольшое, что она помнила, но развернутого рассказа не получилось. Она передала ему некоторые книги и вещи Николая Гумилева, в том числе его портфель и уникальную икону «Пророк на льве» абиссинского художника Ато Энгедуарка, которую Гумилев привез из Африки в 1913 году (Лукницкая В. 2005. 137).

Анна Ахматова после расстрела Гумилева оставалась верной его памяти и скрупулезно воссоздавала в воспоминаниях, устных рассказах и в стихах короткую и яркую жизнь поэта. Она чувствовала свою ответственность за сохранение его литературного наследия. Самое главное то, что она гораздо внимательней и глубже многих современников и литературоведов всматривалась в Гумилева-художника. Она говорила о Гумилеве: «Самый непрочитанный поэт» (Ахматова 1998. 100).

70 лет забвения не смогли стереть память о поэте, которая жила и живет. В любые времена находились почитатели Гумилева, которые с риском для жизни упорно хранили эту память о невинно расстрелянном поэте, чтобы донести ее до следующих поколений. Ученица Гумилева Ида Наппельбаум за хранение у себя дома портрета учителя получила 10 лет лагерей. Это произошло в 1951 году, когда самого портрета уже давно не было, ведь его сожгли еще в роковом 1937 году. И тем не менее ее арестовали и посадили, настолько велика была ненависть к великому поэту. Ее выпустили только в 1954 году, а позже реабилитировали.

К таким подвижникам, которые на протяжении многих лет сохраняли документы, фотографии, рукописи и вещи поэта, принадлежала и семья Лукницких. Сохранение архива Гумилева стало судьбой семьи на многие годы, начиная с 1920-х годов. С тех пор, как Павел Лукницкий впервые пришел к Ахматовой и до конца жизни он был преданным летописцем двух

больших русских поэтов Серебряного века. По словам Н. Струве он стал первым биографом Николая Гумилёва и «первым Эккерманом Анны Ахматовой» (Лукницкий П., Встречи с Анной Ахматовой 1991. 5). Ежедневно, около пяти лет, он вел записи всего, что ему рассказывала Анна Ахматова о жизни и творчестве Николая Гумилева (Лукницкий П., Встречи с Анной Ахматовой, 1997. 93). Он стал её секретарем и близким другом. Но одновременно с работой о Гумилеве писалась и другая биография, которую автор назвал «Асуміана» – результат 2000 встреч с Анной Андреевной. Это был свод записей и собрание писем, документов, воспоминаний, относящихся к Акуме (колдунья – в переводе с японского), как звали Ахматову ее близкие. Такое прозвище дал ей ее второй муж востоковед Владимир Каземирович Шилейко (Лукницкий П., Встречи с Анной Ахматовой, 1991. 3).

В одном из своих стихотворений, посвященных Ахматовой, Павел Николаевич записал:

Твоею жизнью ныне причащен,  
Сладчайший, смертный отгоняя сон,  
Горя, тоскуя, пьяно, как в бреду,  
Я летопись твоих часов веду...  
(Лукницкий П. 1998. 12)

Лукницкий записывал в дневнике все: обстоятельства и разговоры своих встреч с Анной Андреевной. Кропотливо изо дня в день Павел Лукницкий дотошно описывает быт, обстановку, настроения, самочувствие, беседы, высказывания Ахматовой и тех, кто ее окружал. Более того, он хранил всё: фотографии, газеты, пригласительные билеты в клуб, программки концертов, письма, платежные квитанции, протоколы собраний, продовольственную карточку эпохи гражданской войны, железнодорожные и трамвайные билеты и т.д. В сложнейших условиях Лукницкий собрал огромный архив Гумилёва, в

который входили не только рукописные материалы, документы, но и периодика, ранние сборники поэта, его личные мемориальные вещи, связанные с жизнью и творчеством Николая Гумилева. Он собрал все поэтические сборники всех изданий поэта, прозу, пьесы, переводы – практически все, вышедшее в периодической печати, литературоведческие работы Гумилева и статьи о нем, его автографы, рукописи, рисунки и личные вещи. Лукницкий не сомневался, что его записи и собранные им подлинные материалы пригодятся исследователям истории литературы в будущем. В 1927 году Павла Лукницкого арестовали за его деятельность по собиранию материалов о жизни и творчестве «врага народа» Николая Степановича Гумилева. Павел провел в тюрьме несколько недель. Вскоре его освободили из-под ареста с условием, что он прекратит ведение дневников и уничтожит материалы, собранные ранее (Лукницкий С. 2002. 13).

В течение нескольких лет Павел Николаевич находился в переписке со всеми тремя членами семьи Гумилева. Он несколько раз ездил в Бежецк и встречался с членами семьи Гумилева: с его матерью Анной Ивановной и сводной сестрой поэта Александрой Степановной Сверчковой. Верный себе, он записывал их свидетельства и воспоминания об истории рода Гумилевых, детских и юношеских годах Николая Степановича. Анна Ивановна, мать поэта, настолько прониклась доверием к молодому биографу Николая Степановича, что под строгим секретом передала ему письма и некоторые личные вещи сына: евангелие, молитвенник, его ручку, часы, его географические карты и книги, настольные игры – цифровое и литературное лото. В стесненных условиях ей негде было хранить эти вещи, кроме того, она верила, что у Павла Николаевича они будут в целостности и сохранности. Время доказало ее правоту. Все эти вещи дожили до наших дней и сейчас находятся в Пушкинском Доме в Петербурге и в экспозиции «Николай Гумилев - поэт, воин, путешественник» в Бежецке.

Университетская курсовая работа переросла в серьезное научное исследование и превратилась в рукописный двухтомник «Труды и дни Н.С. Гумилева» - хронологическая канва жизни и творчества Н. Гумилева, свод конкретных фактов и событий. 22 июня 1925 г. Лукницкий защищает диплом. К сожалению, эта рукопись не сохранилась, но есть черновик развернутого плана работы над книгой «Труды и дни Н.С.Гумилева» (публикуется впервые, архив О.Л. Медведко):

**«1924-28 год. План работы»**

Стадии:

- I. Собираание материала: а) литературного; б) биографического
  - II. Систематизирование собранного материала.
  - III. Критический анализ. Очистка от методологических неправильностей.
  - IV. Подведение марксистской базы:
    - а) Выявление идеологии поэта
    - б) Характеристика эпохи и места Н.Г. в истории литературы.
    - в) Выявление того, чем изучение произведений Н.С. может быть полезно современной, пролетарской поэзии.
  - V. Составление полного собрания сочинений, в историко-литературном плане, составленного по марксистскому методу, с выявлением эволюции творчества, литературного направления, классовой принадлежности, с приложением биографии, составленной в рамках, достаточных для правильного понимания творчества.
- К 1924-25 году производится первая стадия работы.
- К 1 января 1926 года I-ю стадию закончить
- К 1 июля 1926 года II-ю стадию закончить

К 1 января 1927 года III-ю стадию закончить

К 1 июля 1927 года IV-ю стадию закончить

К 1 июля 1928 года V-ю стадию закончить.

Для выполнения работы необходимо 4 года. *Лукницкий П.»*

Как мы видим, подводя «марксистскую базу» под свое исследование Павел Лукницкий предпринял отчаянную попытку если не реабилитировать, то хотя бы узаконить Гумилева в глазах советской власти, примирить его с ней. Одно то, что защита диплома по Гумилеву состоялась, уже было необыкновенным событием и первым кирпичиком в советском гумилевоведении. Но защита диплома не означала конец исследований для Павла Николаевича. Совсем напротив, это оказалось только началом серьезной работы по систематизированию материалов по Гумилеву. Верность Николаю Гумилеву и дружба с Анной Ахматовой остались у Лукницкого на всю жизнь, вплоть до кончины Анны Андреевны в 1966 году.

В 1927 году работа «Труды и дни Н.С. Гумилева» в целом была закончена. Первая часть существовала в трех экземплярах машинописного текста, доводящего биографию поэта до марта 1918 года, т.е. до отъезда Гумилева из Англии в Советскую Россию. Вторая часть существовала в единственном рукописном экземпляре, где жизнь поэта была описана Лукницким до его трагического конца в 1921 году, а также там были приведены библиографические и другие статьи 1922-1925 годов. Оба тома находятся сейчас в ИРЛИ в СПб. Один машинописный экземпляр первого тома Лукницкий подарил Ахматовой, а она в 1960-х годах отдала его английской исследовательнице Аманде Хейт. Сама книга Лукницкого «Труды и дни Н.С. Гумилева» (Лукницкий П. 2010. 5) с подробнейшими комментариями была издана в СПб только в 2010 году, т.е. 85 лет после ее написания. Как известно, рукописи не горят, тем более такие судьбоносные.

В 1932 году Павел Лукницкий работал в составе геологической экспедиции, и ему удалось открыть гряду гор на Памире. Самый высокий пик он назвал пиком Маяковского – символа революции. А рядом еще два: пик Ак-мо и массив Шатер. «Ак-мо» – это «Acumiana» Лукницкого, его Ахматова. «Шатер» – тоже зашифрованное название, это – последний прижизненный сборник стихов Гумилева. Таким образом, Павел Лукницкий поставил памятник своим любимым поэтам и увековечил их имена (Лукницкая В. 1988. 5). В 1976 году альпинисты открыли еще один пик на Памире. Так на географической карте Памира появился пик Лукницкого.

На протяжении 5 лет с 1924 по 1929 год Павел Николаевич почти ежедневно бывает у Ахматовой. Он часами записывает их разговоры, ее воспоминания и если какие-то сведения или данные повторялись, Павел Николаевич упорно записывал все варианты услышанного. Он верил, что для истории мелочей нет, важно все. Их общение прерывалось только на время отъездов Ахматовой из Петрограда и на время летних путешествий Павла на Кавказ и Крым. По рекомендации Ахматовой Лукницкий встречается со многими современниками Гумилева, лично знавших его. Он опрашивает и записывает воспоминания о Гумилеве В.К. Шилейко, М.Л. Лозинского, М.А.Зенкевича, В.И. Нарбута, М.А.Кузмина, А.Н. Энгельгардт (второй жены Гумилева), М.М. Тумповской, О.А. Мочаловой, Г.И. Чулкова, Н.С. Войтинской, Н.А. Шишкиной и многих других. В 1923 году Нина Алексеевна Шишкина-Цур-Милен подарила своему близкому другу Павлу Лукницкому часть архива Гумилева и более двух десятков белых автографов его стихотворений и черновых вариантов. Это заложило основу уникального Гумилевского архива. Вдова Брюсова Иоанна Матвеевна дает Лукницкому скопировать письма Гумилева ее мужу и дарит ему редкий портрет Пушкина, где он очень похож на африканца. Этот портрет когда-то Николай Гумилев подарил Валерию Яковлевичу вместе со своими первыми африканскими

стихами. В архиве бывшей Царскосельской гимназии Лукницкий копирует ученическое дело Гумилева, а в библиотеке Пушкинского Дома составляет опись книжного собрания поэта. Иногда свои записи Линицкий вел скорописью и до сегодняшнего дня некоторые первичные записи так и остались не развернутыми наметками, но и они представляют большую ценность для исследователей. Какие-то сведения, которые давала Ахматова, вроде бы и повторялись, но детали в них были разные или события трактовались по-иному. Во время каждой встречи Павел добросовестно записывал все варианты услышанного, не надеясь на память. Сиюминутность, точность и достоверность - вот главные ценнейшие качества дневников Лукницкого. Он стремился запечатлеть изменчивый образ человека в данное мгновение. В сокращенных стенограммах бесед, он подмечал какой-нибудь характерный жест человека, чётточку, в которых угадывалось то неуловимое, что определяет личность человека. В своих дневниках, написанных по горячим следам мимолетных впечатлений, он хотел сохранить для потомков своих современников живыми.

Лукницкий был собирателем и хранителем самого большого архива Серебряного века – в нем были рукописи Гумилева, Ахматовой, Мандельштама, Цветаевой и т.д. Всю свою жизнь П.Н. Лукницкий боролся за реабилитацию доброго имени великого поэта Н.С. Гумилёва. В 1968 г. он предпринимал попытки снять запрет с имени Гумилёва и с этой просьбой обратился к Генеральному прокурору СССР, но получил отказ (Лукницкий С., 1996, 5). Незадолго до смерти, он завещал своему сыну Сергею реабилитировать поэта. Продолжателями великого подвижнического труда П.Н. Лукницкого стали его жена Вера Константиновна и их сын Сергей. Уникальный архив Серебряного века был сдан семьей Лукницких в Пушкинский дом в Санкт-Петербурге в 1997 году. Благодаря этому в 1998 – 2006 годах вышло комментированное полное собрание сочинений Н.С.

Гумилёва в 8 томах. Павел Николаевич умер в 1973 году, так и не увидев это издание, ведь реабилитация поэта еще не состоялась к этому времени.

Сергей Павлович Лукницкий (1954–2008) кандидат географических и доктор социологических наук, ученый, известный писатель, был первый, кто добрался до «Дела Гумилева» в архивах КГБ и добился реабилитации поэта. Что бы Сергей ни делал, он все время помнил об обещании, данном отцу, о трудном и опасном в то время деле реабилитации. Чтобы восполнить недостающее юридическое образование, Сергей Лукницкий поступил в Московскую юридическую академию и в 1983 г. закончил ее и получил специальность юриста-правоведа. В 1984 м ему поступило предложение из МВД СССР создать и возглавить пресс-бюро, а в 1988 году Сергей организовал PR-службу Советского фонда культуры под руководством Дмитрия Сергеевича Лихачева. Вместе с академиком Лихачевым Сергей продолжил кропотливую работу по делу реабилитации расстрелянного поэта Николая Гумилева. Из записей Сергея Лукницкого: «Занятие Гумилевым судьба нашей семьи. А от судьбы, как известно, не уйдешь. Где бы я ни работал - в «Литературной газете», в Прокуратуре СССР, в МВД СССР, в Советском фонде культуры, везде меня настигал рок, и я принужден был снова возвращаться к Гумилеву. Чтобы доискаться до правды, мне понадобился 21 год» (Лукницкий С. 2002. 24).

Медленно, шаг за шагом, Сергей Лукницкий шел к своей цели. Наконец в 1991 году после больших усилий ему удается наконец получить следственное дело Николая Гумилева из архивов КГБ под названием: «ПБО. Соучастники». Он тщательно изучает его как юрист и точно устанавливает, что оно было полностью сфальсифицировано. В своей книге «Есть много способов убить поэта» (Лукницкий С. 2002. 3), которую Сергей Лукницкий назвал «социально-правовым исследованием», он описывает фактически детективную историю дела реабилитации великого русского поэта. Это произошло лишь в

1991 году, 70 лет спустя после расстрела. Расследованию «Дела Н.С. Гумилёва» посвящены две книги С.П. Лукницкого «Дело» Гумилева» (Лукницкий С. 1996. 5) и «Есть много способов убить поэта». Уникальный архив Павла Лукницкого был передан его семьей в Пушкинский дом в 1997 году.

### **Заключение**

Значение вклада семьи Лукницких в дело сохранения памяти Николая Гумилёва трудно переоценить. Павел Лукницкий создал первое полное описание жизненного и творческого пути поэта Николая Гумилёва и заложил основы гумилеведения. Он сохранил архив Гумилевых и Анны Ахматовой. На протяжении 40 лет он писал летопись «Акумиана» и внес значительный вклад в ахматоведение. В 1968 году он предпринял первую попытку реабилитации Н. Гумилёва, и хотя она не удалась, его сын Сергей Лукницкий осуществил реабилитацию поэта в 1991 году. Вера Константиновна и Сергей Павлович Лукницкие всю жизнь занимались продвижением творчества Н.С. Гумилева и в 80-е годы впервые издали несколько книг Н. Гумилева и о нем. К сожалению, сейчас мало кто знает, что сохранению творческого наследия Николая Гумилева и Анны Ахматовой в значительной мере мы обязаны жизненному подвигу семьи Лукницких. Их деятельность стала основой для создания Гумилевского общества в 2011 году и Музейно-выставочного центра «Дом Гумилёвых» в Бежецке в 2021 году. Дело семьи Лукницких живо, и его продолжают их последователи, подвижники нашего времени.

### **Литература**

- 1- Ахматова А. (1998). *Собрание сочинений в 6 т омах*, Москва: Эллис Лак.
- 2- Лукницкая В. (2005). *Любовник, рыцарь, лет описец*, Санкт-Петербург: Сударыня.

- 3- Лукницкий П. (1991). *Вст речи с Анной Ахматовой*, т.1, Paris: YMCA-PRESS.
- 4- Лукницкий П. (1997). *Вст речи с Анной Ахматовой*, т.2, Париж-Москва: Русский путь, YMCA-PRESS.
- 5- Лукницкий П. (1998). *Ст ихот ворения*, Москва: Спас.
- 6- Лукницкий П. (2010). *Труды и дни Н.С. Гумилева*, Санкт- Петербург: Наука.
- 7- Лукницкий С. (1996). «Дело» Гумилева, Москва: Спас.
- 8- Лукницкий С. (2002). *Есть много способов убить поэта*, Москва: Русский двор.
- 9- Сборник статей (2005). *Н.Гумилев, А.Ахматова: по материалам историко-литературной коллекции П.Лукницкого*, Санкт-Петербург: Наука.
- 10- Мандельштам Н. (1999). *Вторая книга*, Москва: Согласие.

### Bibliography

- 1- Ahmatova A. (1998). *Sobranie sochinenij v 6 tomah*, Moskva: Jellis Lak.
- 2- Luknickaja V. (2005). *Ljubovnik, rycar', letopisec*, Sankt-Peterburg: Sudarynja.
- 3- Luknickij P. (1991). *Vstrechi s Annoj Ahmatovoj*, t.1, Paris: YMCA-PRESS.
- 4- Luknickij P. (1997). *Vstrechi s Annoj Ahmatovoj*, t.2, Parizh-Moskva: Russkij put', YMCA-PRESS.
- 5- Luknickij P. (1998). *Stihotvorenija*, Moskva: Spas.
- 6- Luknickij P. (2010). *Trudy i dni N.S. Gumileva*, Sankt- Peterburg: Nauka.
- 7- Luknickij S. (1996). «Delo» Gumileva, Moskva: Spas.
- 8- Luknickij S. (2002). *Est' mnogo sposobov ubit' pojeta*, Moskva: Russkij dvor.
- 9- Sbornik statej (2005). *N.Gumilev, A.Ahmatova: po materialam istoriko-literaturnoj kolekcii P.Luknickogo*, Sankt-Peterburg: Nauka.
- 10- Mandel'shtam N. (1999). *Vtoraja kniga*, Moskva: Soglasie.

#### HOW TO CITE THIS ARTICLE

Medvedko, O. (2022). Life Feat of the Louknitsky Family. *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literatury*, 10(1), 177–191.

**DOI:** <https://doi.org/10.61186/iarll.19.177>

**URL:** <https://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/216>



## خدمات ایثارگرانه خانواده لوکنتسکی

### اولگا لنانیداونا مدودکا<sup>1\*</sup>

استادیار پیشکسوت دانشگاه دولتی علوم قضایی روسیه،  
مسکو، روسیه.

(تاریخ دریافت: اوت 2021؛ تاریخ پذیرش: ژانویه 2022)\*

### چکیده

مقاله حاضر به زندگی و آثار پاول نیکالایویچ لوکنتسکی، اولین زندگینامه‌نویس نیکالای گومیلیوف و آنا آخمتوا می‌پردازد. مقاله به توصیف نقش و سهم ارزنده پاول لوکنتسکی، همسرش ورا کانستانتیناونا و پسرشان سرگئی در حفظ نام شاعر ن. گومیلیوف، آرشیو و آثار ادبی وی اختصاص دارد. آنها پایه‌های گومیلیوف‌شناسی را نهادند. این خانواده سال‌های زیاد با به جان خریدن ریسک‌های مخاطره‌آمیزی که زندگی‌شان را در معرض تهدید قرار می‌داد، مجموعه آثار این شاعر را که به ناحق تیرباران شده بود نگهداری می‌کردند و انتشار می‌دادند. سرگئی لوکنتسکی 20 سال از زندگی خود را وقف احیای نام گومیلیوف کرد و این امر تنها در سال 1991 محقق گردید. پس از آن، انتشار آثار نیکالای گومیلیوف در میلیون‌ها نسخه آغاز گردید. آرشیو آثار گومیلیوف در سال 1997 به خانه پوشکین تحویل داده شد و در پی آن در سال 1998 تا 2006 مجموعه کامل آثار ن.س. گومیلیوف همراه با توضیحات و تفاسیر در 8 جلد منتشر گردید.

واژگان کلیدی: لوکنتسکی، گومیلیوف، آخمتوا، آرشیو آثار، احیا.

1. E-mail: medved12@list.ru; ORCID: 0000-0002-8074-723X

نوع مقاله: علمی - پژوهشی \* نویسنده مسئول  
مقاله به صدوسی و پنجمین سال تولد نیکالای گومیلیوف اهدا شده است.



## **Proposing a Solution to solve the Polysemy of Words in Translating the Quran; (a Case Study of the Three Words "Tāmmah", "Sāhira" and "Da'ḥā" in Russian Translations by Krachkovsky and Zinalouf )**

**Hemmatzadeh Shahram<sup>1\*</sup>**

Assistant Professor, Department of Russian and Slavic Languages,  
Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

**Heydari Abravan Zahra<sup>2</sup>**

PhD student in theology, Department of Theology, Ferdowsi University,  
Mashhad, Iran.

(date of receiving: May, 2021; date of acceptance: October, 2021)

### **Abstract**

The ability of a word to have several meanings is called polysemy. So polysemy is the ability of one word to serve to designate different objects and phenomena of reality. There are words, phrases and expressions that can drive even native speakers, not to mention foreigners, into confusion, due to the fact that some words can change their meaning depending on the context. This question is of particular importance when translating the Qur'an, because the translator chooses one equivalent that fits that word in the context of the Qur'an, which actualizes the Qur'anic meaning. This article explores the issue of polysemy. Three words "Altamma", "Sahere" and "Daha" from the Surah "An-Naziat" were selected as the subject, the analysis of which is carried out in the context of functioning in the Koran. The result of the analysis shows that if we simultaneously use the lexical meaning of the word and take into account the context of the Quran, then we can identify a reasoned equivalent in the translation of the Quran. This aspect of the study is based on two Russian translations of the Koran by Krachkovsky and Zeynalov.

**Keywords:** Polysemy, Linguistics, Translation of the Qur'an, Russian Translations of the Qur'an, Lexicology.

---

1. Email: sh\_hematzadeh@sbu.ac.ir; ORCID: 0000-0001-6957-8618 \* Corresponding author

2. Email: zahra.heidary@mail.ru; ORCID: 0000-0002-0580-5735

## **Предложение способа для устранения полисемии при переводе Корана (на материале трех слов «Алтамме», «Сахере» и «Даха» в переводах Крачковского и Зейналова)**

**Хеммат-заде Шахрам<sup>1\*</sup>**

Ассистент, кафедра русского и славянского языков,  
Университет имени Шахида Бехешти, Тегеран, Иран

**Хейдари Абраван Захра<sup>2</sup>**

Аспирант богословия, кафедра теологии, Университет имени Фирдоуси,  
Мешхед, Иран.

(дата получения: май 2021 г.; дата принятия: октябрь 2021 г.)

### **Аннотация**

Способность слова иметь несколько значений называется многозначностью или полисемией. Итак полисемия – это способность одного слова служить для обозначения разных предметов и явлений действительности. Существуют слова, фразы и выражения, которые способны загнать в тупик даже носителей языка, не говоря уже об иностранцах, в силу того, что некоторые слова способны менять свое значение в зависимости от контекста. Этот вопрос имеет особое значение при переводе Корана, поскольку переводчик выбирает один эквивалент, подходящий к тому слову в контексте Корана, который актуализирует коранический смысл. В настоящей статье исследуется вопрос полисемии. В качестве предмета выбрано три слова «Алтамме», «Сахере» и «Даха» из суры «Ан-Назиат», анализ которых осуществляется в контексте функционирования в Коране. Результат анализа показывает, что если одновременно пользоваться лексическим значением слова и учитывать контекст Корана, то можно выявить аргументированный эквивалент при переводе Корана. Данный аспект исследования базируется на двух русских переводах Корана Крачковского и Зейналова.

**Ключевые слова:** Полисемия, Языкознание, Перевод Корана, Русские Переводы Корана, Лексикология.

---

1. Email: sh\_hematzadeh@sbu.ac.ir; ORCID: 0000-0001-6957-8618 \* Ответственный автор

2. Email: zahra.heidary@mail.ru; ORCID: 0000-0002-0580-5735

## **Введение**

Семантику слов Священного Корана при переводе можно изучать с разных сторон, в рамках данной статьи изучается полисемия. Способность слова иметь несколько значений называется многозначностью или полисемией. Этот термин в семантике указывает на наличие нескольких значений для одной языковой единицы. (Palmer, F. R. (1976), p 65 ;Saeed, John (2009) p 64). При полисемии одно слово актуализирует несколько значений в контексте, каждое из которых может быть использовано, переводчик выбирает обычно одно из этих значений, но при этом возникает вопрос, на основании каких критериев он сделал такой выбор. Потому что, если основа неверна, то окончательный выбор тоже не будет правильным. Одно из предложений этой статьи по устранению двусмысленности слов в переводе Корана заключается в использовании «семантического контекста». Этот термин относится к центральной связи между всеми значениями слова, которая иногда может быть выражена в форме слова, а иногда в форме предложения. В семантическом контексте наиболее глубокий смысл слова раскрывается в связи с его значениями с контекстом аята на различных уровнях, что в исламских науках называется «счислением» (Сияг).

## **Основная часть**

В исламских традиционных изучениях тоже обращено особое внимание на полесемию. Лингвистика кроме полисемий изучает и омонимию, которая в исламских изучениях называется «сходное звучание». Важнейший способ, который лингвисты для отличия полисемии от омонимии предлагают является изучением исторического анализа слов с помощью этимологии (Palmer, F.R. (1976), p67; Bussmann. (2006), p 918)

Однако этот подход для устранения полисемии в Коране не является достаточным, ибо корень многих слов с точки зрения исторического процесса и этимологии не доступен и есть возможность изменения значений в течение

веков. Поэтому для решения вопросов, касающихся перевода Корана на другие языки, нужно искать новые способы.

Еще смотря на рост численности мусульман в мире, если научные общества и журналы не будут критиковать и исследовать коранические переводы, то это не только значит закрыть глаза на священную книгу мусульман, но и лишение этих обществ познания контекста Корана. Поэтому кажется, что критика и изучения переводов являются ценным делом со стороны этих научных обществ.

Контекстуальный анализ Корана показывает, что можно пользоваться самым текстом Корана для устранения двусмысленности. В этой статье изучена полисемия с помощью контекстуальных средств, чтобы избежать интерференции с омонимами. Таким образом в этой статье на основе анализа перевода трех слов в Коране и отношении переводчиков Корана к этим словам изучается полесемия и омонимия этих трех слов и предлагается самые подходящие эквиваленты в русском языке.

### **История исследования**

**Относительно работ предшественников при изучении этого вопроса** надо обращать внимание на два направления:

А) исследователи, которые изучают полисемию в языкознании, среди которых можно указать на следующих:

Saeed, John (2009), *Semantics*, UK: Wiley-Blackwell

Palmer, F.R. (1976), *Semantics: A New Outline*, Cambridge: Cambridge University Press.

Riemer, Nick (2010), *Introducing Semantics*, Cambridge: Cambridge University Press.

Б) исследователи, которые рассматривают полисемию в Коране и со многих сторон изучают этот вопрос. Они употребляют такие термины как

«полисемия», «общее значение» или «смысловые аспекты». Прежде всего следует упоминать о лексикологах, которые для составления своих словарей были вынуждены сосредоточиться на этом фундаментальном вопросе. Они старались на базе основного арабского трехбуквенного корневого значения, которое называется «Соласы» (Solasee) и объяснить второстепенные значения слова в соответствии с его основным значением.

Среди лексикологов, попытки «Эбне Фарс» (395 г.х. по лунному календарю) в области «полисемии» имеют особое значение. Он выделил для каждого корня одну или несколько лексических сфер и отличая этих лексем друг от друга, сделал решающий шаг в продвижении полисемии в истории арабской литературы. (Абд-Алтаваб, 1367 г.х. по солнечному календарю, 21-22; Сиди, 1370 г.х. по солнечному календарю, 370-369). Помимо лексикологов, ученые в области «Логике» ставя вопрос о «омонимах» и «общих значениях» тоже уделяли большую часть из своих работ области «лексикологии». Они были убеждены, что употребление этих терминов в *рациональных аргументах* без предъявления объяснений или слов, указывающие на нужное значение считается неправильным (см. Мозафар, Би Та, 48-49).

Кроме вышеуказанных, некоторые мусульманские исследователи старались, используя новые достижения языкознания, рассматривать полисемии в Коране новым подходом. Слви Мухаммед Ал-Ава является одним из этих исследователей, который в своей книге проанализировал полисемию в Коране с использованием терминов языкознания (Ал-Ава, 1382 г.х. по солнечному календарю, 56-62). Еще следует упоминать о Ахмеде Пакатчи, который изложил полисемию и омонимы в сфере перевода. (Пакатчи, 1392 г.х. по солнечному календарю, 180-190)

Важным вопросом в большинстве вышеуказанных работ является, что они не различают полисемию от омонима, ибо надо обращать внимание на то, что омонимы указывают на разные значения слова в разных местах и контекстах

Корана, а в полисемии одно слово носит несколько значений в одном контексте, каждое из которых может употребляться, т.е. употребление любого из этих значений не наносит ущерб на понимание контекста того аята. А в омонимии представление всех значений одновременно для контекста аята невозможно (см. Нхират, Мохаммадян, 1392 г.х. по солнечному календарю, 121-122).

### **Метод исследования**

Метод исследования в этой работе осуществляется на основе анализа данных. Сначала анализируются полученные данные из изучения значений слов в самых старых арабских лексических книгах обнаруживается и высказывается «семантический контекст», который в исламских науках называется «Сияг» (счисление). Само счисление изучается на трех уровнях, именно на уровнях аятов, аята и самого слова. Но тем не менее следует определить терминов «счисление» и «семантический контекст»: Для объяснения значения счисления написано много определений, каждое из которых с одной стороны изучил этот вопрос. (см. Хосейни, 1400 г.х. по лунному календарю 125 или см. Раджаби, 1390 г.х. по солнечному календарю, 86). Но самое лучшее определение счисления можно высказать так: счисление - это любая причина, связывающая с пониманием изученных слов. Эта причина может быть из лексических указаний или условных указаний, которые употребляются для выяснения значений данного слова. (Садр 1978. 13). Но тем не менее счисление в Коране имеет свое особое определение и носит центральное понимание, которое поднимается из сердца слова и с подтверждением его доказательств на уровне аята или предыдущих и последующих аятов и это употребляется в качестве аргументированной причины в разных коранических науках.

Семантический контекст - это связь между всеми значениями одного и того же многозначного слова, что иногда выражается в рамках одного слова или

одного предложения. (Нахират, 1392 г.х. по солнечному календарю, 123), но термин «семантический контекст» является более подходящим, ибо во всех словах, иногда между значениями не существует определенной связи. Даже в некоторых словарях наблюдается, что вместо значения даются толкования, но в семантическом контексте самый производящий и глубокий слой содержит и другие значения, в результате чего можно смотря на контекст аята объяснить связь между всеми значениями, что при переводе самый подходящий эквивалент получается только с помощью счисления.

#### Анализ словесных данных Сахере

Слово «Сахере» в аяте 14 «فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ» из корня «Сахера» в значении «быть наяву» и «не спать всю ночь» (Фрахиди, 1409 г.х. по лунному календарю 4; Ибн Дарид, 1988, 1: 593; Азхари, 1471, 6: 75).

Для «Сахера» указаны следующие значения:

- земля (Тарихи, 2:339), на которой все со страха всю ночь не спят (Гарши, 3:345) и также земля, где сон и наяву всех людей на ней (Азхари, 1421 г.х. по лунному календарю, 6:76; Тарихи, 1375 г.х. по солнечному календарю, 3: 339);
- на большой и широкой земле (Фрахиди, 1409 г.х. по лунному календарю 4; Азхари, 6: 76; Сахед, 1404 г.х. по лунному календарю, 3: 413);
- сама Земля, ибо постоянно (и днем и ночью) не спит (Джохари, 1376 г.х. по солнечному календарю. 2: 691; Ибн Дарид, 1988, 2: 724; Табарси, Бита, 26: 271);
- пустыня (нетоптанная земля), ибо в пустыне не спится (Макраем, 26: 76);
- источник воды, из которого течет вода, ибо и днем и ночью течет (Ибн Манзур, 1414 г.х. по лунному календарю, 4: 384);
- луна, ибо всю ночь не спит (тот же).

Некоторые означили это слово «земля, которую бог в судебном дне восстановит» (Ибн Дарид, 1988, 2: 724). Все равно «Сахере» это субъект,

который здесь имеет объектное значение (Тарихи, 1375 г.х. по солнечному календарю, т. 3: 339). Кажется, что легко можно найти семантический контекст слова «Сахере» в работе автора книги «Ал-Тахгиг». Он считает, что главный смысл этого слова имеет три особенности: отсутствие сна, отсутствие пренебрежения и время происшествия (именно ночью).

Он на основе этого определения считает, что смысл слова «Сахере» в этом священном аяте, не земля при судебном мире, так как в то время земли в существующем виде не будет. А на самом деле пространство, в котором не существует сна и пренебрежения (Мостафави 1368 г.х. по солнечному календарю, 5: 243). Таким образом необходимо выбрать эквивалент, который по возможности содержит все указанные значения. Но переводчики имеют большое разногласие в переводе этого слова и можно сказать, что эквиваленты, которые они предложили указывают лишь на какую часть из значений слова Сахере.

В счислении этого аята, слово Сахере, которое в арабском языке является именем существительным женского рода является прилагательным для земли и плоской поверхности (Сафи 1418 г.х. по лунному календарю, 30: 230), а по синтаксису играет роль сказуемого (Адине-Ванд 1377 г.х. по солнечному календарю, 6: 973). Морфологическая и синтаксическая роль этого слова и то, что оно является предикатом показывает, что сообщение о чем-нибудь существует в значениях этого слова, а с другой стороны в связи с тем, что в словарях больше всего указано на неизвестное пространство судебного мира, употребление слова «земля» и т.п., которые говорят о особом материальном характере и далеки от пространства судебного мира, являются не верными.

А с другой стороны счисление предшествующих и последующих аятов (именно аяты 10-14) указывает на вопросы и ответы отвергающих судебного мира и их сомнение в оживлении в то время и даются ответы на них. Смотря

на семантический контекст и указанное счисление кажется, что самый подходящий эквивалент слову «Сахере» является тем сочетанием, которое указывает на то, что в судебном мире не будет пренебрежения и непознания этого мира. Таким образом перевод этого аята предлагается следующим: «и они будут в трезвости загробного мира».

В русском переводе Крачковского наблюдается «навечно бодрствующие», что хотя передает смысл, но ему не удалось показать, то что находится в семантическом контексте и счислении. Зейналов также выбрал «поверхности земли», что кажется он тоже допустил ошибку и выбрал значение не обращая внимание на счисление аята и полисемии слова (Крачковский, 1991 /и Зейналов, 2015)

### Даха

Слово «Даха» в аяте «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا» (Ан-Назиат. 30). Корень этого слова «Дахав» и также «Дахи» (Фархиди, 1409 г.х. по лунному календарю 3: 280), что некоторые считают, что оба корня имеют значение «распространение и расширение» (см. Азхари, 1421 г.х. по лунному календарю, 5: 124; Сахэб, 1404 г.х. по лунному календарю, 3: 180; Ибн Дарид, 1988, 1:507). В словаре «Ал Сахах» указано на «распространение и катание» (Джухари, 1376 г.х. по солнечному календарю, 6: 2334) также означено «вырвать» (Рагеб Исфгани, 1412 г.х. по лунному календарю: 308).

Например «ادحى النعام», значит то место, в котором страус несетя или «دحيه» в значении «военный командир». Следует указать, что это слово в основном значит подготовка места с целью распространения и обеспечения средства жизни и устранения барьеры (Мостафави, 1368 г.х. по солнечному календарю, 3: 180). Например в сочетании «ادحى النعام» страус подготавливает ногами место, чтобы нестись. Также указывает на военного командира, так как обычно прежде чем появлялся военный командир в каком-нибудь месте, ему

подготавливают необходимое место (Ибе Манзур, 1414 г.х. по лунному календарю 14: 251).

Итак кажется, что аят указывает на распространение поверхности Земли с целью ее приготовления к жизни и проживанию и обеспечения необходимых возможностей в целях продолжения жизни и устранения жизненные барьеры на Земле (см. Мостафави, 1368, 3: 180). Таким образом выясняется, что распространение и расширение не могут быть подходящими эквивалентами слову «Даха», так как самый близкий эквивалент все равно не может передать точное значение.

Еще следует указать, что в счислении этого аята, роль предшествующих слов «Даха» помогает уточнить смысл этого слова. Сочетание «Даха ха» дает толкование предшествующему слову, т.е. Земле (там же, 10: 370). То есть счисление этого аята показывает, что совокупность понятий, существующих в слове «Даха» является толкованием событий, которые произошли с Землей. Ибо счисление аятов 27-33, в которых есть слово «Даха» перечисляет некоторые божественные блага, чтобы еще раз описывая судебный мир показать легкость сотворения для бога. Итак смотря на вышеуказанное кажется, что самый подходящий эквивалент является «и подготовил Землю к жизни», потому что хотя «подготовить» существует в глаголе «تَهَيَّأَ», но выраженный нами эквивалент выражает совокупность мер, которые помогают собеседнику лучше понять эти поразительные и глубокие меры в этом эквиваленте.

В русском переводе Зейналова наблюдается «и землю после этого распростер (раскатывая)», а Крачковский выбрал «и землю после этого распростер», что кажется оба допустили одинаковую ошибку, ибо не обратили внимание на многозначность этого слова и на то что идет в предшествующих и последующих аятах (Крачковский, 1991/и Зейналов, 2015)

### Алтамме

Слово «Алтамме» а аяте «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى» (Ан-Назиат. 34). Корень этого слова «тамама» и также «тамма» (Фархиди, 1409 г.х. по лунному календарю. 7: 409). В «Мегаиис Ал-логат» об этом глаголе написано: «указывает на прикрытие и скрытие чего-либо чем-либо в такой мере, что поверхность земли стала ровной, например наполнять яму грунтом и выровнять ее». (Иб Фарс. 1404 г.х. по лунному календарю, 3: 316). Или случилось наводнение и прикрыв деревни водой (Гарши, 4: 238) или разлиться (Ибн Манзур, 1414 г.х. по лунному календарю т. 12: 370; Ибн Фарс, 1404 г.х. по лунному календарю, 3: 316).

В счислении этого слова приоритет на скрытие и прикрытие (Ибн Дарид, 1988, 1: 151), но никакое слово из прилагательных «прикрытый», «скрытый», «закрытый», «побежденный», «полный» и т.д. не может передать точное значение этого глагола, ибо этот глагол имеет все эти значения вместе (Азхари, 1421 г.х. по лунному календарю, 13: 209) т.е. наполнять, прикрыть и побеждать одновременно передают значение «Тамма». И так если для наполнения ямы грунтом употребляется этот глагол, значит, что в этом действии одновременно существуют «наполнять», «прикрыть» и также чувствуется след глагола «побеждать» (Мостафави, 1368 г.х. по солнечному календарю, 7: 121)

Автор «Маджмао Ал-Баян» считает, что «طامةً الكبرى» значит судебный мир, так как его бедствия побеждают над всеми бедствиями этого мира (Табарсы, Би Та, Т. 26: 288). В некоторых толкованиях кроме указанного понятия подчеркивается наполнение и сказано: «Тамме также указывает на тяжелые события и огромные бедствия и здесь речь идет о судебном мире, который полон страшных событий» (Макарем, 26: 104). Одна из особенностей и наверное самая важная особенность этого слова, на которую в толкованиях указаны, это преобладание бедствия в судебном мире над всеми другими

бедствиями. Другая особенность этого слова заключается в том, что оно указывает на огромное событие (Макарем, 26: 104).

Другая особенность судебного мира является его прикрытием, о чем мы в этом мире не имеем правильного представления и кажется, что семантический контекст в этом слове именно указывает на такое значение. Или может быть употребление этого слова для указания на судебный мир по той причине, чтобы напоминать его изменения, о чем идет речь в другом аяте « *يَوْمَ تَبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ...* » (Ибрагим: 48). (когда Земля и Небо превращаются на что другое, чем эта Земля и это Небо)

В счислении этого аята написано что, когда арабы хотят преувеличить что-нибудь употребляют слово «Алтамме» (Нахас, 1421 г.х. по лунному календарю, 5: 93). Смотри на то, что «Ал Кобра», которое имеет значение «великий» является прилагательным для слова «Алтамме», следовательно слово «Алтамме» должно переводиться на русский как имя существительное, которое имеет рядом с собой прилагательное «великий». Также счисление аятов 34-46 снова описывает судебный мир и разделяет людей на две группы и в конце концов мы находим ответ на другой вопрос о судебном мире, в котором бог подтверждает, что знание об этом принадлежит только ему самому, а пророк имеет только роль напоминающего и испугающего. Итак смотря на то, что слово «Алтамме» имеет разные понятия как «прикрытие», «преобладание», «полноты бедствия» и т.п. и также смотря на то, что счисление этого аята указывает на судебный мир и требует имени существительного в качестве эквивалента этому слову и то что содержание этой суры изучает разные стороны судебного мира можно сказать, что «Алтамме» является одним из имени окончательного события этого бытийного мира.

Хотя наверно употребление слова «судебный мир» не может наилучшим образом передать понятие слова «Алтамме», но смотря на то, что слово

«судебный мир» для верующего в этот день имеет огромное значение, следовательно это слово может стать эквивалентом слову «Алтамме». Еще следует соответственно с этим эквивалентом употреблять прилагательное «великий». Таким образом нами предлагается «великий судебный мир» в качестве эквивалента слову «Алтамме».

В русском переводе Зейналова наблюдается «переполняющее (ужасом бедствие) величайшее», а Крачковский выбрал «И когда придет величайшее переполнение». Хотя перевод Крачковского чуть лучше, все равно оба перевода не могут передать точное значение этого аята (Крачковский, 1991, 495/и Зейналов, 2015, 520)

### **Заключение**

В связи с изученными переводами, один из самых лучших способов перевода многозначных слов является употреблением счисления и семантического контекста. В семантическом контексте, самый производящий и глубокий слой содержит и другие значения, в результате чего можно смотря на контекст аята объяснить связь между всеми значениями, что при переводе самый подходящий эквивалент получается только с помощью счисления. И так на основе этого и смотря на значения слов в этой статье предлагается эквиваленты трем словам «Сахере», «Алтамме» и «Даха».

### **Литература**

- 1- Коран, (1991). перевод Крачковского. Москва: Раритет.
- 2- Коран, (2015). перевод с Арабского. Н.А. Зейналова. Кум. Центр переводов Священного Корана.
- 3- Bennett Patrick R. (1998). *Cooperative Semitic Linguistics: A Manual*. Winona Lake. Eisenbrauns. [In English].
- 4- Jeffery Arthur. (1938). *The Foreign Vocabulary of The Quran*. Baroda, Oriental Institute. [In English].

- 5- Palmer F.R. (1976). *Semantics: A New Outline*. Cambridge, Cambridge University Press. [In English].
- 6- Riemer Nick (2010). *Introducing Semantics*. Cambridge, Cambridge University Press. [In English].
- 7- Rubin Aaron D. (2010). *A Brief Introduction to the Semitic Languages*. Piscataway, Gorgias Press. [In English].
- 8- Saeed John. (2009). *Semantics*. UK, Wiley-Blackwell. [In English].
- 9- Zammit Martin (2002). *A Comparative Lexical Study of Quranic Arabic*. Leiden, Brill. [In English].
- 10- Ibn Darid Mohammad Hasan (1988). *Jomhora al-Lugha'*, first edition. Beirut. [In Arabic].
- 11- Ibn Faris Ahmad (1404 AH). *Mucjam Maghaees al-lugha*, first edition, Qom. [In Arabic].
- 12- Azhari Muhammad ibn Ahmad (1421 AH). *Tahzib al-Lughah*. Beirut. [In Arabic].
- 13- Javaheri sayed Muhammad Hasan (1384 SH). *Study on various types of translation*. Quranic Researches Journal. 42. [In Persian].
- 14- Hosseini Mahmoud (1389 SH). *Study of ambiguous hyper textual principles in the Holy Quran*. Journal of Research and Hauzah. 33. [In Persian].
- 15- Duaas Ahmad Obaid (1425 AH). *Ecrabs of the Holy Quran (v3)*. Damascus, Dar al-Farabi for Enlightenment. [In Arabic].
- 16- Ragheb Isfahani Hussein Ibn Mohammad (1412 AH). *Vocabulary of Quranic words*. Beirut, Dar al-Qalam. [In Arabic].
- 17- Rezvani Elaheh and Behzad Ghansouli (1390 SH). *Polysemy in the Holy Quran: A Case Study of the Translation of the Word Sediton*. Language and Translation Studies. 44(4). [In Persian].
- 18- Mahmoud Shahbazi Ali Asghar Shahbazi (1393 SH). *Polysemous Vocabulary and Its Importance in Quran Translation*. Journal of Quran and Hadith Translation Studies (v1). [In Persian].
- 19- Sadr Mohammad Baqir (1978 SH). *Lessons in the Science of the Principles of Jurisprudence*. Beirut. Dar al-Kutub al-Lobnani. [In Arabic].
- 20- Tabatabai Seyed Mohammad Hussein (1417 AH). *Al- Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom. Jameah al-Mudarresin. [In Arabic].
- 21- Tabarsi Fadl Ibn Hassan (1375 SH). *Majmac al-Bayyan in the Interpretation of the Qur'an*. Tehran. Nasser Khosrow Publications. [In Arabic].
- 22- Turaihi Fakhruddin Ibn Muhammad (1375 AH). *Majmac al-Bahrain*. researcher and editor: Ahmad Hosseini Eshkori. Qom. Zahedi Publication. [In Arabic].

- 23- Farahidi Khalil Ibn Ahmad (1409 AH). *Al-Acin*. Qom. Hijrat Publications. [In Arabic].
- 24- Faiz Kashani Muhammad (1418 AH). *Al-Asfi in Tafsir al-Quran (v1)*. Qom. Islamic Propagation Office Publishing Center. [In Arabic].
- 25- Qurashi Sayyid Ali Akbar (1371 SH). *Quran Dictionary*. Tehran. Dar Al-Kitab Al-Islamiyya Publications. [In Persian].
- 26- Salvi Mohammad Al-Avva (1382 SH). *Linguistic study of aspects and similarities in the Qur'an*. translated by Hossein Sayyedi. Mashhad. Astan Quds Publications. [In Persian].
- 27- Mustafavi Hassan (1360 SH). *Research in the words of the Holy Quran*. Tehran. book translation and publishing company. [In Persian].
- 28- Nohas Ahmad ibn Muhammad (1421 AH). *Ecrabs of the Qur'an*. Beirut. Muhammad Ali Beyzun Publications. [In Arabic].
- 29- Nahirat Ahmad and Ebad Mohammadian (1392 SH). *An Attitude Towards a Multiplicative System in the Holy Quran*. Journal of Quranic Linguistic Research. 2(2). [In Persian].
- 30- Neigiri Abdullah Ibn Foadi (no data). *Al-Hussein Al-Rusin in the Science of Reconciliation*. First Edition. Researcher, Muhammad Saleh Hussein. Nigeria. Dar al-Alamah. [In Arabic].

### **Bibliography**

- 1- *Koran*, (1991). perevod Krachkovskogo. Moskva: Raritet.
- 2- *Koran*, (2015). perevod s Arabskogo. N.A. Zejnalova. Kum. Centr perevodov Svjashhennogo Korana.
- 3- Bennett Patrick R. (1998). *Cooperative Semitic Linguistics: A Manual*. Winona Lake. Eisenbrauns. [In English].
- 4- Jeffery Arthur. (1938). *The Foreign Vocabulary of The Quran*. Baroda, Oriental Institute. [In English].
- 5- Palmer F.R. (1976). *Semantics: A New Outline*. Cambridge, Cambridge University Press. [In English].
- 6- Riemer Nick (2010). *Introducing Semantics*. Cambridge, Cambridge University Press. [In English].
- 7- Rubin Aaron D. (2010). *A Brief Introduction to the Semitic Languages*. Piscataway, Gorgias Press. [In English].
- 8- Saeed John. (2009). *Semantics*. UK, Wiley-Blackwell. [In English].

- 9- Zammit Martin (2002). *A Comparative Lexical Study of Quranic Arabic*. Leiden, Brill. [In English].
- 10- Ibn Darid Mohammad Hasan (1988). *Jomhora al-Lugha'*, first edition. Beirut. [In Arabic].
- 11- Ibn Faris Ahmad (1404 AH). *Mucjam Maghaees al-lugha*, first edition, Qom. [In Arabic].
- 12- Azhari Muhammad ibn Ahmad (1421 AH). *Tahzib al-Lughah*. Beirut. [In Arabic].
- 13- Javaheri sayed Muhammad Hasan (1384 SH). *Study on various types of translation*. Quranic Researches Journal. 42. [In Persian].
- 14- Hosseini Mahmoud (1389 SH). *Study of ambiguous hyper textual principles in the Holy Quran*. Journal of Research and Hauzah. 33. [In Persian].
- 15- Duaas Ahmad Obaid (1425 AH). *Ecrabs of the Holy Quran (v3)*. Damascus, Dar al-Farabi for Enlightenment. [In Arabic].
- 16- Ragheb Isfahani Hussein Ibn Mohammad (1412 AH). *Vocabulary of Quranic words*. Beirut, Dar al-Qalam. [In Arabic].
- 17- Rezvani Elaheh and Behzad Ghansouli (1390 SH). *Polysemy in the Holy Quran: A Case Study of the Translation of the Word Sediton*. Language and Translation Studies. 44(4). [In Persian].
- 18- Mahmoud Shahbazi Ali Asghar Shahbazi (1393 SH). *Polysemous Vocabulary and Its Importance in Quran Translation*. Journal of Quran and Hadith Translation Studies (v1). [In Persian].
- 19- Sadr Mohammad Baqir (1978 SH). *Lessons in the Science of the Principles of Jurisprudence*. Beirut. Dar al-Kutub al-Lobnani. [In Arabic].
- 20- Tabatabai Seyed Mohammad Hussein (1417 AH). *Al- Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom. Jameah al-Mudarresin. [In Arabic].
- 21- Tabarsi Fadl Ibn Hassan (1375 SH). *Majmac al-Bayyan in the Interpretation of the Qur'an*. Tehran. Nasser Khosrow Publications. [In Arabic].
- 22- Turaihi Fakhruddin Ibn Muhammad (1375 AH). *Majmac al-Bahrain*. researcher and editor: Ahmad Hosseini Eshkori. Qom. Zahedi Publication. [In Arabic].
- 23- Farahidi Khalil Ibn Ahmad (1409 AH). *Al-Acin*. Qom. Hijrat Publications. [In Arabic].
- 24- Faiz Kashani Muhammad (1418 AH). *Al-Asfi in Tafsir al-Quran (v1)*. Qom. Islamic Propagation Office Publishing Center. [In Arabic].
- 25- Qurashi Sayyid Ali Akbar (1371 SH). *Quran Dictionary*. Tehran. Dar Al-Kitab Al-Islamiyya Publications. [In Persian].

- 26- Salvi Mohammad Al-Avva (1382 SH). *Linguistic study of aspects and similarities in the Qur'an*. translated by Hossein Sayyedi. Mashhad. Astan Quds Publications. [In Persian].
- 27- Mustafavi Hassan (1360 SH). *Research in the words of the Holy Quran*. Tehran. book translation and publishing company. [In Persian].
- 28- Nohas Ahmad ibn Muhammad (1421 AH). *Ecrabs of the Qur'an*. Beirut. Muhammad Ali Beyzun Publications. [In Arabic].
- 29- Nahirat Ahmad and Ebad Mohammadian (1392 SH). An Attitude Towards a Multiplicative System in the Holy Quran. *Journal of Quranic Linguistic Research*. 2(2). [In Persian].
- 30- Neigiri Abdullah Ibn Foadi (no data). *Al-Hussein Al-Rusin in the Science of Reconciliation*. First Edition. Researcher, Muhammad Saleh Hussein. Nigeria. Dar al-Alamah. [In Arabic].

**HOW TO CITE THIS ARTICLE**

Hemmatzadeh Sh. & Heydari Abravan Z. (2021). Proposing a Solution to solve the Polysemy of Words in Translating the Quran; (a Case Study of the Three Words "Tāmmah", "Sāhira" and "Da'hā" in Russian Translations by Krachkovsky and Zinalouf). *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literatury*, 10(1), 193–210.

**DOI:** <https://doi.org/10.61186/iarll.19.193>

**URL:** <https://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/202>



پیشنهاد راهکاری برای رفع چندمعنایی واژگان در ترجمه قرآن  
(مطالعه موردی سه واژه «الطامه»، «ساهره» و «دحا» در ترجمه‌های روسی  
کراچکوفسکی و زینالف)

شهرام همت‌زاده<sup>1\*</sup>

استادیار گروه زبان روسی و اسلاوی دانشگاه شهید بهشتی،  
تهران، ایران

زهرا حیدری آبروان<sup>2</sup>

دانشجوی دکتری الهیات گروه الهیات دانشگاه فردوسی،  
مشهد، ایران.

(تاریخ دریافت: مه 2021؛ تاریخ پذیرش: اکتبر 2021)

### چکیده

قابلیت اینکه یک واژه بتواند چند معنا داشته باشد را چندمعنایی می‌نامند. یعنی توانایی اینکه یک واژه بتواند برای بیان اشیا و یا رویدادهای گوناگون مورد استفاده قرارگیرد چندمعنایی نامیده می‌شود. واژگان، جملات و عباراتی وجود دارند که حتی می‌توانند گویشورهای اصلی همان زبان را به سردرگمی بکشاند چه برسد به خارجیانی که آن زبان را فراگرفته‌اند. زیرا برخی واژگان با توجه به بافت متن می‌توانند معانی مختلفی پیدا کنند. این مسئله به‌ویژه هنگام ترجمه قرآن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا مترجم معادلی را انتخاب می‌کند که با آن بافت متن قرآنی مطابقت داشته و بتواند مفاهیم قرآنی را به‌خوبی بیان کند. در این مقاله به بررسی موضوع چندمعنایی پرداخته شده و سه واژه «الطامه»، «ساهره» و «دحا» از سوره «نازعات» به‌عنوان موضوع انتخاب شده و در چارچوب کاربردی‌شان در قرآن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که اگر از معنای لغوی واژه استفاده کرده و همزمان بافت متنی قرآن را در نظر بگیریم، در آن صورت می‌شود به معادل مستدلی در ترجمه قرآن دست یافت. موضوع این پژوهش براساس دو ترجمه روسی قرآنی کراچکوفسکی و زینالف صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: چندمعنایی، زبان‌شناسی، ترجمه قرآن، ترجمه‌های روسی قرآن، واژه‌شناسی.

1. Email: sh\_hematzadeh@sbu.ac.ir; ORCID: 0000-0001-6957-8618 \* نویسنده مسئول

2. Email: zahra.heidary@mail.ru; ORCID: 0000-0002-0580-5735 نوع مقاله: علمی - پژوهشی

**Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного!**

**СОДЕРЖАНИЕ**

<b>Функциональный потенциал девербативов русского языка и его актуализация в высказываниях с предложными конструкциями</b>	Архипова Ирина Викторовна	11
<b>МНОЖЕСТВЕННОСТЬ ОСНОВ РУССКОЙ КЛАССИЧЕСКОЙ ЛИТЕРАТУРЫ</b>	Котельников Владимир Алексеевич	29
<b>ПАРЕМИЙНЫЕ ТРАНСФОРМАНТЫ КОРОНАВИРУСНОЙ ЭПОХИ</b>	Шустова Светлана Викторовна	50
<b>Риторическое учение М.В. Ломоносова о порядке слов</b>	Бурцев Владимир Анатольевич	65
<b>Образ дервиша в поэтике Ивана Бунина и Андрея Белого</b>	Ельцова Елена Николаевна / Ел Хадж Салем Сония Алиевна	83
<b>Специфика повседневной диалогической речи</b>	Путина Ольга Николаевна	103
<b>О смехе как способе визуализации у Достоевского</b>	Степанян Елена Владимировна	125
<b>КОХАНОВСКАЯ (Н.С. СОХАНСКАЯ): ИСТОРИКО-ЛИТЕРАТУРНЫЙ ПОРТРЕТ</b>	Фетисенко Ольга Леонидовна	143
<b>Новые архивные документы о семье Гумилёвых-Сверчковых из собрания Музея Императорской Николаевской Царскосельской гимназии</b>	Бровкина Татьяна Юрьевна	161
<b>Жизненный подвиг семьи Лукницких</b>	Медведко Ольга Леонидовна	177
<b>Предложение способа для устранения полисемии при переводе Корана (на материале трех слов «Алтамме», «Сахере» и «Даха» в переводах Крачковского и Зейналова)</b>	Хеммат-заде Шахрам / Хейдари Абраван Захра	193

## *Исследовательский Журнал Русского Языка и Литературы*

Научный журнал  
**Исследовательский журнал русского языка и литературы**

Иранская ассоциация русского языка и литературы

Журнал выходит 2 раза в год при поддержке  
Иранской ассоциации русского языка и литературы

Ответственный редактор:

**Дж. Карими-Мотаххар**

Главный редактор:

**Марзие Яхьяпур**

Ответственный секретарь:

**М. Мухаммадбегии**

Научный редактор:

**С.В. Шустова**

Редакционная коллегия:

**Ахмади Мирейла**, доцент кафедры русского языка, Университет тарбият модаррес (Тегеран, Иран)

**Ахметшин Р.Б.**, доцент кафедры истории русской литературы, Московский государственный университет (Москва, Россия)

**Голами Хосейн**, профессор кафедры русского языка и литературы, Тегеранский университет (Тегеран, Иран)

**Головин В.В.**, доктор филологических наук, профессор, директор Института русской литературы (Пушкинского Дома) Российской Академии наук (Санкт-Петербург, Россия)

**Ерофеева Т.И.**, доктор филологических наук, профессор кафедры теоретического и прикладного языкознания, ФГБОУ ВПО «Пермский государственный национальный исследовательский университет» (Пермь, Россия)

**Завьялова Е.Е.**, доктор филологических наук, профессор кафедры литературы факультета филологии и журналистики ФГБОУ ВПО «Астраханский государственный университет» (Астрахань, Россия)

**Казиева А.М.**, доктор филологических наук, профессор кафедры отечественной и зарубежной литературы ФГБОУ ВПО «Пятигорский лингвистический университет» (Пятигорск, Россия)

**Карими-Мотаххар Джанолах**, профессор кафедры русского языка и литературы, Тегеранский университет (Тегеран, Иран)

**Котельников В.А.**, доктор филологических наук, профессор, главный научный сотрудник Института русской литературы (Пушкинского Дома) Российской Академии наук, Отдел новой русской литературы (Санкт-Петербург, Россия)

**Мохаммади Мохаммад-Реза**, доцент кафедры русского языка, Университет тарбият модаррес (Тегеран, Иран)

**Шустова С.В.**, доктор филологических наук, профессор кафедры теоретического и прикладного языкознания, ФГБОУ ВПО «Пермский государственный национальный исследовательский университет» (Пермь, Россия)

**Яхьяпур Марзие**, профессор кафедры русского языка и литературы, Тегеранский университет (Тегеран, Иран)

Основан в 2013 году.

ISSN печатной версии 2345-2498

ISSN электронной версии 2476-3500

Тегеран - Иран

<http://www.journaliarll.ir>

#### **Международный редакционный совет:**

**Алоэ Стефано**, доктор филологических наук, профессор русской литературы и славяноведения, департамент иностранных языков и литератур, Университет г. Вероны (Верона, Италия)

**Брода Мариан**, доктор гуманитарных наук, профессор кафедры европейских исследований, Лодзинский университет (Лодзь, Польша).

**Видмарович Наталия Петровна**, доктор филологических наук, профессор кафедры русского языка Отделения восточнославянских языков и литератур Философского факультета Загребского университета (Загреб, Хорватия)

**Кошемчук Татьяна Александровна**, доктор филологических наук, профессор кафедры лингвистики и межкультурной коммуникации, Санкт-Петербургский аграрный университет (Санкт-Петербург, Россия).

**Лепяхин Валерий Владимирович**, доктор филологических наук, профессор кафедры русской филологии Сегедского университета (Сегед, Венгрия).

**Люцканов Йордан Димитров**, доктор русской литературы, доцент Института литературы Болгарской академии наук (София, Болгария).

**Мелвилл Фирюза Ибодуллаевна**, доктор филологии, Директор Центра Иранистических исследований, Пемброк Колледж, Кембриджский университет (Кембридж, Великобритания).

**Модебадзе Иринэ Игоревна**, доктор филологии, старший научный сотрудник Отдела теории литературы и компаративистики, Институт грузинской литературы им. Шота Руставели (Тбилиси, Грузия)

**Молнар Ангелика**, кандидат филологических наук, доцент кафедры русского языка и литературы, Западновенгерский Университет (Сомбатхей, Венгрия)

**Моторин Александр Васильевич**, доктор филологических наук, профессор, Новгородский государственный университет им. Ярослава Мудрого (Великий Новгород, Россия).

**Нагзибекова Мехриниссо** – доктор филологических наук, профессор, Таджикский национальный университет (Душанбе, Таджикистан)

**Никё Мишель**, доктор филологических наук, профессор Университета Кана-Нормандии (Кан-Нормандия, Франция)

**Савада Кадзухико**, доктор филологических наук, профессор гуманитарного факультета, Государственный университет Сайтама (Сайтама, Япония)

## *Исследовательский Журнал Русского Языка и Литературы*

"Исследовательский журнал русского языка и литературы" издается в Иране с целью публикации оригинальных исследований, посвященных русскому языку и литературе. Содержание статьи должно соответствовать тематике журнала. Принимаются статьи, подготовленные в следующих областях: общее языкознание, сравнительное и сопоставительное языкознание, социо- и психолингвистика, функциональная грамматика, литература, сравнительное литературоведение, лингводидактика, переводоведение.

### **Требования к оформлению статьи:**

- Присланные статьи должны быть результатами исследований автора (авторов) статьи.
- Язык журнала – русский.
- К изданию принимаются статьи, ранее нигде не публиковавшиеся.
- Поступившие в редакцию материалы возврату не подлежат.
- Структура статьи: название, аннотация (120-140 слов), ключевые слова (5-7 слов), введение, основной текст, заключение и список использованной литературы (на русском и английском языках). Основной текст не должен быть менее 3000 и более 4000 слов.
- В начале статьи помещаются: полное название статьи, имя и фамилия, место работы, ученая степень, звание, адрес электронной почты, телефон автора (авторов).
- Сведения о цитируемых источниках в тексте статьи приводятся в скобках, включая фамилию автора, год издания источника и номера страниц (Иванов 2013: 92).
- В библиографических ссылках приводятся обязательные элементы описания в строгой последовательности по алфавитному порядку фамилий авторов нижеследующим образом:  
**Книга:** фамилия, дата издания (в скобках), название основного и неглавного произведения (набираются курсивом), место издания, издательство.  
**Статья:** фамилия, имя, дата издания (в скобках), название статьи, название журнала или сборника статей (набираются курсивом), год и номер журнала, место издания и издательства для сборника статей первая и последняя страницы статьи.  
**Интернет-источники:** фамилия, имя, название произведения, полный адрес интернета (сайта), дата обращения.
- Материалы предоставляются в следующем виде: в редакторе Word 1997–2003; шрифт “Times New Roman”; основной текст – кегль 14; интервал 1,5; верхнее и нижнее поля –2,5 см; левое поле –3 см, правое поле –1,5 см; отступ (абзац) – 1,25 см.
- Вы направляете статью на электронный адрес главного редактора: myahya@ut.ac.ir, journaliarll@gmail.com



# SID

"Лицензионный договор с ООО НАУЧНАЯ ЭЛЕКТРОННАЯ БИБЛИОТЕКА от 26 января 2016 г. № 18-01/2016 на размещение журнала в РИНЦ."

[http://elibrary.ru/title\\_about.asp?id=56226](http://elibrary.ru/title_about.asp?id=56226)

"License agreement with LLC SCIENTIFIC ELECTRONIC LIBRARY of January 26, 2016 No. 18-01 / 2016 for the publication of the journal in the RINC."

[http://elibrary.ru/title\\_about.asp?id=56226](http://elibrary.ru/title_about.asp?id=56226)

## CONTENTS

<b>Functional Potential of Deverbatives of the Russian Language and Its Actualization in Statements with Prepositional Constructions</b>	Arkhipova Irina Viktorovna	11
<b>The Multiplicity of the Foundations of Russian Classical Literature</b>	Kotelnikov Vladimir Alekseevitch	29
<b>Paremia Transformants of the Coronavirus Era</b>	Shustova Svetlana Viktorovna	49
<b>M.V. Lomonosov's Rhetorical Teaching on the Order of Words</b>	Burtsev Vladimir Anatolyevich	65
<b>The Literary Image of Dervish in Ivan Bunin and Andrey Bely's Poetics</b>	Eltsova Elena Nikolaevna / El Hadj Salem Sonia Alieвна	83
<b>Specific Features of Everyday Dialogic Speech</b>	Putina Olga Nikolaevna	103
<b>About Laughter as A Way of Visualization in Dostoevsky</b>	Stepanyan Elena Vladimirovna	125
<b>Kokhanovskaya (N. S. Sokhanskaya): A Historical-Literary Portrait</b>	Fetisenko Olga Leonidovna	143
<b>New Archival Documents about the Gumilev-Sverchkov Family from the Collection of the Museum of Imperial Nikolas Gymnasium in Tsarskoye Selo</b>	Brovkina Tatiana Yurievna	161
<b>Life Feat of the Louknitsky Family</b>	Medvedko Olga Leonidovna	177
<b>Proposing a Solution to solve the Polysemy of Words in Translating the Quran; (a Case Study of the Three Words "Tāmmah", "Sāhira" and "Da'ḥā" in Russian Translations by Krachkovsky and Zinalouf )</b>	Hemmatzadeh Shahram / Heydari Abravan Zahra	193

# Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka i Literatury

Scientific journal

## *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka i Literatury*

Iranian Association of Russian Language and Literature

The journal is published twice a year, supported by  
Iranian Association of Russian Language and Literature

**Managing Editor:** Janolah Karimi-Motahhar

**Editor-in-Chief:** Marzieh Yahyapour

**Executive Secretary:** M. Mohammad Beygi

**Scientific Editor:** S.V. Shustova

### **Editorial Board:**

**Ahmadi Mireyla**, Associate Professor of the Russian Language Department, Tarbiat Modarres University (Tehran, Iran)

**Akhmetshin R.B.**, Associate Professor of the Department of the History of Russian Literature, Moscow State University (Moscow, Russia)

**Gholami Hossein**, Professor of the Department of Russian Language and Literature, University of Tehran (Tehran, Iran)

**Golovin V.V.**, Doctor of Philology, Professor, Director of the Institute of Russian Literature (Pushkin House) of the Russian Academy of Sciences (St. Petersburg, Russia)

**Yerofeva T.I.**, Doctor of Philology, Professor of the Department of Theoretical and Applied Linguistics, Perm State National Research University (Perm, Russia)

**Zavyalova E.E.**, Doctor of Philology, Professor of the Department of Literature, Faculty of Philology and Journalism, Astrakhan State University (Astrakhan, Russia)

**Kazieva A.M.**, Doctor of Philology, Professor of the Department of Russian and Foreign Literature of the Pyatigorsk Linguistic University (Pyatigorsk, Russia)

**Karimi-Motahhar Janolah**, Professor of the Department of Russian Language and Literature, University of Tehran (Tehran, Iran)

**Kotelnikov V.A.**, Doctor of Philology, Professor, Chief Researcher of the Institute of Russian Literature (Pushkin House) of the Russian Academy of Sciences, Department of New Russian Literature (St. Petersburg, Russia)

**Mohammadi Mohammad-Reza**, Associate Professor of the Russian Language Department, Tarbiat Modarres University (Tehran, Iran)

**Shustova S.V.**, Doctor of Philology, Professor of the Department of Theoretical and Applied Linguistics, Perm State National Research University (Perm, Russia)

**Yahyapour Marzieh**, Professor of the Department of Russian Language and Literature, University of Tehran (Tehran, Iran)

It was founded in 2013.

ISSN 2345-2498

e-ISSN 2476-3500

Tehran - Iran

<http://www.journaliarll.ir>

#### **International Editorial Board:**

**Aloe Stefano**, Doctor of Philology, Professor of Russian literature and Slavic Studies, Department of Foreign Languages and Literatures, University of Verona (Verona, Italy)

**Broda Marian**, Doctor of Humanities sciences, Professor of European 's explore, University of Lodz (Lodz, Poland)

**Vidmarovich Natalia Petrovna**, Doctor of Philology, Professor of the Department of Russian Language Division of the East Slavic Languages and Literatures Faculty of Philosophy, University of Zagreb (Zagreb, Croatia)

**Koshemchuk Tatiana Alexandrovna**, Doctor of Philology, Professor of the Department of Linguistics and Intercultural Communication, St. Petersburg Agrarian University (Saint-Petersburg, Russia)

**Lepakhin Valery Vladimirovich**, Doctor of Philology, Professor of the Department of Russian Philology of the University of Szeged (Szeged, Hungary)

**Liutskanov Yordan Dimitrov**, Doctor of Russian literature, associate professor of the Institute for Literature, Bulgarian Academy of Sciences (Sofia, Bulgaria)

**Melville Firuza Abdullaeva**, Doctor of Philology, Director of the research center of Iranian studies, Faculty of Asian and Middle Eastern Studies, University of Cambridge (Cambridge, UK)

**Modebadze Irine Igorevna**, Doctor of Philology, Senior Researcher, Department of Theory of Literature and Comparative Literature, Shota Rustaveli Institute Of Georgian Literature (Tbilisi, Georgia)

**Molnar Angelika**, Ph.D. in Philology, Associate Professor of the Department of Russian Language and Literature, University of West Hungary (Szombathely, Hungary)

**Motorin Alexander Vasilievich**, Doctor of Philological Sciences, Professor, The Yaroslav-the-Wise Novgorod State University (Veliky Novgorod, Russia).

**Nazibekova Mehrinissa**, Doctor of Philology, Professor of Faculty of Russian language and literature, Tajik National University (Dushanbe, Tajikistan)

**Nike Michelle**, Ph.D., Professor at the University of Caen-Normandy (Caen-Normandy, France)

**Sawada Kazuhiko**, Doctor of Philology, Professor of Faculty of Humanities, Saitama University (Saitama, Japan)

## Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka i Literatury

"Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka i Literatury" is published in Iran with the aim of publishing original research on the Russian language and literature. The content of the article should correspond to the subject of the journal. Articles prepared in the following fields are accepted: general linguistics, comparative and comparative linguistics, socio- and psycholinguistics, functional grammar, literature, comparative literary criticism, linguodidactics, and translation studies.

### Requirements for the article:

- The forwarded articles should be the results of research by the author(s) of the article.
- The language of the journal is Russian.
- The forwarded articles should not be sent for other journals simultaneously, or it should not be published in other journal.
- Materials forwarded to the editorial office can not be returned.
- Article structure: title, abstract (120-140 words), keywords (5-7 words), introduction, main text, conclusion and list of used literature (in Russian and English). The main text should not be less than 3000 and more than 4000 words.
- At the beginning of the article: full title of the article, name and surname, place of work, academic degree, rank, e-mail address, telephone of the author(s).
- Information about quoted sources in the text of the article have to given in parentheses, including the author's surname, year of publication of the source and page numbers (Ivanov 2013. 92).
- Bibliographic references contain the mandatory elements of the description in the strict sequence in alphabetical order of the author's surnames as follows:
- **Book:** surname, date of publication (in parentheses), *title of main and non-main work (italics are typed)*, place of publication, publishing house.
- **Article:** surname, name, date of publication (in parentheses), title of article, *title of journal or collection of articles (italics)*, year and magazine number, place of publication and publishing house for the first and last pages of the article.
- **Internet sources:** surname, name, title of the work, full address of the Internet (site), date of circulation.
- Materials are provided in the following form: in the Word editor 1997-2003; font "Times New Roman"; the main text is size 14; interval 1.5; upper and lower margins -2.5 cm; left field -3 cm, right field -1.5 cm; indent (paragraph) -1.25 cm.
- You can send the article to the email address of the editor in chief:  
myahya@ut.ac.ir, journaliarll@gmail.com